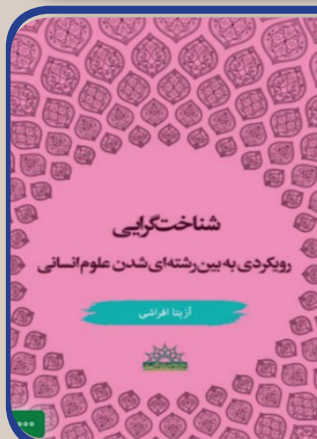


خبرنامه



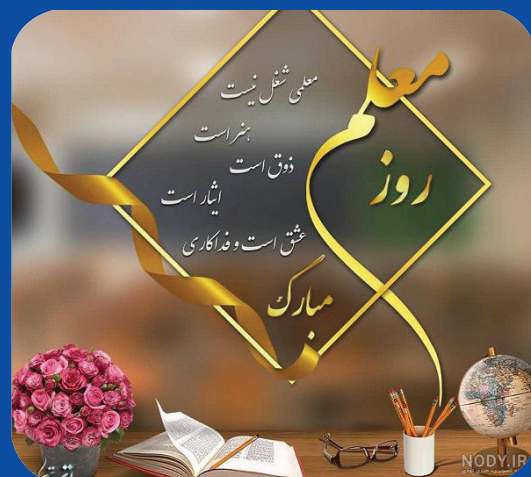
سال یازدهم، شماره نود و هفتم، اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

سخنرانی دکتر اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پژوهشگاه:  
**اتهام نقداپذیری جمهوری اسلامی را رد می کنیم**



رونمایی از  
دو اثر انتشارات  
پژوهشگاه  
در نمایشگاه  
بین‌المللی کتاب  
تهران





### فهرست

- ۳. \* وزیر فرهنگ: الگوی انتقادات دکتر افروغ، اتهام نقدناپذیری جمهوری اسلامی را رد کرد.....
- ۹. \* آسیب‌های نگاه افراطی و تفریطی به پیوند علوم انسانی با قرآن و سنت.....
- ۱۲. \* تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه.....
- ۱۷. \* تصویب اولویت‌های پژوهشی جدید پژوهشگاه.....
- ۲۰. \* همایش «اندیشه‌های آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری (قدس سره)».....
- ۲۳. \* رونمایی از کتاب‌های «شناخت‌گرایی» و «عاقلان عاشقی کنند» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب.....
- ۲۵. \* نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ویتترین تلاش محققان و پژوهشگران کشور.....
- ۲۸. \* مسائل زیرساختی اجتماعی- اقتصادی خلیج فارس در دو سده اخیر.....
- ۳۵. \* ارزیابی انتقادی دین شک‌بنیاد جان شلنبرگ.....
- ۳۷. \* گیاهان مقدس؛ واکاوی اهمیت گونه‌های گیاهی در فرهنگ ایران.....
- ۴۱. \* آینده مشاوره مدیریت در ایران.....
- ۴۶. \* مدارای رسانه‌ای و صلح اجتماعی.....
- ۵۲. \* روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی.....
- ۵۷. \* ارتباطات سلامت و اهمیت آن در عصر ارتباطات و اطلاعات.....
- ۵۹. \* دنیای ما از نگاه امام علی علیه‌السلام.....
- ۶۱. \* هیچ شاعر فارسی‌زبانی به اندازه خیام مورد اقبال «جهان عرب» قرار نگرفته است.....
- ۶۳. \* سالروز تخریب قبور مقدس بقیع (روز ویرانی).....
- ۶۵. \* معرفی مشاهیر پژوهشگاه (۳).....



### بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت روز معلم

بنده اعتقاد راسخ دارم و بارها هم گفته‌ام که جریان فکری اسلامی انقلاب و نظام اسلامی ما در بخش عمده‌ای متکی به تفکرات شهید مطهری است؛ یعنی آن‌ها پایه‌ها و مایه‌های اسلامی است که ما در تفکرات اسلامی از آن‌ها بهره بردیم و به نظام اسلامی منتهی شد.

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

## الگوی انتقادات دکتر افروغ، اتهام نقدناپذیری جمهوری اسلامی را رد کرد

مراسم هفتمین روز درگذشت دکتر عماد افروغ، استاد و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور چهره‌های علمی و پژوهشی کشور، اعضای خانواده و همکاران زنده‌یاد افروغ، ۳۰ فروردین ماه، در تالار تمدن پژوهشگاه برگزار شد.

در این مراسم سخنرانان به برخی از ویژگی‌های علمی و سلوک دکتر افروغ پرداخته و به برخی خاطرات خود با ایشان اشاره کردند و معتقد بودند برای بررسی آثار و اندیشه‌های این زنده‌یاد باید در آینده نشست‌های بیشتری تشکیل شود.



دکتر محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانش‌آموخته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که در مراسم تشییع دکتر افروغ نیز حضور داشت، خودش را به مراسم هفتم استاد سابقش رساند و با بیان این‌که حضور در این جلسه از دو حیث برایم اهمیت دارد، گفت: من افتخار شاگردی دکتر افروغ را دارم و در سال ۸۱ در مقطع دکتری دانشجوی رشته جامعه‌شناسی سیاسی در محضر ایشان بودم. نگاه اصولی‌شان به مسائل و پرهیز از مصلحت‌گرایی را در سلوک دکتر افروغ مشاهده کردم. همچنین در وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی در چهار حوزه ایشان افتخار دادند و با ما همکاری کردند. عضویت ایشان در شورای فرهنگ عمومی را داشتیم. عضو هیأت نظارت بر کتاب‌ها و شورای پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و مرکز ملی رصد نیز بودند که وظیفه رصد حوزه‌های مختلف و سنجش افکار عمومی را به‌خوبی عهده‌دار بودند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: ارتباطات من با ایشان از ۲۰ سال پیش آغاز شد و تا آخرین روزها تداوم داشت. در جلسات شورای فرهنگی عمومی جزو منظم‌ترین اعضا بود و همیشه زودتر از سایرین در محل جلسه حاضر می‌شد. آخرین بار در بهمن ماه سال گذشته، زمانی که در بستر بیماری بودند در منزلشان محضر ایشان رسیدم که حال خوشی داشتند و سرحال بودند و جلسه شیرینی بود و خاطراتمان را باهم مرور کردیم.

وی با اشاره به روحیه انقلابی‌گری، مطالبه‌گری و پرسشگری عماد افروغ توضیح داد: دکتر افروغ پرچمدار نقد درون‌گفتمانی بود. او خیلی مخالف مصلحت‌سنجی بود. در همه حوزه‌ها با صراحت و محکم نقدش را مطرح می‌کرد و این اتهامی که به جمهوری اسلامی زده می‌شود که کسی تاب نقد و انتقاد را ندارد، نوع حضور و کنش‌گری دکتر افروغ و نوع گفتمانی که در این حوزه در نظام شکل گرفته است، در این الگو خودش را نشان داد. شما پیام رهبر عزیز انقلاب نسبت به ایشان را ببینید. نقد دکتر افروغ کاملاً مبتنی بر اصول علمی جامعه‌شناسی سیاسی بود و هیچ‌کس هم مصون از انتقادات‌شان نبود و آن‌جایی که می‌دانستند اشکالی هست با صراحت لهجه در پرمخاطب‌ترین تریبون‌ها مثل تلویزیون مطرح می‌کردند.

وی با مرور تعاریف متنوع انقلابی‌گری تأکید کرد: حضرت آقا وقتی از ایشان یاد می‌کنند، صفت انقلابی‌گری را برای ایشان قید می‌کنند. انقلابی‌گری به این معناست اگر احساس کردیم ناراستی و کژی وجود دارد، باید حرف بزنیم. یک انقلابی می‌تواند مثلاً عماد افروغ را نسبت به مسائل مختلف با اهمیت‌های گوناگون در چارچوب نظام جمهوری اسلامی نقد کند و محبوب باشد. تا جایی که همه شخصیت‌های نظام از رهبر انقلاب تا رئیس‌جمهور این‌طور با اخلاص و شیفتگی از او یاد کنند. این یک الگوی جدی رفتاری در جمهوری اسلامی ایران است. دکتر افروغ تا روز آخر فردی نبود که مصلحت‌سنجی کند و بیمار هم که بودند، اظهار نظرهایش را مطرح می‌کرد و ابایی نداشت که به کسی بربخورد یا کسی خوشش نیاید.

دکتر اسماعیلی تأکید کرد: دکتر افروغ روح بزرگی داشت و هر چه به دوران پایان حیات مادی‌شان نزدیک‌تر می‌شدند، بهجت درونی‌شان بیشتر بود که این از ویژگی‌های مؤمن است. افرادی نگران لحظات قبر و برزخ هستند که نگران اعمال‌شان هستند. دکتر افروغ یک عمر پاکیزه زندگی کرد و با اشتیاق به دیدار خداوند متعال رفت که من هم از خداوند در این لحظات نورانی و ساعات پایانی ماه مبارک رمضان برای این دانشمند انقلابی، مؤمن، پاک و پاکیزه همشینی با اولیاء، علما، صلحا، و امام عظیم‌الشأن را مسئلت دارم. ان‌شاءالله با رفقای شهیدشان محشور شوند و عمری را در جهاد گذراندند و از مبارزاتشان در خارج از کشور و حضورشان در جبهه‌های جنگ، جایی نگفتند و سرانجام این عنصر پاک و پاکیزه، پاکیزه به دیدار خداوند متعال رفت. ما بیش از اینکه متأثر از رفتن این دانشمند بزرگ باشیم، بیش از آن نگران احوالات خودمان هستیم. زندگی، سیره و سلوک دکتر افروغ بهانه را برای امثال ما می‌بندد، چون ما ایشان را دیدیم و شاگردی کردیم، حتماً که توجیهی برای کم‌کاری و انجام ندادن تکالیف‌مان نداریم. ان‌شاءالله خداوند ما را هم واقف و مأمور به انجام وظایف‌مان بکند و ان‌شاءالله دعاهایشان برای مردم ایران در آن دنیا هم که دستشان بازتر است، مستجاب شود و آثار علمی فاخر این مرد بزرگ چراغی فراروی دانشجویان و طالبان علوم اجتماعی در کشور باشد و روح علمی و اخلاق حرفه‌ای ایشان که به گرایش و سلیقه خاصی متعلق نیست، برای همه درس‌آموز باشد.

برای شادی روح این عزیز تازه درگذشته الفاتحه مع‌الصلوات



دکتر گلشنی:

## مرحوم افروغ هم دغدغه علمی داشت و هم دغدغه فرهنگی



دکتر مهدی گلشنی، استاد فلسفه علم ایران با اشاره به اینکه دکتر افروغ در طول زندگی اش دو دغدغه فرهنگی و علمی داشت، گفت: مرحوم افروغ همیشه تلاش می کرد نظراتش را به مسئولان اجرایی کشور منتقل کند و او آنچنانکه مقام معظم رهبری هم فرموده اند، روی دو نکته تأکید داشت که علم باید نیازهای داخلی را رفع کند و باید نوآوری و مرزشکنی در مرزهای دانش داشته باشد.

دکتر گلشنی تأکید کرد: مرحوم افروغ معتقد بود که پُرز دادن به تعداد مقالات دانشگاهی مهم و فایده بخش نیست و مهمترین شکایتش این بود که در دانشگاه ها تعداد مقالات معیار باشد که اشتباه است.

وی گفت: ما نباید از تحولات اخیر غرب در زمینه های علمی غفلت کنیم که تحولات علمی آنها (در زمینه های علوم انسانی) به کشور منتقل نشده است که دولت ها هم باید به نصیحت خیرخواهان و دلسوزان انقلاب گوش دهند. وی با اشاره به کتاب «ارزیابی انتقادی نهاد علم» دکتر افروغ یادآور شد: مرحوم افروغ در این کتاب گله ها و انتقادهای خود را این چنین بیان کرده است:

- \* بیگانگی دست اندرکاران نظام آموزشی با مباحث ظریف و پیچیده معرفت شناسی
- \* فقدان شناخت یا شناخت ناکافی از مباحث مربوط به چیستی علم، جامعه شناسی و تاریخ علم
- \* الزام چاپ مقالات پژوهشگران در مجلات isi و ... در صورتی که مقاله های بسیاری هستند که در چنین مجله هایی منتشر نشده اند اما ارزش علمی دارند یا فردی کتاب نوشته و اختراع کرده و ...
- \* کم رنگ شدن وقف مردم به مراکز



- \* آموزشی و دانشگاهی
  - \* اهمیت انتقال میراث فرهنگی به نسل بعدی
  - \* توجه بیش از حد به رشته های غیر علوم انسانی
  - \* ارائه پیشنهاد به ایجاد تحولات ساختاری در نظام آموزشی و اصلاحات واقعی و ...
- گلشنی در خاتمه سخنانش تصریح کرد: در کشورهای چون مالزی، اندونزی و پاکستان راجع به تمدن اسلامی کتاب های زیادی منتشر شده است که امیدواریم مسئولان به نصایح خیرخواهان چه در ابعاد علمی و چه در ابعاد اقتصادی و ... بیشتر توجه کنند.

دکتر آزادارمکی:  
**زنده یاد افروغ دانشمندی ولایی و عاشق امام علی (ع) بود**



دکتر تقی آزادارمکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران با عرض تسلیت به خانواده دکتر افروغ و ابراز امیدواری به اینکه، خداوند متعال عمر چنین افراد مفیدی را بیشتر کند تا کشور بتواند بیشتر از وجود و نفس آنها استفاده کند، گفت: دکتر افروغ جامعه‌شناس متقیدی بود که از این منظر به جامعه ایران نگاه می‌کرد و دوستداران افروغ نباید او را در سطح یک مداح قلمداد کنند مثل آن چیزی که در مراسم تشییع ایشان از دانشگاه تا بهشت زهرا (س) اتفاق افتاد. دکتر آزادارمکی تأکید کرد: زنده‌یاد افروغ ولایی و عاشق امام علی (ع) بود ولی مداح نبود بلکه او دانشمند بود و مقام معظم رهبری هم در پیامشان فرمود که ایشان فرد فرزانه و دانشمندی بودند. دکتر افروغ عاشق انقلاب اسلامی و امام علی (ع) بود اما تن به قدرت نداد و او جامعه‌شناسی بود که نه قهر کرد، نه دشمنی و ستیز کرد و نه گله‌مند بود.

وی گفت: ما نیازمند بازنگری در خود و جریان‌های ظهور کرده باشیم و پدیده‌هایی مثل جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی را نقد کنیم و تصور نکنیم به راحتی می‌توان از این پدیده‌ها عبور کرد. ما باید وارد گفت‌وگو شویم و تولید اندیشه کنیم و به راه‌حل‌ها و جریان‌هایی دسترسی پیدا کنیم که کمتر به خشونت منجر می‌شوند.





دکتر میری:

## زنده‌یاد افروغ خودش را محدود و بسنده به ساحت سیاست نکرد



دکتر سیدجواد میری، استاد جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پس از عرض تسلیت به جامعه علمی کشور و خانواده دکتر افروغ گفت: در این مجلس ترحیم نمی‌توان آن‌طور که شایسته و بایسته است از آثار و ویژگی‌های دکتر افروغ صحبت کرد اما در آینده می‌توانیم درباره سیره و آثار دکتر افروغ صحبت کنیم. وی افزود: مرحوم افروغ خود را وامدار نگاه رئالیسم انتقادی «روی باسکار» می‌دانست و استدلال می‌کرد که وظیفه علم، تولید دانش آن مکانیسم‌های پایدار و پیوسته فعال طبیعت است که پدیده‌های جهان را می‌آفریند نه کشف قوانین کمی! به عبارت دیگر علم تجربی تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که چنین مکانیسم‌هایی در خارج از آزمایشگاه و همچنین در داخل آن وجود دارند و عمل می‌کند. «باسکار» در ادامه آن رئالیسم را درباره مکانیسم‌ها و قدرت‌های علی در فلسفه علوم اجتماعی به کار برد و همچنین مجموعه‌ای از استدلال‌ها را برای حمایت از نقش انتقادی فلسفه و علوم انسانی بیان کرد.

دکتر میری تأکید کرد: زنده‌یاد افروغ روشنفکر بود چون، در حوزه عمومی برای خود نقش تأثیرگذاری قائل بود. دانشگاهی بود، چون رویکرد تحلیلی و آکادمیک به مسائل داشت و سیاست‌مدار بود چون ساحت سیاست رسمی کشور را می‌شناخت و در آن نمایندگی کرده بود. اما این موارد، همه افروغ نبودند بلکه او روشنگر بود، دانشگاهی بود، سیاست‌مدار بود و در مواجهه با مرگ هم به صورت حاصل عملکرد روشنگر بود و در رسالت حوزه رویکرد تحلیلی و آکادمیک به مسائل داشت و سیاست‌مدار بود و ساختار سیاسی رسمی کشور را می‌شناخت و در آن نمایندگی کرده بود.

دکتر میری تصریح کرد: افروغ با اینکه سیاست‌مدار هم بود اما خودش را محدود و بسنده به ساحت سیاست نکرد بلکه منظر انتقادی خودش را حفظ کرد. حتی در مقطعی که اصولگرایان از او انتقاد می‌کردند این شعر را می‌خواند: رند عالم‌سوز را با مصلحت‌بینی چه کار/ کار مُلک است آن که تدبیر و تأمل بایش افروغ محافظه‌کاری را در ایران محافظ «کار» می‌انگاشت و معتقد بود که کسانی که خود را محافظه‌کار در ایران می‌دانند به هیچ‌وجه با بنیان‌های سنت محافظه‌کاری (کانسرواتیزم) نسبتی ندارند. او همیشه تلاش می‌کرد جنبه انتقادی خودش را صرفاً در چهارچوب نوشتن چند کتاب و مقاله و ... محدود نکند، بلکه به کنش‌گری در ساحات مختلف اجتماعی باور بنیادی داشت. دکتر میری با اشاره به حوادث اخیر کشور نیز یادآور شد: دکتر افروغ در مواجهه با جنبش «زن، زندگی، آزادی» نیز معتقد بود، اگر برخی روش‌ها و قوانین را اصلاح کنیم، به هیچ‌وجه باعث خدشه‌دار شدن نظام نخواهد شد و این موضوع را باعث رشد نظام می‌دانست. به عبارتی دیگر، برای رشد نظام باید آن‌را دائماً در معرض نقد و انتقاد بنیادین قرار دهیم. مواجهه دکتر افروغ با مرگ برای خود من نیز درس‌آموز و جالب بود. مواجهه با مرگ، یکی از بنیادی‌ترین ابعاد وجودی انسان است و وقتی آقای افخمی از او درباره مرگ پرسید، پاسخ داد که خانواده خیلی نگران من هستند اما آن‌چنان شوق به رفتن دارم که اصلاً حساب شدنی و قابل باور نیست که این واکنش او مرا یاد شعر مولانا انداخت که می‌گفت:

مرگ اگر مرد است آید پیش من  
تا کشم خوش در کنارش تنگ‌تنگ  
من از او جانی برم بی‌رنگ و بو  
او ز من دل‌قی ستاند رنگ‌رنگ

دکتر معین زاده:  
دکتر افروغ ذاتاً منتقد وضع موجود بود



دکتر مهدی معین زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به اینکه اواخر دهه ۸۰ افتخار شاگردی دکتر افروغ را داشت، گفت: وقتی بنده به گروه فلسفه علم و دین پیوستم، بسیار با روی گشاده از من استقبال کرد و در درس فلسفه علوم اجتماعی هم چهار واحد داشتیم که گرایش فلسفی ایشان به جامعه‌شناسی توجه مرا به خود جلب کرد. دکتر افروغ بیشتر آثار فیلسوفان یا نقل قول‌های آنها را خوانده بودند و من بخشی از رویکرد فعلی‌ام به فلسفه (که طرحم در حال انجام است) را مدیون آن واحدهای درسی هستم که زیر نظر ایشان گذراندم و به من مسئولیت داد که درباره ارتباط افکار «گادامر» با علوم انسانی و ... تحقیق کنم.

وی با اشاره به اینکه پرداختن به آثار دکتر افروغ کار سترگی است و پرداختن به کارهای علمی ایشان، نیاز به تشکیل جلسات دیگری دارد، گفت: دکتر افروغ ذاتاً منتقد وضع موجود بود و حرکت و رشد علم را در انتقاد از مشکلات و سیستم دانشگاه‌ها می‌دید و روح ناآرام، بی‌قرار، پاک و شریفشان را وقف تنگناها و مزیقه‌ها می‌کردند و این‌طور بود که شیوه نوشتن مقاله و نمره دادن در دانشگاه‌ها را برنتافت و پس از ۲۵ سال خدمت، درخواست بازنشستگی داد.

دکتر معین زاده در ادامه به خاطرات مشترکش با زنده‌یاد افروغ اشاره و مواردی را مطرح کرد. وی همچنین گفت: مصیبت بزرگی بر جامعه علمی کشور وارد شده است که امیدوارم با بررسی و ارزیابی آثار ایشان نام ماندگار دکتر افروغ را بیشتر به مردم بشناسانیم و به قول مولانا؛ خوش‌تر آن باشد که سر دلبران/ گفته آید در حدیث دیگران دکتر افروغ واقعاً همیشه همیت و غیرت داشت و به قول سعدی؛ «دلایل، قوی باید و معنوی. نه رگ‌های گردن به حجت قوی» که زنده‌یاد هر دوی این موارد را داشتند.



اهمیت علوم انسانی در جامعه ایران؛

## بررسی آسیب‌های نگاه افراطی و تفریطی به پیوند علوم انسانی با قرآن و سنت

یحیی فوزی، معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایکن، به بیان نکاتی درباره وضعیت علوم انسانی در ایران پرداخت و درباره این سؤال که آیا این مسیر درست است و ما را به اهداف می‌رساند یا باید اصلاح شود، گفت: جوامع انسانی در دنیای مدرن براساس علم اداره می‌شوند و علم، سلطان و ابزار قدرت جوامع و عامل شکل‌دهی به تمدن‌ها است و اصولاً روح تحول و تغییر در جوامع را علم شکل می‌دهد.



علوم جدید، روح تمدن جدید را شکل داده و مقوم آن هستند و در این راستا علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای در اداره جوامع برخوردار است. همه علوم برای کمک بهتر به انسان به علوم انسانی نیاز دارند و علوم انسانی مهم‌ترین ابزار تمدن‌سازی برای جوامع انسانی است و نهادها و ساختارها و قوانین و رویه‌های حاکم بر اداره جوامع ملهم از علوم انسانی است.

### اهمیت علوم انسانی در جامعه ایران

وی ادامه داد: پژوهشگران و اصحاب علوم انسانی، کار خود را در جامعه انجام می‌دهند و ضمن توصیف و تبیین نظری و عملی مشکلات جوامع به ارائه راه حل برای زندگی بهتر انسانی در حال فعالیت هستند اما علیرغم این تلاش‌های محسوس و غیر محسوس، انتظار از علوم انسانی به دلایلی بالاست و یکی از دلایل، گسترده بودن دامنه آن است و دلیل دیگر وسعت اثر آن و نیاز بقیه علوم برای کارایی بیشتر در جوامع انسانی به این علم است. اصولاً دستاوردهای دیگر علوم بدون پیوست علوم انسانی نمی‌تواند به موفقیت کامل در جوامع انسانی برسد. فوزی یادآور شد: در نهایت رخداد انقلاب اسلامی در ایران به دلیل ماهیت فرهنگی و هویتی آن انتظار از علوم انسانی را بالاتر برد. انقلاب به دنبال خلق دنیایی جدید و سبک زندگی جامع‌تری برای انسان بود و از تعالی انسان به عنوان هدف نظام‌های اجتماعی سخن می‌گفت و برای تحقق این اهداف خواستار استفاده جامع‌تر از علوم انسانی بود و وضعیت موجود علوم انسانی را کافی نمی‌دانست لذا از تحول در علوم انسانی سخن گفت و معتقد بود باید این علوم کارآمدی بیشتری داشته و معطوف به حل مشکلات بومی باشند تا بتوان مبتنی بر این علوم انسانی تمدن و سبک زندگی ایرانی اسلامی را بنیان نهاد. در این راستا برخی از ضرورت پیوند علم و دین سخن گفتند اما در مورد این پیوند دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است.

### دیدگاه‌های مختلف درباره تحول در علوم انسانی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یادآور شد: بحث در خصوص علوم انسانی در سال‌های بعد از انقلاب تحت تأثیر نوع مناسبات دین و علم قرار دارد؛ به این معنا که علوم جدید که برای ساختن تمدن جدید بشری تکوین یافته‌اند چگونه می‌توانند در ساختن تمدنی دینی کمک‌کننده باشند؟

در پاسخ به این پرسش سه نوع پاسخ داده شده است برخی با رویکردی مبتنی بر نفی علوم موجود معتقدند که برای ساختن این الگوی بدیل نیازمند نفی علم موجود و بنا کردن علمی جدید می‌باشیم زیرا معتقدند علوم موجود مبتنی بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی متفاوتی است و برخی دیگر با خشتی دانستن علم معتقدند که علوم موجود قابلیت استفاده برای ساختن تمدن جدید دینی را نیز دارا می‌باشند و در نهایت دیدگاه سومی رویکرد میانه به موضوع دارد و معتقدند با تکمیل علوم موجود و با تصرف در آنها از طریق گسترش افق دید محقق می‌توان با نگرشی جامع‌تر از علوم موجود برای تمدن‌سازی دینی استفاده کرد.

وی افزود: این گروه بر تأثیرگذاری معرفت‌شناسی و جهان‌بینی و انسان‌شناسی دین بر عناصر اصلی علمی در مرحله قبل از داوری تأکید می‌کنند؛ به این معنا که در این مرحله می‌توان با الهام گرفتن از گزاره‌های متون دینی به‌عنوان پیش فرض به طرح سؤال و فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی اقدام کرد و در مقام داوری و اثبات فرضیه‌ها از روش‌های تجربی علم بهره گرفت. در واقع این رویکرد ضمن پذیرش علوم انسانی موجود معتقد است که باید این علوم در مرحله قبل از داوری با بهره‌مندی از نگرش‌های دین فربه‌تر شود و به‌نظر می‌رسد این دیدگاه می‌تواند به ما را به نتیجه مطلوب برساند.

فوزی یادآور شد: اصولاً تمدن دینی تکمیل‌کننده تمدن موجود است و با گذر از تک ساحتی دیدن انسان تلاش می‌کند افق جامع‌تری را بگشاید و به‌دنبال رفع نیازهای واقعی انسان و تعالی مادی و معنوی انسان است لذا علوم متناسب با تمدن دینی نیز نه نفی علوم و تجارب بشری موجود بلکه علمی است که مکمل و تکمیل‌کننده علوم موجود است. براین اساس در مقابل دو رویکرد پذیرش کامل وضعیت موجود علم یا رویکرد تأسیسی و تلاش برای تأسیس علمی جدید، برای ساختن تمدن اسلامی، رویکرد غالب در بین نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی رویکرد اخذ و تصرف در علوم موجود بوده است لذا ضمن اخذ و فهم علوم موجود تلاش می‌کند با تصرف مناسب در آن در قالب ساختار مورد پذیرش علوم، افقی جدید را برای به خدمت گرفتن علوم در ساختن تمدن مورد نظر خود فراهم آورد.

### لوازم کاربردی‌سازی علوم انسانی

وی تأکید کرد: بر اساس این دیدگاه، دین با توجه به تأثیری که در نحوه نگرش و نگاه عالم به جای می‌گذارد می‌تواند در عرصه علم تأثیرگذار باشد و علم دینی در واقع علمی است که تحت تأثیر سؤالات و فرضیه‌ها و پیش‌فرض‌های یک عالم دینی که دارای نوع نگاه خاصی به جهان و هستی است، شکل گرفته است. بر این اساس در سال‌های بعد از انقلاب تلاش شد تا این تغییرات در ذهنیت محققان شکل بگیرد و افق دید آنها به انسان و جامعه از طریق آشنایی آنها با جهان‌بینی و انسان‌شناسی دینی گسترش یابد تغییرات کتاب‌های درسی و اضافه کردن دروس عمومی در دانشگاه‌ها و ایجاد دانشگاه‌های پیوندی که بین دروس حوزوی و دانشگاهی پیوند برقرار کردند و... همه مواردی از اینگونه تلاش‌ها بوده است و در این راستا تقویت جهان‌بینی و انسان‌شناسی دینی محققان، تقویت ارتباط بین علمای دینی و محققان مختلف رشته‌های علوم انسانی و گسترش گرایش‌های بین رشته‌ای از جمله این تلاش‌ها بوده است که هرچند نتایجی داشته اما راه طولانی برای تثبیت این نگاه به علم در پیش دارد.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: در واقع کاربردی کردن علوم انسانی، براساس نیازهای بومی و حل مشکلات جامعه و نیازهای یک جامعه دینی و به خدمت گرفتن علوم جدید برای ساختن یک تمدن نوین اسلامی از طریق اخذ و فهم علوم جدید همراه با تصرف در آن مبتنی بر گسترش افق دید عالم و محقق علوم انسانی معطوف به فهم بنیان‌های دینی و بومی و در نهایت ارائه فهم جامع‌تری از پدیده‌های انسانی، می‌تواند علوم انسانی موجود را بالنده‌تر و اثرگذارتر کند. البته در این مورد تجربه زیسته برخی از کشورهای اسلامی نیز قابل توجه است و در خصوص چگونگی این تصرف کنفرانس‌ها و کتاب‌ها و مقالات زیادی در کشورهایمانند پاکستان، مالزی، ترکیه و برخی کشورهای عربی وجود دارد که برای ما قابل استفاده است. وی ادامه داد: در مجموع به‌نظر می‌رسد این راه طی شده طی چهار دهه گذشته مبتنی بر رویکرد اخذ و تصرف در علوم انسانی جدید می‌بایست مورد نقد و تحلیل قرار گیرد تا با تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها راه آینده شفاف‌تر و دقیق‌تر ادامه یابد و ظرفیت علوم انسانی موجود در خدمت ساختن یک تمدن جامع‌تر به کار گرفته شود.

## وضعیت کنونی جنبش‌های اسلامی

فوزی در ادامه در پاسخ به این پرسش که با توجه به مطالعات شما در خصوص جنبش‌های اسلامی، وضعیت فعلی اسلام سیاسی در جهان اسلام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ گفت: جنبش اسلام سیاسی به‌عنوان یک جنبش تأثیرگذار در دنیای معاصر به‌دنبال ایجاد تغییرات سیاسی اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی متناسب با هویت دینی و ایدئال خود از توسعه و سبک زندگی مطلوب در جهان اسلام می‌باشد و لذا بخش جدایی‌ناپذیر این جوامع در دوران معاصر محسوب می‌شوند. این جنبش‌ها از یکسو تحت تأثیر ورود استعمار به جهان اسلام و وضعیت نابسامان درونی جوامع اسلامی و از سوی دیگر تحت تأثیر بنیان‌ها و جهت‌گیری‌های اصلاح طلبانه و انقلابی دین که در قالب احکام شریعت بیان شده، شکل گرفته‌اند این جنبش تاکنون چندین مرحله را طی کرده است و در بین اهل سنت و شیعیان از نفوذ گسترده‌ای برخوردار است و بعد از انقلاب اسلامی ایران، بالندگی و ظهور آن‌ها به شدت افزایش یافت و این جریان‌های اسلامگرا از بازیگران مهم عرصه منطقه و حتی بین‌الملل محسوب شده‌اند. وی گفت: اتفاقاتی همچون بهار عربی و بیداری اسلامی و تلاش برخی جریان‌های اخوانی و سلفی برای دستیابی به قدرت سیاسی این نقش را تقویت کرد. اما شکست این جنبش‌ها در دستیابی به قدرت از یکسو و تلاش برخی جریان‌های وابسته و تندرو در قالب داعش و اقدامات تروریستی و خشونت بار آنها موجب شد تا این جنبش‌ها مخصوصاً در بین اهل سنت تا حدی به لاک دفاعی فرو روند و بخش مهمی از اندیشمندان این جنبش‌ها به بازنگری درونی بپردازند و با بررسی ضعف‌ها و قوت‌ها و اصلاح روش‌ها بتوانند خود را مجدداً براساس این بازنگری تعریف کنند. در شرایط فعلی به‌نظر می‌رسد گروه‌های افراطی تا حد زیادی به حاشیه رانده شده و بخش مهمی از این جنبش‌ها در بین اهل سنت و شیعیان با تأکید بر اعتدال و میانه روی و تساهل مذهبی بیشتر به یکدیگر در حال نزدیک شدن هستند. برخی کشورهای حامی این جریان‌ها نیز در حال بهبود روابط و تغییر در رویکردها به یکدیگر می‌باشند که بهبود فضای روابط کشورهای مهم جهان اسلام با یکدیگر نیز می‌تواند بر این همگرایی بین جریان‌ها معتدل اسلامگرا با یکدیگر تأثیر مثبتی داشته باشد و مجموعه این اتفاقات می‌تواند در همکاری بیشتر و وحدت اسلامی مؤثر باشد.



مجله خبرگزاری بین‌الملل اسلام‌اخبار

فارسی العربية English Türkçe Français

شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ - 01 July 2023



کد خبر: ۴۱۳۵۰۸

---

صفحه نخست | همه اخبار | فعالیت قرآنی | سیاست و اقتصاد | بین‌الملل | مطرف | اجتماعی | فرهنگی | شهب استانی | چندرسانه ای | عکس | پرورنده های خبری

درباره ما | تماس با ما | آرشيو | پیوندها

جستجو در سایت ...

تاریخ انتشار: ۰۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ - ۰۵:۳۵

معارف « دانشگاه »

بجای فوزی در گفت‌وگو با ایگنا تشریح کرد:

### آسیب‌های نگاه افراطی و تفریطی به پیوند علوم انسانی با قرآن و سنت

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: بعد از انقلاب اسلامی در راستای اسلامی‌سازی علم، دیدگاه‌های افراطی و تفریطی مطرح شد از جمله اینکه برخی معتقدند باید همه چیز را از قرآن و سنت بگیریم و از سوی دیگر برخی معتقدند قرآن و سنت چیزی برای علوم انسانی ندارند اما هر دو دیدگاه درست نیست.



**یحیی فوزی،** معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در گفت‌وگو با خبرنگار ایگنا، به بیان نکاتی درباره وضعیت علوم انسانی در ایران پرداخت و درباره این سؤال که آیا این مسیر درست است و ما را به اهداف می‌رساند یا باید اصلاح شود، گفت: جوامع انسانی در دنیای مدرن براساس علم اداره می‌شوند و علم، سلطان و ابزار قدرت جوامع و عامل شکل‌دهی به تمدن‌ها است و اصولاً روح تحول و تغییر در جوامع را علم شکل می‌دهد. علوم جدید، روح تمدن جدید را شکل داده و مقوم آن هستند و در این راستا علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای در اداره جوامع برخوردار است. همه علوم برای کمک بهتر به انسان به علوم انسانی نیاز دارند و علوم انسانی مهمترین ابزار تمدن‌سازی برای جوامع انسانی است و نهادها

در اولین جلسه شورای پژوهشی در سال ۱۴۰۲ صورت پذیرفت:

## تصویب اولویت‌های پژوهشی جدید پژوهشگاه

اولین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه در سال ۱۴۰۲ و سی و چهارمین جلسه شورا، ۱۱ اردیبهشت ماه، در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا برگزار شد. در این جلسه علاوه بر تفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف) و برخی دیگر از طرح‌های تألیفی پیشنهادی مرتبط با طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌های مختلف پژوهشگاه، فهرست اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه به تصویب اعضای شورا رسید.



### تبریک انتصاب رؤسای جدید پژوهشگاه‌ها و اهمیت اطلاع‌رسانی مباحث شورا به اعضا

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از سلام و درود بر پیامبر گرامی اسلام صلّی علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، اظهار امیدواری کرد: در سال جدید، پژوهشگاه بتواند با همدلی و مشارکت صمیمانه اعضا، به اهداف و آرمان‌های خود دست یافته و به کسب دستاوردهای بیشتر نائل شود. دکتر نجفی همچنین ضمن تبریک به دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، سرپرست پژوهشگاه تاریخ ایران؛ دکتر سیدمحمد هادی گرامی، سرپرست پژوهشگاه مطالعات علوم قرآنی؛ دکتر عبدالمجید مبلغی، سرپرست پژوهشگاه تمدن اسلامی؛ دکتر فریاسادات محسنی، سرپرست پژوهشگاه علوم سیاسی و دکتر فاطمه طاهرخانی، سرپرست پژوهشگاه انقلاب اسلامی، برای آنان در سمت جدید آرزوی توفیق کرد. وی با اشاره به برخی تغییرات در پست‌های مختلف پژوهشگاه و بیان اینکه دلیل این تغییرات مسئله شخصی نبوده است، ادامه داد: رعایت نظم و دقت در امور مختلف مربوط به اعضای مختلف پژوهشگاه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. یکی از وظایف مهم رؤسای پژوهشگاه‌ها و مراکز، حضور در جلسات شورای پژوهشی و شورای تحصیلات تکمیلی و انعکاس و اطلاع‌رسانی تصمیم‌ها و مباحث مطرح شده در جلسات به اعضای پژوهشگاه‌ها و مراکز است.

### تأکید ریاست پژوهشگاه بر پرهیز از دوقطبی‌سازی‌های جناحی و سیاسی و ضرورت فعالیت اعضا در مسیر استقلال و پیشرفت کشور

رئیس پژوهشگاه با تأکید بر سیاست مدیریت پژوهشگاه در طرح مسائل مختلف علمی و غیرعلمی در شورای پژوهشی به‌عنوان عالی‌ترین شورای علمی پژوهشگاه گفت: همواره تلاش شده است تا با طرح صادقانه و شفاف مسائل مختلف در جلسات شورا، علاوه بر بهره‌گیری از خرد جمعی و مشورت با اعضای پژوهشگاه در تصمیم‌گیری‌ها، از رویکرد یک‌جانبه و ایجاد شائبه پرهیز شود. وی متذکر شد: برخی از اعضای پژوهشگاه با وجود اینکه چند سالی در پژوهشگاه حضور نداشته و در مأموریت خارج از کشور به سر می‌برند، تحت تأثیر فضا سازی‌های صورت گرفته، به طرح مسائلی به دور از واقعیت پرداخته‌اند.

طرح مسائلی همچون وجود فضای سیاسی و امنیتی در پژوهشگاه و یا بیان سایر موارد نادرست دیگر، باعث ایجاد حواشی برای پژوهشگاه و دشوار شدن حفظ آرامش و نظم که لازمه فعالیت‌های علمی و اجرایی اعضای پژوهشگاه است، می‌شود و تنها به دوقطبی‌سازی‌هایی در سطح رسانه‌ها و فضای مجازی دامن زده می‌شود که البته در سطح داخل کشور مورد توجه قرار نمی‌گیرد و عموماً خوشایند مخالفان کشور و رسانه‌های بیگانه است. وی دشواری‌های ایجاد شده برای پژوهشگاه با طرح مسائل خلاف واقع و تلاش مدیریت پژوهشگاه برای برخورد مثبت و رویکردی مبتنی بر تسامح و مدارا با آنان را متذکر شد و گفت: با وجود امکان برخوردهای قهری و مبتنی بر موازین اداری، مسئولان پژوهشگاه با تسامح و مدارا مدت مأموریت آنان را طبق موازین قانونی تمدید کرده و از این افراد دعوت می‌کنیم با حضور در پژوهشگاه و پرداختن به فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود، از واقعیت‌های جاری در پژوهشگاه آگاهی یابند و از طرح مسائل خلاف واقع دوری کنند.

دکتر نجفی ادامه داد: در پژوهشگاه هیچ‌گونه نگاه دوقطبی سیاسی و جناحی در نگاه به فعالیت‌های مختلف علمی، اجرایی و اداری اعضای پژوهشگاه وجود ندارد اما قطعا و تنها یک دوقطبی وجود دارد و آن دو قطبی استقلال و سربلندی کشور در مقابل وابستگی و عدم استقلال کشور است. پژوهشگاه همواره در مسیر استقلال، امنیت، منافع ملی، انتظام اجتماعی و پیشرفت کشور حرکت خواهد کرد و هر حرکتی خلاف آن را نفی و طرد می‌کند.

### تأکید بر حمایت از صندوق‌های مختلف پژوهشگاه در چارچوب موازین قانونی

رئیس پژوهشگاه در بخش دیگری از سخنان خود به درخواست‌های مختلف از مدیریت پژوهشگاه برای حمایت‌های بیشتر از اقشار ضعیف‌تر و دچار مشکلات و سختی‌های اقتصادی و معیشتی اشاره کرد و گفت: مدیریت پژوهشگاه همواره تلاش کرده است تا به شکل‌های مختلف و البته در چارچوب موازین قانونی از این قشر حمایت کند و بار سنگین روی دوش آنان را بکاهد ولی باید توجه داشت که از یک طرف امکانات و منابع مالی پژوهشگاه محدود است و از طرف دیگر موانع قانونی امکان حمایت بیشتر را در اختیار مسئولان پژوهشگاه قرار نمی‌دهد. فراتر رفتن از حدود مشخص شده، بی‌نظمی و به‌خطر افتادن منافع پژوهشگاه را در پی خواهد داشت. با توجه به اهمیت موضوع مقرر شد معاونت اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه موضوع تقویت و حمایت مالی از صندوق‌های مختلف پژوهشگاه را برای اعطای وام به نیروهایی که نیازمند حمایت بیشتر هستند، بررسی کند تا با اعطای وام، از یک طرف امکان حمایت از نیروهای نیازمند فراهم شده و از طرف دیگر امکان بازپرداخت آن نیز فراهم باشد.



### دکتر فوزی: تعیین تکلیف وضعیت آثار ارسالی اعضای هیأت علمی در جلسه شورای انتشارات

در ادامه جلسه دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، ضمن تبریک روز معلم به اعضای پژوهشگاه، به تعیین تکلیف وضعیت آثار ارسالی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در جلسه اخیر شورای انتشارات اشاره کرد و گفت: با تشکیل شورای انتشارات فرایندهای مختلف انتشار آثار اعضای هیأت علمی انجام و روندهای مختلف آنها به روزرسانی شد. در برخی موارد تعیین داور و در برخی موارد هم روند بعدی مورد بحث و تبادل نظر اعضا قرار گرفت. براین اساس کار عقب مانده‌ای در این زمینه وجود ندارد. معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه با اشاره به راه اندازی سامانه جدید کتاب پژوهشگاه گفت: اعضای هیأت علمی می‌توانند با مراجعه به این سامانه از آخرین وضعیت آثار خود آگاهی یابند.

دکتر فوزی با اشاره به تصمیم صورت گرفته در شورای انتشارات برای انتشار یکپارچه و سبک اختصاصی برای مجموعه سازی آثار یک موضوع گفت: در سال جدید در تلاش هستیم تا با همکاری اعضای شورای انتشارات و اعضای هیأت علمی، مجموعه سازی‌های مختلفی را انجام دهیم، به این صورت که مثلاً آثار مختلف در حوزه قرآن پژوهی، روش شناسی یا سایر موضوعات را به شکل واحد و سبک مشخصی منتشر سازیم تا با شناسایی حلاءهای موجود، نسبت به رفع کاستی‌ها در حوزه‌های مختلف اقدام شود.

### گزارش دکتر دالوند درباره درخواست‌های ارتقاء و فعالیت‌های دبیرخانه هیأت ممیزه

در ادامه جلسه، دکتر حمیدرضا دالوند، رئیس دبیرخانه هیأت ممیزه پژوهشگاه، به تشریح وضعیت فعالیت‌های دبیرخانه هیأت ممیزه پرداخت و ضمن قدردانی از همکاری مسئولان و اعضای پژوهشگاه و مراکز مختلف پژوهشگاه گفت: در سال گذشته درخواست‌های مختلف ارتقاء، تبدیل وضعیت و... باقیمانده از سال ۱۳۹۹ تا پایان سال ۱۴۰۰ به روزرسانی و نتیجه به درخواست کنندگان منعکس شد.

دکتر دالوند با اشاره به ثبت ۲۰ درخواست ارتقاء در سال ۱۴۰۱ علاوه بر درخواست‌های تبدیل وضعیت و... اظهار امیدواری کرد: با کمک مسئولان کمیته‌ها و کمیسیون‌های مختلف هیأت ممیزه، تا پایان تیرماه سال جاری، این درخواست‌ها بررسی و نتیجه به درخواست کنندگان منعکس شود.

### دعوت از اعضای پژوهشگاه برای حضور در مراسم بزرگداشت دکتر سمعی گیلانی

سپس دکتر حمید تنکابنی، عضو شورای پژوهشی پژوهشگاه با اشاره به درگذشت دکتر احمد سمعی گیلانی، از استادان برجسته حوزه فرهنگ و ادبیات کشور در ابتدای سال جاری گفت: دکتر سمعی گیلانی از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی بودند که علاوه بر خدمات مختلف به کشور، بیش از سه دهه به‌عنوان مشاور مسئولان پژوهشگاه و به‌ویژه مسئولان پژوهشگاه مطالعه مطالعات اجتماعی و مرکز اسناد فرهنگی آسیا فعالیت داشتند. دکتر تنکابنی با اعلام خبر برگزاری مراسم بزرگداشت این استاد فرزانه در روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه در پژوهشگاه، از همکاران و اعضای پژوهشگاه برای حضور در این مراسم و ارج نهادن به خدمات ایشان دعوت کرد.





### تصویب اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه

در بخش دیگری از جلسه شورا و در ادامه مباحث صورت گرفته در جلسات پیشین شورا درباره اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه به اولویت‌های احصاء شده ذیل چهار محور موضوعی ایران‌پژوهی، اسلام‌پژوهی، غرب‌پژوهی و میان‌رشته‌ای پرداخته شد. ابتدا دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی اولویت‌های مطرح شده براساس دیدگاه و نظر اعضای شورا را به شرح ذیل قرائت کرد: اولویت‌هایی همچون هویت ایرانی؛ سیر تحول دانش در ایران؛ مسائل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی کشور؛ ابعاد و مسائل ارتباطات در ایران (با تأکید بر فضای مجازی)؛ استعمارشناسی ایرانی؛ فرهنگ و تمدن ایرانی؛ ایران جغرافیائی، فرهنگی و سیاسی ذیل محور ایران‌پژوهی قرار گرفتند. اولویت‌هایی نظیر تمدن نوین ایرانی-اسلامی؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ بررسی و بازخوانی تراث اسلامی؛ فلسفه و نظام حکمرانی در اسلام و ایران؛ مطالعات منطقه‌ای و جنبش‌های فکری اسلامی؛ امام‌شناسی؛ قرآن‌پژوهی؛ مناسبات سیره‌پژوهی و علوم انسانی با تأکید بر امام علی (ع) ذیل محور اسلام‌پژوهی مطرح شدند. اولویت‌هایی مانند تاریخ، روش‌شناسی و فلسفه علم و فناوری؛ مطالعات غرب‌شناسی ایرانی و نقد شرق‌شناسی؛ تبارشناسی علوم انسانی ذیل محور غرب‌پژوهی قرار گرفتند. آینده‌پژوهی؛ نسبت و ارتباط اسلام، ایران و غرب؛ نظریه‌پردازی؛ تحول در علوم انسانی و نسبت آن با رشته‌های دانشگاهی؛ فرهنگ، اخلاق و تعلیم و تربیت؛ تحولات نظام بین‌الملل و مطالعات آسیایی؛ مطالعات جهان؛ و فلسفه پژوهش نیز اولویت‌هایی بودند که ذیل محور میان‌رشته‌ای دسته‌بندی شدند.

دکتر معین‌زاده یادآور شد: ما به هم‌پوشانی‌های موجود در این دسته‌بندی یا امکان طرح اولویت‌های دیگر به اقتضای زمان و شرایط دیگر واقف هستیم ولی مزیت این تقسیم‌بندی این است که به اعضای شورا و پژوهشگاه یادآور می‌شود برنامه‌ریزی ذیل آنها جهت‌دهنده و همسوکننده فعالیت‌های مختلف پژوهشگاه است. با توجه به تصویب اولویت‌های پژوهشی مقرر شد، مسئولان پژوهشگاه‌ها و مراکز مختلف پژوهشی نسبت به طرح موضوع در جلسات مختلف با اعضای خود اقدام لازم را صورت دهند. دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه با بیان اینکه اگرچه طرح موضوع اولویت‌های پژوهشی در جلسات متعدد مطرح و مورد بررسی قرار گرفت گفت: طولانی شدن این روند نشان‌دهنده افزایش سطح فکری و وسعت دید اعضای پژوهشگاه است. رئیس پژوهشگاه با تأکید بر وجه توصیه‌ای این اولویت‌ها ادامه داد: در جلسات آتی شورا، در هر جلسه برنامه‌های پیشین و برنامه‌های آتی یک پژوهشگاه یا مرکز مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد. بدین صورت علاوه بر آگاه شدن سایر اعضای پژوهشگاه از فعالیت‌ها و برنامه‌های یک پژوهشگاه و مراکز، حالت جزیره‌ای و فعالیت مجزای هر پژوهشگاه یا مرکز کم‌رنگ‌تر شده و زمینه برای هم‌گرایی و ارتقاء هرچه بیشتر فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلف پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشگاه فراهم می‌شود.

### تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در بخش بعدی جلسه عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف) پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشگاه‌های مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشگاه مطالعات اجتماعی؛ پژوهشگاه زبان و ادبیات؛ و پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری توسط دکتر معین‌زاده قرائت و اعضای شورا با تنفیذ برنامه‌های پژوهشی پیشنهاد شده موافقت کردند. در این بخش پس از طرح نکاتی درباره برنامه‌های پیشنهادی از سوی اعضای شورا، رؤسای پژوهشگاه ذی‌ربط به توضیح و تبیین بیشتر برنامه‌های پیشنهادی پرداختند.



همچنین سه برنامه پژوهشی تألیفی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه ذیل طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» از سوی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ ایران؛ پژوهشگاه اخلاق و تربیت؛ و پژوهشگاه مطالعات سیاسی، بین‌المللی و حقوقی به تصویب اعضای شورا رسید.

## گزارش فعالیت‌ها و برنامه‌های مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه

بخش پایانی جلسه شورا به گزارش دکتر فرانک جهانگرد، مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه درباره فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلف این مدیریت اختصاص داشت. دکتر جهانگرد ضمن قدردانی از خدمات و فعالیت‌های دکتر الهام ابراهیمی، مدیر سابق و معرفی نیروهای این مدیریت گفت: این مدیریت ذیل معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه فعالیت کرده و ارتباط نزدیکی با واحدهای حقوقی و مالی پژوهشگاه دارد. در کمیسیون طرح‌های کارفرمایی که با حضور رئیس و معاونان پژوهشگاه برگزار می‌شود، مدیریت امور حقوقی و قراردادها و دو عضو حقیقی نیز حضور دارند. تصمیمات این کمیسیون با توجه به پیوند آن با مسائل مالی از یکسو و اثرگذاری آن در ارتقاء اعضای هیأت علمی از سوی دیگر، نشان‌دهنده جایگاه مهم آن در سطح پژوهشگاه است.

مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه در ادامه به وضعیت طرح‌های کارفرمایی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه پرداخت و ادامه داد: در دوره ریاست پیشین پژوهشگاه ۴۷ طرح کارفرمایی مصوب شد که تعدادی از آنها خاتمه یافته، تعدادی در دست اجرا و تعدادی نیز مختومه شدند. در دوره ریاست فعلی پژوهشگاه نیز تعداد ۲۰ طرح به تصویب رسیده و در مجموع ۱۷ طرح خاتمه یافته است. دکتر جهانگرد کمیت و کیفیت انعقاد طرح‌های کارفرمایی را مطلوب ارزیابی کرد و گفت: در دو ماه اخیر، سه قرارداد به نتیجه رسیده است و این بدان معنی است که پژوهشگاه در حال حرکت و دست یافتن به جایگاهی قابل قبول در حل مسائل کلان کشور است و سازمان‌ها و نهادهای مختلف در کشور، آن را به‌عنوان یک مرکز علمی و پژوهشی در رفع نیازهای پژوهشی خود، نهادی معتبر ارزیابی می‌کنند.

وی معرفی طرح‌های کارفرمایی پیشنهادی سایر سازمان‌ها و نهادها به اعضای هیأت علمی پژوهشگاه را از اقدامات دیگر این مدیریت برشمرد و گفت: با توجه به برنامه‌ریزی صورت گرفته و رصد مداوم طرح‌های پیشنهادی سازمان‌ها در سامانه‌های مرتبط از جمله سامانه‌های تاک و ساطع، اطلاع‌رسانی لازم به اعضای پژوهشگاه در این زمینه از طریق مدیریت صورت می‌گیرد.

دکتر جهانگرد فعالیت در زمینه فرصت‌های مطالعاتی در جامعه و صنعت را از دیگر وظایف مهم این مدیریت برشمرد و تأکید کرد: با توجه به الزام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای گذراندن فرصت مطالعاتی در جامعه و صنعت برای اعضای هیأت علمی که از سال ۱۳۹۷ به بعد استخدام شده‌اند، این موضوع از اهمیت فراوانی برای اعضای جدید پژوهشگاه برخوردار است. در این زمینه تلاش شده است تا با حمایت مسئولان پژوهشگاه از جمله دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه و دکتر حسینی، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی و سایر مسئولان پژوهشگاه، تمهیدات لازم برای تسهیل امور و رفع مشکلات اعضای پژوهشگاه صورت گیرد.



در سی و پنجمین جلسه شورای پژوهشی صورت گرفت:

## تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

سی و پنجمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه، ۲۵ اردیبهشت ماه، در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا برگزار شد و برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به تصویب رسید.

در این جلسه پس از تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) و گروهی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌های مختلف پژوهشگاه، دکتر زهرا حیاتی، سرپرست مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه، گزارشی از فعالیت‌های این مرکز و برنامه‌های آتی آن ارائه داد.



### دکتر نجفی: اولویت‌های پژوهشی وجه تمایز پژوهشگاه با سایر مراکز علوم انسانی را مشخص می‌کند

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر گرامی اسلام صلوات علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ضمن تسلیت شهادت امام ششم شیعیان، امام جعفر صادق علیه‌السلام گفت: شهادت امام جعفر صادق علیه‌السلام مصادف با ۲۵ شوال است. مدت امامت ایشان ۳۴ سال از سال ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری قمری بود و بیشترین احادیث و روایت‌های شیعیان از این امام گران‌قدر نقل شده است. دکتر نجفی با اشاره به اینکه امام جعفر صادق علیه‌السلام به‌عنوان رئیس مکتب جعفری شناخته می‌شود ادامه داد: دوره امامت ایشان با دوران انتقال از حکومت امویان به عباسیان مصادف بود و ایشان تلاش بسیاری برای اثبات حقانیت امامیه در دوران خود داشت.

رئیس پژوهشگاه با اشاره به تصویب اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه در جلسه گذشته شورای پژوهشی ادامه داد: یکی از مهم‌ترین مسائلی که می‌توان در شورای پژوهشی به تبع بحث از اولویت‌های پژوهشی مطرح کرد، وجه تمایز پژوهشگاه با دانشکده‌های علوم انسانی دانشگاه‌هاست. می‌توان با بررسی نسبت میان برنامه‌های پژوهشی پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه و بحث و تبادل نظر در شورای پژوهشی درباره آنها، با احصاء امتیازها و ویژگی‌های فعالیت‌های صورت‌گرفته در پژوهشگاه با سایر مراکز علمی و دانشگاهی، گامی در مسیر شناخت عمیق‌تر پژوهشگاه و آنچه آن را در میان سایر دانشگاه‌ها و حتی مؤسسات پژوهشی ممتاز می‌کند، برداشت.

### تأکید معاون پژوهشی پژوهشگاه بر تقویت حلقه‌های علمی در جهت ارتقاء برنامه‌های پژوهشی

سپس دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه نیز با اشاره به اهمیت تصویب اولویت‌های پژوهشی پژوهشگاه گفت: فعالیت‌های جاری پژوهشگاه شامل جلسات کمیته‌های ترفیع و گرنت یا امور مربوط به فرایندهای مختلف انتشار کتاب‌ها در شورای انتشارات در حال انجام است، اما آنچه اصل است، محتواس است. دکتر فوزی تأکید کرد: مسیری که می‌تواند به تشخیص و امتیاز بیشتر پژوهشگاه منجر شود، تمرکز و فعالیت در حوزه‌هایی مشخص است و می‌توان با بهره‌گیری از حلقه‌های علمی و تقویت نقش و جایگاه آنها در فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلف پژوهشی و علمی، باعث ارتقاء و تقویت هرچه بیشتر فعالیت‌های اعضای هیأت علمی پژوهشگاه شد.

### تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در ادامه جلسه دکتر معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) و گروهی پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌های مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشکده اقتصاد؛ پژوهشکده زبان و ادبیات و گروه پژوهشی مطالعات میان‌فرهنگی معاصر را قرائت کرد. سپس رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز به تشریح ارتباط میان برنامه‌های پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی خود با اولویت‌های پژوهشی مصوب پژوهشگاه پرداختند و پس از طرح نکاتی از سوی اعضای شورا، برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی، تنفیذ و تصویب شدند.

### تصویب برگزاری همایش «رسانه‌ها و نسل نو ایرانی»

در ادامه جلسه با توجه به درخواست پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، موضوع برگزاری همایش «رسانه‌ها و نسل نو ایرانی» مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا قرار گرفت. ابتدا دکتر سیده‌زهرا اجاق، رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پس از اعلام برنامه‌ریزی صورت گرفته برای برگزاری این همایش در آذرماه سال جاری گفت: دوران ما با تحولات بسیاری همراه بوده است که بخش عمده این تحولات سریع و عمیق، ناشی از دیجیتال شدن و حضور همه‌جایی رسانه‌هاست. وی ادامه داد: موضوع اصلی این همایش که از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تأثیر و تأثر تحولات رسانه‌ها و تحولات نسلی با تمرکز بر مخاطب کودک است. دکتر اجاق با اشاره به برگزاری کارگاه‌ها، پیش‌نشست‌ها و سخنرانی‌های مختلف در این همایش، سؤالات اساسی مورد بحث در این همایش را چنین برشمرد: زیستن در دنیای رسانه‌ای شده ایرانی به چه معناست؟ تحولات رسانه‌ای چه رابطه‌ای با تحولات نسلی و اجتماعی دارند؟ نسل‌های مختلف ایرانی چه رفتاری با رسانه‌ها و در رسانه‌ها دارند؟ آیا سابقه عملکرد رسانه‌ها تاکنون در راستای گفت‌وگو یا شکاف نسلی بوده است؟ رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات رسانه‌ها، نسل نو و سیاست؛ رسانه‌ها، نسل نو، و دانش و فناوری؛ و رسانه‌ها، نسل نو و زیست‌بوم شهری را سه محور اصلی مورد تأمل و بحث اندیشمندان و پژوهشگران حوزه رسانه‌ها و ارتباطات در این همایش برشمرد.

در ادامه این بخش از جلسه شورا موضوع برگزاری همایش ملی «مسئله تورم در ایران: ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» از سوی پژوهشکده اقتصاد نیز مطرح شد که با توجه به ابعاد و مسائل مطرح شده در زمینه هزینه‌های همایش و... از سوی اعضای شورا، مقرر شد موضوع مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد. این بخش از جلسه شورا، رئیس پژوهشگاه با تأکید و یادآوری اهمیت حفظ جایگاه پژوهشگاه در برگزاری همایش‌های مختلف گفت: ضرورت دارد برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی منجر به ارتقاء و افزایش اعتبار پژوهشگاه شده و جایگاه پژوهشگاه را به‌عنوان مرکزی علمی و پژوهشی در میان سایر مراکز و مؤسسات علمی در پرداختن به مسائل و مباحث مورد نیاز کشور بهبود بخشد.

### گزارش فعالیت‌ها و برنامه‌های مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه

بخش پایانی جلسه شورا به گزارش دکتر زهرا حیاتی، سرپرست مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه درباره فعالیت‌ها و برنامه‌های مختلف این مرکز اختصاص داشت. دکتر حیاتی ضمن قدردانی از دکتر حمیدرضا دلوند و دکتر نادر سیدکالالی، مسئولان پیشین مرکز و فعالیت‌های صورت گرفته در طول دوران تصدی مدیریت ایشان گفت: مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه ابتدا با عنوان مرکز رشد در سال ۹۶ پس از اخذ مجوز از هیأت امنای پژوهشگاه ذیل حوزه ریاست راه‌اندازی و از سال ۹۸ به مرکز نوآوری و توسعه فناوری تغییر نام داد.

سرپرست مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه در اشاره به اهداف و وظایف این مرکز ادامه داد: در تعاریفی که از سوی ستاد فناوری‌های نرم و توسعه صنایع خلاق معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و نیز صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوری ارائه شده است، هدف غایی مراکز نوآوری تبدیل دانش به ثروت از طریق جذب ایده‌های خلاقانه و نوآوری‌های فردی، تبدیل آن به محصول مبتنی بر دانش و پژوهش، و کمک به شتاب گرفتن بازار آن محصول در فضاهای دیجیتال است.

دکتر حیاتی برخی از فعالیت‌های صورت گرفته در طول دوران تصدی مسئولیت این مرکز را چنین برشمرد: مشارکت در برگزاری «نخستین همایش ملی نوآوری در علوم انسانی و اجتماعی» در دانشگاه کاشان در بهمن ماه ۱۴۰۱؛ حضور در همایش «آموزش زبان فارسی»؛ برگزاری جلسات مشترک با سازمان‌ها و نهادهای مرتبط همچون: باشگاه دانش‌آموزی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مدیر کل اداره کل مراکز و مدارس غیردولتی، مدیرکل فرهنگی هنری صنایع خلاق دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی، رئیس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، معاونت همکاری‌های فرهنگی و سمن‌های مرکز دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه، مشاور وزیر نیرو، مشاور اینترگران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران، مدیر دبیرستان فرهنگ منطقه ۲ و...

سرپرست مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه در بخش پایانی گزارش خود راه‌اندازی «باشگاه دانش‌آموزی علوم انسانی» و تشکیل شورای نوآوری و تولید محتوا و... را از جمله برنامه‌های در حال اجرای این مرکز عنوان و اظهار امیدواری کرد، با حمایت مسئولان پژوهشگاه این مرکز بتواند اهداف و وظایف مورد انتظار از آن را محقق سازد.

در ادامه دکتر نجفی با تأکید بر اهمیت فعالیت‌های این مرکز در چارچوب سیاست‌های پژوهشگاه گفت: این توانمندی در پژوهشگاه و اعضای آن وجود دارد که با برنامه‌ریزی مناسب در حوزه‌های مرتبط با نوآوری در علوم انسانی به‌ویژه ترویج علوم انسانی میان جوانان و نوجوانان و برقراری ارتباط با آنان فعالیت کند. دکتر نجفی افزود: این انتظار از مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه وجود دارد که با حضور در جلسات شورا، یا اعضای شورا پیشنهادهای خود را به مسئول مرکز ارائه کنند و در مرکز، پیگیری‌ها و برنامه‌ریزی لازم برای تحقق آنها صورت پذیرد یا خود مسئول مرکز، ایده‌های مطرح شده در برنامه‌های پژوهشی یا مباحث اعضای شورا را مستخرج و به برنامه‌ای در جهت وظایف و اهداف آن تبدیل کند.

سپس اعضای شورای پژوهشی به طرح مباحث و مسائل خود درباره برنامه‌ها و اهداف مورد انتظار از این مرکز در ارتباط با علوم انسانی پرداختند و مقرر شد علاوه بر تداوم این بحث در جلسه آتی شورا، گزارشی از تجارب سایر مراکز دانشگاهی و پژوهشی در ارتباط با فعالیت‌های این حوزه از سوی مسئول مرکز ارائه شود.



## اندیشه‌های آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری (قدس سره)

چهارمین نشست علمی طلایه‌داران صلح و وحدت اسلامی که به اندیشه‌های مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری (قدس سره) اختصاص داشت، ۲۰ اردیبهشت‌ماه، با حضور استادان، دانشجویان و طلاب حوزه و دانشگاه، در تالار تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این همایش که به همت پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با مشارکت مراکز همکار (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، اداره کل ادیان و مذاهب سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی، مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه و مرکز مفتاح) برگزار شد، سخنرانان مختلف سخنان خود را ارائه کردند و فایل ویدیویی سخنان برخی استادان نیز برای حضار به نمایش درآمد.

سخنرانان نشست در دو بخش پیام تصویری (اختصاصی همایش) و حضوری به طرح مباحث متنوعی از اندیشه‌های آیت‌الله تسخیری (قدس سره) و جوانب گوناگونی از زندگی ایشان پرداختند که عبارت بودند از:

- آیت‌الله حاج شیخ جواد خالصی، فقیه و اندیشمند فرهیخته عراقی
- مولوی محمد اسحاق مدنی، رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- استاد دکتر مهدی گلشنی، استاد ممتاز دانشگاه دانشگاه صنعتی شریف
- حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالحسن نواب، رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب
- حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید شهریاری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- دکتر محمدعبدالستار السید، وزیر اوقاف جمهوری عربی سوریه
- شیخ ماهر حمود، رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت



آیت‌الله خالصی در سخنان خود، ویژگی بارز آیت‌الله تسخیری را صداقت در تحقق برنامه‌های وحدت؛ اخلاص عمل و توشه‌پر بار علمی ایشان دانست و افزود: معظم‌له بسیار کوشا و همیشه در حرکت و تلاش بود و ایستادن را نمی‌شناخت؛ حتی با وجود رنج بیماری که نیمی از بدنش را درگیر کرده بود، همچنان تأثیرگذار و امیدبخش در دفاع از مسائل مهم جهان اسلام و تحقق وحدت اسلامی، و مسئله فلسطین به‌عنوان غایت و هدف نهایی جهان اسلام بود.

مولوی اسحاق مدنی با تمجید از کوشش‌های تقریبی آیت‌الله تسخیری و بیان خاطراتی درباره معظم‌له، بر مقام علمی آیت‌الله تسخیری خصوصاً تسلط و احاطه کامل ایشان بر زبان عربی که در سراسر اجلاس‌های بین‌المللی زبانزد عام و خاص بود، تأکید کردند.

در ادامه دکتر گلشنی با قرائت فرازی از پیام مقام معظم رهبری به‌مناسبت ارتحال آیت‌الله تسخیری، ابعاد مختلفی از شخصیت علمی، اخلاقی و دوراندیش ایشان را همراه با ذکر خاطراتی از ایشان یادآور شدند و بر ضرورت نشر آثار آیت‌الله تسخیری و شناساندن معظم‌له به جوانان تأکید کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب از دیگر سخنرانان همایش بودند که جنبه‌هایی از ابعاد شخصیتی آیت‌الله تسخیری را از قبیل اخلاق‌محوری، تسلط علمی، تعامل مثبت و سازنده و خستگی‌ناپذیر در مسیر تقریب و وحدت اسلامی را برشمردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر شهریاری با تشریح الگوهای تقریب میان مذاهب اسلامی به تمجید از شخصیت آیت‌الله تسخیری پرداختند.

دکتر السید در پیام تصویری خود آیت‌الله تسخیری را از علما و بزرگان وحدت اسلامی و از ارکان اساسی مقاومت اسلامی و دفاع از فلسطین برشمرد و شیخ ماهر حمود نیز به تبیین کوشش‌های آیت‌الله تسخیری در ایجاد تقریب و وحدت اسلامی به‌عنوان یک رسالت تاریخی پرداخت.

استاد دکتر ثریا مکنون، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که عهده‌دار مدیریت جلسه بودند، در سخنانی به خاطرات خود از آیت‌الله تسخیری (در دوران معاونت ایشان در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) پرداختند.



همایش با حضور استاد دکتر نجفی رئیس پژوهشگاه و جمعی از اعضای هیأت علمی این مرکز علمی و پژوهشی برگزار شد و از زمره مهمانان آن می‌توان به برخی از اعضای بیت آیت‌الله تسخیری؛ حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی ایمانی‌پور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ جمعی از استادان و دانشجویان دانشگاه مذاهب اسلامی و برخی از مراکز همکار اشاره کرد.

لازم به ذکر است که در ابتدای جلسه، دکتر کامیار صداقت‌مهر حسینی (دبیر علمی همایش) گزارشی از روند برگزاری سلسله همایش‌های طلاب‌داران صلح و وحدت اسلامی را ارائه داد. سلسله همایش‌های مذکور از سال ۱۳۹۵ شمسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (مرکز اسناد فرهنگی آسیا) بنیان نهاده شد و از سال ۱۳۹۶ شمسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با مشارکت بالغ بر هشت مؤسسه همکار، به معرفی اندیشه‌های عالمان ربانی حضرات آیات حاج میرزا خلیل کمره‌ای، شهید سید محمدباقر صدر، حاج شیخ محمد مهدی آصفی پرداخت و اینک پس از وقفه‌ای که بر اثر شیوع بیماری کرونا پیش آمد، پژوهشگاه مطالعات سیاسی، بین‌الملل و حقوق با همکاری مؤسسات همکار، چهارمین همایش را به آیت‌الله تسخیری اختصاص داد و ان‌شاءالله در آینده با ابعاد وسیع‌تری درباره دیگر طلاب‌داران صلح و وحدت اسلامی ادامه یابد.

در حاشیه همایش نمایشگاهی از تصاویر و برخی از آثار آیت‌الله تسخیری توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی برگزار شد. همچنین از سوی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام کتاب «فی رحاب الامام الحسین علیه‌السلام» تألیف آیت‌الله آصفی و از سوی اداره کل ادیان سازمان تبلیغات اسلامی، کتاب «سیره فراموش شده (روش‌های تبلیغ در مناطق مشترک شیعه و سنی)»؛ و نرم‌افزار آثار آیت‌الله تسخیری با همکاری مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) به همراه آثاری از مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی میان حضار و مهمانان گرامی همایش توزیع شد. گفتنی است، متن کامل سخنان ارائه شده در این همایش در همین وبگاه، همچنین ویدیوهای مربوطه نیز در بخش چندرسانه‌ای وبگاه پژوهشگاه علوم انسانی، در دسترس مخاطبان است.





## رونمایی از کتاب‌های «شناخت‌گرایی» و «عاقلان عاشقی کنند» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب

مراسم رونمایی از دو عنوان کتاب تازه منتشر شده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۲۲ اردیبهشت‌ماه، برگزار شد. مراسم رونمایی کتاب‌های «عاقلان عاشقی کنند»، بازتعریف «عشق» به‌مثابه بلوغ مراقبتی و «شناخت‌گرایی رویکردی به بین‌رشته‌ای‌شدن علوم انسانی» با حضور نویسندگان این دو اثر، دکتر مهنوش هدایتی و دکتر آریتا افراشی در سالن «گوشه نقد» نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد.

### دکتر هدایتی: مفهوم جدایی عشق و عقل اشتباه است

در ابتدای این مراسم دکتر مهنوش هدایتی، نویسنده کتاب «عاقلان عاشقی کنند»، گفت: عامه مردم مسیر عاقلان را از عاشقان جدا می‌دانند که شاید این موضوع به ضعف شناختی ما از «عقلانیت» مرتبط باشد. جایی که ما عقل را صرفاً یک امر سرد یا منطق سرد در نظر می‌گیریم و آنرا در هیچ عاطفه، هیجان و احساسی در نظر نداریم و برعکس «عشق» را کاملاً یک مفهوم هیجانی، بسیار آتشین و گرم تلقی می‌کنیم تا مسیر عقل و عشق از همدیگر جدا شود. شاید دلیل شکننده‌بودن عشق، تحریف مفهومی عشق است، یعنی آنجایی که ما به خطا این تصور را داریم که عشق در قلب ما رخ می‌دهد و ما را هیجان‌زده و بی‌قرار می‌کند.

دکتر هدایتی با شرح اینکه چه عاملی باعث شد، نگاهش به این تفسیر اشتباه تغییر کند، گفت: من به‌واسطه تجربه زیسته و عاشقی خودم متوجه شدم این مفهوم که عشق و عقل از هم جدا هستند، اشتباه است. من بعدها با مقوله تفکر و بلوغ مراقبتی آشنا شدم و بر اساس تجربه‌های خودم متوجه شده‌ام که عقل صرفاً منطق نیست. عقل سه ظرف منطق، هیجان و عواطف را دارد. عقل در دل عشق قرار دارد. به‌نظر من امروزه عشق در نگاه جوانان ما، همچون مرواریدی است که ارزشش شناخته نشده است و خیلی‌ها دارند با این مروارید در کوچه و خیابان «تبله‌بازی» می‌کنند، اما اینکه اگر ما ارزش مروارید را ندانیم، به این معنی نیست که مرواریدی وجود ندارد و از ارزش آن کاسته می‌شود.



نویسنده کتاب «عقلان عاشقی کنند» تأکید کرد: عشق در ابد و ازل بوده و من در کتاب «عقلان عاشقی کنند» بازتعریفی از آن را ارائه کردم. ما در «بلوغ مراقبتی» خودمان را فدا نمی‌کنیم و سعی می‌کنیم با کمک فردی دیگر چیزی را بسازیم. من به دو دسته از مردم توصیه می‌کنم، این کتاب را بخوانند؛ نخست، به افرادی که می‌خواهند وارد تجربه عاشقی شوند و دوم، آن‌هایی که بعد از ازدواج حس می‌کنند، میزان عشق‌شان کم شده است.

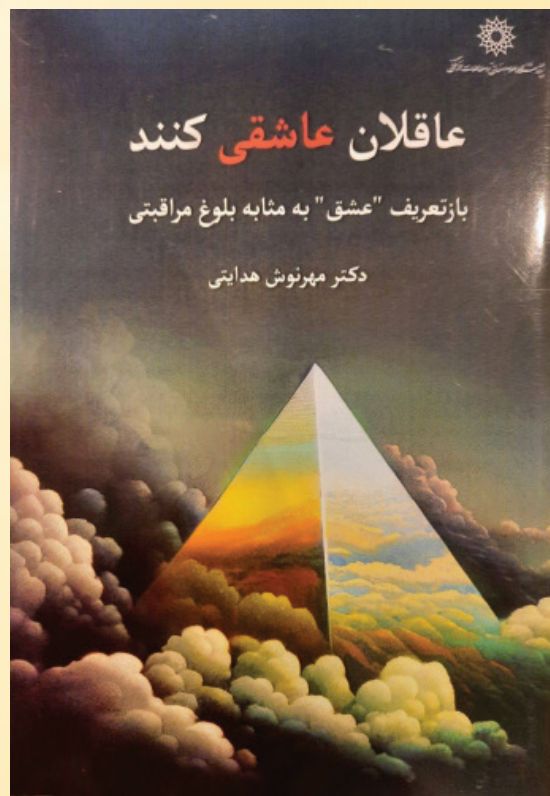
### دکتر افراشی: امروز، عصر «باهم کار کردن» است

در ادامه نشست دکتر آریتا افراشی نویسنده کتاب «شناخت‌گرایی» با اشاره به اینکه امروز، عصر «باهم کار کردن» است و باید همکاری‌های بین‌رشته‌ای افزایش یابد، گفت: علوم‌شناختی به عملکرد ذهن ما می‌پردازند و همسو با مطلبی که دکتر هدایتی گفت، علوم‌شناختی معتقد است که ما دنیا را به‌جای اینکه فقط از طریق عقلانیت و استدلال بفهمیم، آن را «حس» می‌کنیم و این تجربه حسی و عاطفی است که به شناخت ما مایه می‌دهد و خوشبختانه ایران در حیطه علوم شناختی، در دنیا بسیار پیش‌تاز است و ما باید بیش از این به ارزش و جایگاه علوم انسانی واقف باشیم.

نویسنده کتاب «شناخت‌گرایی» با شرح اینکه علوم‌شناختی به عملکرد ذهن ما می‌پردازد، گفت: خیلی از مسائل ناخودآگاه در ذهن ما هستند که در علوم شناختی مورد تفحص قرار می‌گیرند. ما در کتاب «شناخت‌گرایی» تلاش کردیم، الگویی برای بین‌رشته‌ای شدن علوم انسانی ارائه کنیم. من در کتاب «شناخت‌گرایی» گفته‌ام، چند رشته علمی چگونه با هم همکاری می‌کنند و مطالعه بین‌رشته‌ای چگونه به وجود می‌آید.

دکتر افراشی با بیان اینکه ارتباطات بین‌رشته‌ای می‌توانند افق‌های خوبی را مقابل چشم ما باز کنند، گفت: کتاب «شناخت‌گرایی» می‌تواند به کودکان ما بیاموزد که علوم انسانی را بهتر و بیشتر بشناسند و با شناخت علوم بین‌رشته‌ای، زندگی را بهتر درک و حس کنند. وی در خاتمه سخنانش از حمایت‌های علمی-پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و همچنین از تلاش‌های مدیریت نشر آثار علمی، دکتر امیر اعتمادی و ... تشکر و قدردانی کرد.

گفتنی است، برگزاری سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تا ۳۰ اردیبهشت‌ماه در مصلی امام خمینی (ره) و همزمان به‌صورت مجازی در وبگاه [ketab.ir](http://ketab.ir) برگزار شد که مخاطبان می‌توانند برای خرید آثار انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به سامانه فروش کتاب پژوهشگاه مراجعه فرمایند.



مدیر انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی:

## نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ویتترین تلاش محققان و پژوهشگران کشور است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی امسال نیز مثل ادوار گذشته، غرفه انتشارات خود را در نمایشگاه بین‌المللی کتاب دایر کرده است. به همین بهانه خبرنگار خبرگزاری کتاب مصاحبه‌ای با دکتر امیر اعتمادی‌بزرگ، مدیر نشر آثار علمی پژوهشگاه انجام داده است که در ادامه حاصل این گفت‌وگو از نظرتان می‌گذرد:



امیر اعتمادی‌بزرگ، مدیر انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره تازه‌های کتاب انتشارات که در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۲ ارائه شده گفت: «دانشنامه آموزش‌های علمی - کاربردی» جمعی از مؤلفان، «فرهنگ توصیفی روان‌شناسی تربیتی» دکتر ژاسنت صلیبی، «شبکه‌های نوآورانه همکارانه» دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی و دیگران، «شیخ بهایی» دکتر جعفر آقایی، «نقش انجمن‌های علمی در گسترش علوم انسانی» دکتر محمد منصورزاده، «انسان به‌مثابه ابژه دانش» دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری، «شناخت‌گرایی؛ رویکردی به بین‌رشته‌ای شدن علوم انسانی» دکتر آزیتا افراشی، «علم پایداری؛ علم توسعه» دکتر محسن علوی‌پور و مهدی معافی، «کاربردسازی پژوهش‌های علوم انسانی» دکتر الهام ابراهیمی، «مجموعه ۸ جلدی؛ آثار دکتر کریم مجتهدی مربوط به تاریخ فلسفه در دو قالب فلسفه غرب (۵ جلد شامل: افلاطونیان متأخر، فلسفه در آلمان، فلسفه در دوره تجدید حیات فرهنگی، افکار هگل، لایبنیتس و مفسران فلسفه او) و فلسفه اشراق (۳ جلد شامل: سهروردی و افکار او، مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران، مدارس و دانشگاه‌های اسلامی و غربی) بخشی از تازه‌های کتاب انتشارات را دربرمی‌گیرد.

وی در ادامه بیان کرد: «مجموعه ۶ جلدی» آثار دکتر مهدی گلشنی شامل: قرآن و علوم طبیعت، آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد؟، تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر، از علم سکولار تا علوم دینی، قرآن و معرفه الطبیعه و The holy qur'an and the science of nature، «ارتباط مطلوب قرآنی» دکتر فاطمه سیفعلی‌ئی، «به سوی شهر سالم» ترجمه دکتر احمد پوراحمد، «تحولات سبک زندگی در دوران خانواده دیجیتال» دکتر بهاره نصیری و «دایره‌المعارف آموزش عالی» پژوهشکده دانشنامه‌نگاری؛ «فخر رازی؛ زندگی‌نامه تحلیلی - انتقادی» دکتر اعظم قاسمی و آریا یونسی، «عقلان عاشقی کنند؛ بازتعریف «عشق» به‌مثابه بلوغ مراقبتی» دکتر مهنوش هدایتی، «سراج المنیر» دکتر علیرضا شعبانلو، «مناسبات کار و زندگی» دکتر الهام ابراهیمی، «رشته فلسفه اسلامی در نظام آموزش عالی ایران» دکتر طاهره کمالی‌زاده، «دانشگاه کندوکاو محور؛ چرا و چگونه بر آموزش حافظه‌محور در رشته‌های علوم انسانی غلبه کنیم؟» دکتر روح‌الله کریمی، «بررسی نقش برنامه‌های توسعه و جریان اصلی توسعه پایدار در بحران محیط زیست ایران» دکتر سیدعلی اصغری، «درآمدی بر فلسفه‌های معاصر غرب» دکتر محمد اصغری، «تاریخچه تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» دکتر عبدالرحمن حسینی فر دیگر کتاب‌های این انتشارات را تشکیل می‌دهد.

مدیر انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به کتاب‌های در دست چاپ این انتشارات نیز اشاره کرد و افزود: «مجموعه پنج جلد روش تحقیق در علوم اجتماعی» دکتر باقر ساروخانی شامل: جلد اول، اصول و مبانی؛ جلد دوم، بینش‌ها و فنون؛ جلد سوم، روش‌های کمی؛ آمار پیشرفته؛ جلد چهارم، روش فازی؛ جلد پنجم، روش‌های کیفی و کمی، «فروغ حکمت»، «دانشنامه مطالعات بین‌المللی ورزشی (جلد اول)» پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، «دانشنامه مطالعات بین‌المللی ورزشی (جلد دوم) پژوهشکده دانشنامه‌نگاری»، «تصویرپردازی هنری نكوهش دنیا در ده خطبه نهج البلاغه» دکتر زینه عرفت‌پور، «مجموعه مقالات همایش عبدالله قطب‌بن محیی» دکتر مهدی بنایی و دکتر امیر صادقی، «جغرافیای قفقازیه» دکتر الهام ملک‌زاده و «انگاره بنات‌الله از کشاکش سنت و تجدد» دکتر زهرا محقیان کتاب‌های در دست چاپ این انتشارات را شامل می‌شود.

اعتمادی با اشاره به برگزاری نمایشگاه کتاب تهران گفت: کتاب بخشی از فرهنگ هر کشوری است که البته نسبت به رسانه‌های دیگر مثل سینما و رسانه‌های اجتماعی در بازتاب مسائل مختلف فرهنگی کمی کندتر عمل می‌کند اما با وجود محققان و پژوهشگران توانمند ایران اسلامی، حتماً فریخته‌تر است و نسبت به مسائل تأمل بیشتری دارد و جنبه‌های کامل‌تر و عمیق‌تری از یک پدیده را موردنظر قرار می‌دهد. از این‌رو نمایشگاه کتاب، نمایشی است از عرصه‌های مختلف این تأمل در زمینه‌های مختلف فرهنگی و سایر مسائل. بنابراین می‌توان گفت، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ویرین تلاش محققان و پژوهشگران کشور به‌شمار می‌رود.

وی افزود: البته مشکل اساسی در بخش کتاب، بهای تمام شده انتشار یک کتاب است که تحت تأثیر روند صعودی قیمت کاغذ و هزینه‌های چاپ، بسیار افزایش یافته است. مقام معظم رهبری هم در بازدید از نمایشگاه کتاب از بهای زیاد کتاب‌ها گل‌مند بودند بنابراین باید برای این مسئله راه‌حلی پیدا کرد. همان‌طور که ایشان فرمودند، یکی از راه‌های مؤثر در این زمینه تولید کاغذ با کیفیت داخلی است که بسیار راه‌گشا خواهد بود؛ در مرحله بعد توسعه نشر الکترونیکی است که بسیار ارزان‌تر است و کمک زیادی به این امر خواهد کرد.

مدیر انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در دوره جدید مدیریتی خود سعی کرده است با وجود همه این مشکلات، روند چاپ کتاب را مجدداً راه‌اندازی کند که البته در دوره قبل مدتی متوقف شده بود. ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر موسی نجفی نیز اهتمام ویژه‌ای در این زمینه دارد. انتشارات پژوهشگاه با تأکیدات و پشتیبانی مالی و معنوی وی توانست در سال ۱۴۰۱ در یک دوره شش ماهه بیش از ۵۰ عنوان کتاب جدید را در دستور کار قرار بدهد که اکثر این کتاب‌ها منتشر شده است.



اعتمادی با اشاره به تغییر و اصلاح فرآیندهای بازاریابی و فروش کتاب ادامه گفت: یکی از مهم‌ترین اقدامات در زمینه تحول ساختاری انتشارات پژوهشگاه، براساس راهبردهای میدانی، راه‌اندازی سامانه مدیریت نشر و سامانه فروش مجازی بوده است. پس از راه‌اندازی، مقدمات طراحی و جلوه‌پردازی سامانه آغاز شد و سپس فرآیند ورود اطلاعات بیش از ۹۰۰ عنوان کتاب پژوهشگاه در این سامانه آغاز شد. با آغاز به‌کار رسمی سامانه، در اولین مرحله، رسیدگی به انجام همه امور آماده‌سازی کتاب از مراحل اولیه تا چاپ به صورت سیستمی و با نظم و سرعت بهتری نسبت به گذشته دنبال شد و در مرحله دوم، آثار منتشر شده به‌طور گسترده و در قالب فروشگاه مجازی سامانه کتاب در دسترس علاقه‌مندان و مشتریان قرار گرفت. با این روش، حوزه فعالیت از محدوده فروشگاه حقیقی کتاب (واقع در خیابان کریم‌خان) و فروش فیزیکی فراتر رفت و از طریق وبگاه [books.ihcs.ac.ir](http://books.ihcs.ac.ir) در اختیار همه علاقه‌مندان قرار گرفت.

وی همچنین به نشریه‌های پژوهشگاه نیز اشاره کرد و گفت: پژوهشگاه بیش از ۲۳ نشریه علمی دارد که در همه آن‌ها در پایگاه ISC نیز ثبت شده‌اند. این مجلات در زمینه‌های مختلف دینی، تاریخی، علوم سیاسی، اقتصاد، فلسفه، زبان و ادبیات فارسی، ادبیات عربی، منطق، علوم اجتماعی، فلسفه برای کودکان، رسانه و زبان‌شناسی مقاله می‌پذیرند. سه نشریه حکمت معاصر، تحقیقات تاریخ اجتماعی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، در پایگاه بین‌المللی DOAJ نمایه‌سازی شده‌اند و ۹ نشریه دیگر نیز در آینده نزدیک در این پایگاه بین‌المللی نمایه خواهند شد.

نشریات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ارزیابی کمیسیون نشریات وزارت علوم مربوط به سال ۱۴۰۰ موفقیتی دیگر کسب کردند؛ سه نشریه از نشریات پژوهشگاه رتبه «الف» و سایر نشریات موفق به کسب رتبه «ب» شدند. سه نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، و حکمت معاصر موفق به کسب رتبه «الف» شدند و سایر نشریات پژوهشگاه از جمله منطق پژوهی، ادبیات پارسی معاصر، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی-اقتصادی، آفاق الحضاره الاسلامیه، تفکر و کودک، جستارهای تاریخی، غرب‌شناسی بنیادی، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهش‌نامه زنان، فلسفه علم، مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، بررسی مسائل اقتصادی ایران، اقتصاد و تجارت نوین، زبان‌شناخت، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهش‌های علم و دین، پژوهش‌نامه علوی، مطالعات فرهنگ و آسیا، کهن‌نامه ادب پارسی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، نیز رتبه «ب» را از کمیسیون نشریات وزارت علوم کسب کردند. همچنین دو نشریه ادبیات پارسی معاصر و تفکر و کودک نیز از پایگاه استنادی جهان اسلام ISC موفق به کسب درجه Q1 در ضریب تاثیر سال ۱۳۹۸ شده‌اند.



## بررسی مسائل زیرساختی اجتماعی-اقتصادی خلیج فارس در دو سده اخیر

نشست «مسائل زیرساختی اجتماعی-اقتصادی خلیج فارس در دو سده اخیر؛ فرصت‌ها و تهدیدها» به مناسبت روز ملی خلیج فارس، دهم اردیبهشت ماه، توسط گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. در این نشست، سیدعلی موجانی، کارشناس ارشد سیاسی وزارت امور خارجه، دکتر پرویز باورصاد، عضو هیأت علمی دانشکده علوم و فنون دریایی خلیج فارس، دکتر الهام ملک‌زاده و دکتر صفورا برومند از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران) به ارائه مباحثی در این خصوص پرداختند.

این نشست که به صورت برخط و حضوری برگزار شد، با صحبت‌های دکتر برومند در خصوص ضرورت پرداختن به موضوع این نشست آغاز شد. وی گفت: موقعیت خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های هیدروپلیتیک، زمینه‌ساز شکل‌گیری رخداد‌های تاریخ‌ساز بوده است. یکی از مهم‌ترین برهه‌های تاریخی در این منطقه، به دو سده اخیر مرتبط می‌شود. در دوران مورد بحث، به‌واسطه حضور نمایندگی‌ها و ناوگان‌های تجاری و نظامی دولت‌های اروپایی و ایالات متحده آمریکا، مسائلی در خصوص رژیم حقوقی و بین‌المللی این حوزه مطرح شده است. مسائل زیرساختی مرتبط با ایجاد تسهیلات در تردد کشتی‌ها، احداث علائم و فانوس‌های دریایی، نقشه‌برداری، ایجاد خطوط تلگراف، تمهیدات بهداشتی و قرنطینه بندرها و دیگر مواردی از این دست، از جمله این مسائل به‌شمار می‌روند. از این رو، به‌مناسبت روز ملی خلیج فارس، در این نشست به‌منظور ارائه رهیافتی تاریخی، گزیده‌ای از این مسائل زیرساختی در دو سده اخیر، با رویکرد تحلیلی و مسئله‌شناختی معرفی و بررسی می‌شود.



دکتر برومند ادامه داد: یکی از رخداد‌هایی که در شکل‌گیری مسائل زیرساختی خلیج فارس در دو سده اخیر نقش داشته، حضور نمایندگی‌ها و ناوگان تجاری و نظامی شرکت هند شرقی بریتانیاست که به‌مرور به ایجاد سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر منجر شد. بررسی علل و نتایج این حضور، نیازمند زمانی فراتر از محدوده زمانی و موضوعی این نشست است. اما توجه به این نکته ضروریست که، از حدود دهه‌های آغازین سده هفدهم میلادی، مقارن سده یازدهم قمری تا حداقل پایان سده نوزدهم میلادی، بخش درخور توجهی از قدرت و نفوذ بریتانیا در خلیج فارس به‌واسطه برخورداری از ناوگان دریایی مجهز و روزآمد بود. بدیهی‌ست که استفاده بهینه از این ناوگان، نیازمند آشنایی با ساختار ژئومورفولوژی دریایی و ساحلی خلیج فارس، تحولات اقلیمی و محیطی، نوسانات آبی و دیگر مواردی از این دست بود. تهیه نقشه‌های تخصصی از سواحل و تعیین دقیق عمق آنها، تعیین علائم کمک‌ناوبری طبیعی در قالب دیواره ساحلی، صخره‌ها، ایجاد علائم کمک‌ناوبری بصری چون گوی شناور و بویه، بیکن، چراغ‌ها و فانوس‌های دریایی، از دیگر ضرورت‌ها برای تسهیل در تردد ناوگان دریایی بریتانیا در خلیج فارس بود. دکتر برومند، که بیش از دو دهه در خصوص تاریخ خلیج فارس به پژوهش پرداخته است، در خصوص موضوع مسأله‌ای زیرساختی در دوران مورد بحث این نشست چنین گفت: مستندات موجود مبین این امرست که از سال‌های آغازین سده نوزدهم میلادی مقارن سده سیزدهم قمری و دوره قاجار، ناوگان تجاری بریتانیا در خلیج فارس، به‌منظور تأمین امنیت در برابر حملات دزدان دریایی سواحل جنوبی، وضعیت کرانه‌ها و کناره‌های سواحل شمالی و جنوبی این حوزه آبی را مد نظر قرار داد و نقشه‌های دقیق و اطلاعات مرتبط با تعیین عمق آنها تهیه شد.

تا سال ۱۸۲۰ میلادی / ۱۲۳۵ ق. مساحی سواحل جنوبی خلیج فارس و تا پایان سال ۱۲۵۳/۱۸۳۷ ق. مساحی ناحیه مکران تا کراچی و جنوب شرقی عربستان انجام شد. در مراحل بعدی محدوده ساحل کویت و بحرین، قطر، بهمن شیر، کارون و مدخل اروند رود، نقشه برداری و مدتی بعد، شعبه‌های مطالعات جزر و مد نیز در بوشهر مسقط دایر شد.

### ادعای بریتانیا نادرست بود

برومند تأکید کرد: این مساحی اگرچه به منظور ایجاد تسهیلات برای تردد ناوگان بریتانیا بود، آن هنگام که مالکیت جزایر ایرانی توسط بریتانیا تهدید شد، دولت ایران با استناد به نقشه‌ای که در سال ۱۸۸۸ م. / ۱۳۰۶ ق. از سوی بریتانیا به ناصرالدین شاه تقدیم شد و این نکته که این جزایر به رنگ خاک ایران مشخص شده بودند، ادعای بریتانیا را نادرست و خلاف مستندات قانونی اعلام کرد.

دکتر برومند در ادامه به برخی دیگر از امور زیرساختی اشاره کرد که توسط سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر و در سال‌های پایانی سده نوزدهم میلادی / سیزدهم قمری در خلیج فارس انجام شد. این امور عبارت بودند از: بررسی شیوه‌های کشتی رانی بر رودخانه کارون، تجهیز کشتی‌های بادبانی و بخار برای سرعت بخشیدن به حمل و نقل کالا، نظارت بر ممنوعیت دزدی دریایی، تجارت برده و قاچاق اسلحه.

وی در ادامه گفت: نصب گویچه‌های شناور و بویه و فانوس‌های دریایی که موضوع صحبت دکتر ملک‌زاده خواهد بود، از دیگر اقدامات سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر بود. بدین ترتیب، علائم کمک‌ناوبری در محدوده مسندم، تمب، بوشهر، بحرین، بندر عباس و اروند رود نصب شد. نظارت بر حمل و نقل مراسلات و برپایی مراکز پست هند و انگلیس در بوشهر، بندر عباس، بندر لنگه، خرمشهر، چابهار و جزیره هنگام، نمونه دیگری از اقدامات زیرساختی بود که از سال ۱۸۶۲ م. / ۱۲۷۹ ق. آغاز شد و پس از ایجاد اداره پست ایران در سال ۱۸۷۶ م. / ۱۲۹۳ ق. و کاسته شدن میزان فعالیت پست بریتانیا، نارضایی و مناقشات با دولت ایران را به دنبال داشت. برپایی خطوط تلگراف از دیگر امور زیرساختی بود که کارگزاران بریتانیایی مقیم خلیج فارس همواره مد نظر داشتند. سرانجام در سال ۱۸۶۰ م. / ۱۲۷۷ ق. خطوط تلگراف بغداد، خانقین، فاو و منطقه ریشهر در بوشهر ایجاد شد. مدتی بعد نیز در این مراکز یک ایستگاه امور پزشکی دایر شد. ادامه سخنان دکتر برومند شامل مباحثی درخصوص راه‌سازی برای ایجاد تسهیلات در ارتباط بین بندرهای خلیج فارس و شهرهای پیرامونی و پس‌کرانه‌ای بود.

### فرصت و تهدیدانگاری بی‌مورد



دومین بخش از این نشست، به سخنان سید علی موجانی، از پژوهشگران مطالعات اسنادی با موضوع «فرصت و تهدیدانگاری بی‌مورد» اختصاص داشت که با ارسال فایل صوتی از هند در این نشست شرکت کرد. وی ابتدا به نقد عنوان «فرصت‌ها و تهدیدها» پرداخت و در این خصوص گفت: معتقدم شخصاً که ما متأسفانه در تمام سال‌های اخیر، در بسیاری از جلسات اداری و علمی یک نگاه دوگانه به مسائل مرتبط با این جلسه داریم. ما سعی می‌کنیم که به دو زاویه درّه تهدیدها و بلندای فرصت‌ها در ارتباط با هر پدیده نگاه کنیم و این امر، از ما مجال و امکان را می‌گیرد که به برخی از الزامات و عوارض و حوادثی که بسا در دهه‌ها و قرن بعد ممکن است از سر بی‌دقتی

و کم توجهی امروزی ما روی دهد، عنایتی نشان ندهیم و آنها را از دست‌بندی در گفت‌وگو ذهنی یا پژوهش علمی خود دور نگه داریم. از این جهت من این عنوان (فرصت و تهدید بی‌مورد) را انتخاب کردم تا در برابر این قالب رایج، یک نوع هنجارشکن باشم و به با نگاهی متفاوت به این مسئله نگاه کنم.

این پژوهشگر مورخ و کارشناس اسناد، تأکید کرد: در رابطه با فرصت، مایلیم عرض کنم که خلیج فارس و منطقه را نمی‌توانیم فرصت بدانیم. چون بخشی از سهام و سرمایه ما در بستر این جغرافیا نهفته است. ما به سرمایه‌مان نباید نگاه فرصت‌طلبانه داشته باشیم. بلکه باید سرمایه‌مان را برای پایداری و برقراری و توسعه و ترویج مورد توجه قرار دهیم. اگر از منظر فرصت بنگریم، در ارتباط با میزان دارایی و سرمایه‌مان دچار غفلت می‌شویم. امروز منابعی که در بستر دریا یا در سطح دریا از طرق تبادلات دریای و کشتیرانی قابل حصول هستند، تنها در شرایطی امکان بهره‌برداری از آنها وجود دارد، به‌عنوان مجموعه‌ای که بخشی از سهامش در اختیار ما هست که بتوانیم همزیستی همدلی و همبستگی در درون پیکره جمعی منطقه را با تکیه بر اصل سرنوشت جمعی مشترک ساکنان و حاضران در این جغرافیای برقرار نگه داریم. فرصت‌انگارانه نگاه کردن به مسئله این‌گونه خواهد شد که ما مثلاً بکشیم از ذخایر مشترک بیشتر از طرف مقابل بهره‌برداری کنیم و این کاری است که در قطر صورت می‌گیرد و از طرف دیگر بکشیم از مزیت‌های ژئوپلیتیک خود برای مدیریت منطقه استفاده کنیم که اسباب تنش و چالش را به وجود می‌آورد. البته نافی از این نیست که ما ظرفیت‌های ژئوپلیتیکمان مانند تنگه هرمز و جزایر و مناطق ساحلی را نادیده بگیریم و کم‌توجه باشیم. بلکه مدیریت منابع ژئوپلیتیک حتماً یک الزام است، اما کاربرد منابع ژئوپلیتیک برای ایجاد محدودیت و کاستن از میزان مشارکت جمعی می‌تواند خساراتی را در پی داشته باشد یا عوارضی را ایجاد کند که استمرار آنها شرایط را از این‌که برای ما فرصت‌سازی کند، به تهدیدافزایی تغییر دهد.

سیدعلی موجانی در ادامه به مبحث تهدیدها پرداخت و گفت: یک جلوه دیگر از مقوله‌ای که باید به آن توجه شود، این است که چه تهدیدهایی در مجموعه فضای محیطی این منطقه متوجه حاکمیت و سرمایه جمعی ما است. ما ناچاریم با همسایگانمان به یک یگانگی و به یک همکاری برای حفظ امنیت جمعی توجه کنیم و هنگامی که با این نگاه به مسئله نگاه کنیم، ورود عناصر بیگانه و اثرگذار که متغیرهای تازه‌ای خواهند شد و بسته به

منافع بیرون منطقه، در امور داخلی اقتصادی، اجتماعی و امنیتی سیاست‌گذاری خواهند کرد، این فرصت یا این امکان را از ما می‌گیرد که در چارچوب همکاری درون منطقه‌ای بتوانیم مانع از این شویم که رفتارهای همسایگان و سایر ذینفعانی که در منطقه خلیج فارس حق مشروع دارند، جلوه‌ای بگیرد که ما احساس تهدید از ناحیه عملکرد آنها داشته باشیم.

وی در ادامه یادآور شد: این عنصر بیگانه، با کارورزی‌هایی که در جهت منافع خود انجام می‌دهد، به مناسبات درون منطقه‌ای لطمه می‌زند. لذا هدف اصلی را باید بدین مبنای تعیین کنیم که قدرت بازی‌سازی بازیگران غیرمنطقه‌ای و غیربومی که صلاحیت حضورشان در این منطقه صرفاً منوط به ایجاد یک اجماع درون منطقه‌ای است، کاسته یا بلااثر شود. طبیعی است برای این که این دو وضعیت به صورت همگن برقرار شود، هیچ چاره‌ای نیست، جز افزایش سطح تماس و تبادل درون منطقه با زیرساخت فهم و ادراک اجتماعی. این یعنی بازگشت به مناسبات میان مردم سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس، ساکنان جزایر و پیرامون این منطقه آن‌گونه که در قرون گذشته حیات اجتماعی و نشاط فرهنگی خودشان را نشان می‌دادند و در تعامل و تبادل با یکدیگر، داد و ستد می‌کردند.

گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران برگزار می‌کند

## مسائل زیرساختی اجتماعی-اقتصادی خلیج فارس در دو سده اخیر: فرصت‌ها و تهدیدها

سخنران‌ها:

**سیدعلی موجانی**  
**دکتر پرویز باورصاد**  
**دکتر الهام ملک‌زاده**  
**دکتر صفورا برومند**

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت: ۱۰:۱۵

به صورت حضوری و مجازی  
 لینک حضور مجازی در نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-qut-ubi-ukt>

مکان برگزاری: بزرگراه کردستان، همان دکتر آینه‌وند (۶۴ ترمین) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن چکیت



موجانی سپس با اشاره‌ای به بررسی تاریخی و آسیب‌شناسی وضع موجود در خلیج فارس تصریح کرد: امروز کافیت که با مطالعه تصاویر قرن نوزدهم از سواحل که در منطقه وجود داشته است و مقایسه آن با تصاویر امروزی به این سؤال فکر کنیم که چه چیزی سبب شد تا الگوی معماری گذشته که به صورت مشترک در جزایر و سواحل خلیج فارس وجود داشت، این‌گونه با چالش و دگرگونی متحول شود و میراثی که می‌توانست نماینده اقتضاعات جغرافیایی این منطقه باشد را تحت تأثیر عواملی چون مدرنیته و یا تغییر سبک زندگی به صورت ماهوی، یکنوع نابرابری و عدم تقارن را برقرار سازد. در واقع، نه مردم این منطقه عوض شده‌اند، نه اقلیم این منطقه دگرگون شده است و نه موقعیت‌ها و مختصات جغرافیایی مثل شهرها و بندرگاه‌ها و جزایر با دگرگونی بسیاری روبه‌رو شده است. آن چیزی که عارض شده، اما نتوانسته بر پایه الگوهای محیطی بافت تاریخی حتی بافت انسانی رایج در این منطقه فرمی را اتخاذ کند که این همبستگی در نگاه و سبک زندگی که برای قرون متمادی برقرار بوده، در عصر ما استمرار پیدا کند. شهرهای مدرنی ایجاد شده و میراث معماری گذشته کاملاً در درون آن از بین رفته یا به حاشیه آن به صورت مخروبه و فاقد کارایی لازم قرار گرفته است. به همین ترتیب، سنت رفتاری مردم نیز به اقتضای تغییر محیط زیست آنها و فضای اجتماعی که در آن پرورده و پالیده شدند، دست‌خوش بحران‌های جدی قرار گرفته و ما امروز به یک نوع عدم ادراک در برخی از مسائل کاملاً بدیهی مبتلا شدیم.

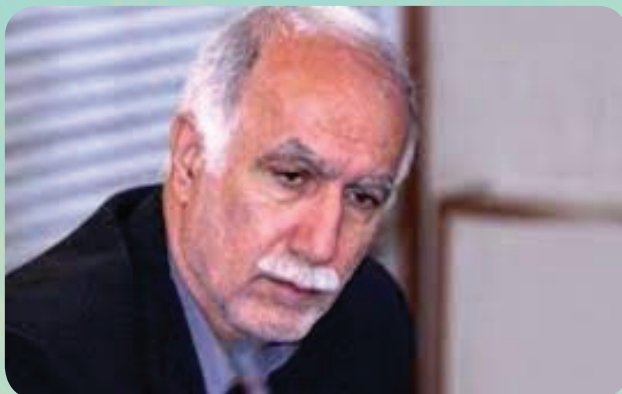
وی با ارائه این مثال، به قابلیت تعمیم این نگاه به سایر حوزه‌های مرتبط با مناسبات اقتصادی، فرهنگی و مسائل امنیتی، نظامی و سیاسی درون منطقه اشاره کرد و گفت: ما با نوعی عدم شناخت مسائل در محیط تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درون منطقه‌ای روبه‌رو هستیم و وقتی نمی‌دانیم اولویت‌های ما کجاست و نمی‌توانیم منافع مشترکی را تعریف کنیم، ناچاریم که به سمت بررسی دامنه‌های تهدیداتی سوق یابیم یا به دنبال دستیابی به فرصت‌هایی باشیم که بسیاری از آنها شاید در آینده نزدیک دست‌نیافتنی است یا در آینده دور با هزینه‌ای به مراتب بیشتر از تصور محقق خواهد شد.

### تبدیل امارات متنازع به امارات متصل

موجانی شرح داد: ستیزهای درون منطقه‌ای نیز بخشی از واقعیت است. اما بررسی کنیم که چه اتفاقی افتاد که در امارات متنازعی که در قرن نوزدهم وجود داشت و شیوخ آن به شکل عنیفی با یکدیگر به محاربه و مقاتله می‌پرداختند و اسناد و مدارک گواهی می‌دهند که اینها یعنی نسل گذشته حاکمان فعلی یا دو نسل پیش از حاکمان فعلی که اجداد حاکمان امروزی امارت‌های متصل حوزه جنوبی خلیج فارس هستند، در زمانی امارت‌های متنازعی را تشکیل می‌دادند که بی‌نهایت دشمنی، جدال و تهدید را از ناحیه همسایگان خود که به دلیل هم‌زبانی و نژادی یک پیکره بودند را در تصور خود داشتند. با این همه، یک واقعیت سبب شد که آن امارات متنازع به امارات متصل تبدیل شوند و مثلاً دولت امارات فعلی از سر تفاهم جمعی این مجموعه از امارت‌ها و تقسیم منافع در قدرت سیاسی، در مزیت‌های اقتصادی، در تناسب جمعیتی و اجتماعی و در تبادلات فرهنگی و انسانی شکل بگیرد. وی با تأکید بر این که الگوی امارات، الگوی کاملی نیست، آن را «یکی از الگوهای آزموده شده است» قلمداد کرد «که می‌تواند در فرمی بزرگ‌تر به لحاظ محیطی و در جغرافیایی وسیع‌تر مورد توجه قرار گیرد». شناسایی منافع مشترک در سواحل شمالی و جنوبی، شرقی و غربی خلیج فارس برای طراحی نقشه راه جهت سرمایه‌گذاری در دامنه منافع مشترک، طراحی «برنامه‌های اجرایی و عملیاتی برای دستیابی به فرصت‌های برابر با هدف اجتناب از عوارض تهدیدها و مخاصمات ناخواسته»، از دیگر مباحثی بود که وی به عنوان راهکار بر آنها تأکید کرد. موجانی در خصوص اهمیت دستیابی به یک گفتمان منطقه‌ای چنین گفت: «ما برای آینده نسل‌های خود و تضمین ثبات، امنیت، توسعه و مشارکت جمعی، به یک گفتمان تازه نیازمند داریم. گفتمانی که در آن امید جمعی همراه با منافع و سرنوشت برابر، چشم‌اندازی را مقابلمان قرار دهد که ابتدا زمینه تبادلات میان جوامع منطقه برقرار شود و به خواست و اقتناعی که به آنها می‌رسند، نظامات سیاسی و الگوهای حاکمیتی با همه تنوعی که دارند، در مسیر همسان‌سازی فهرست منابع، منافع و فوائد درون منطقه گام بردارند.

موجانی در بخش پایانی تأکید کرد: من به یک جمله معتقدم؛ منطقه ما به یک بلوغ نسبی به دلیل مجموعه کندوکاوهای تاریخی و پژوهش‌های علمی در شناسایی مسائل خود رسیده است. امروز وظیفه ما این است که این داده‌ها را پردازش کنیم و بسته به پردازشی که صورت می‌گیرد، برای آینده به‌طوری که نگاه بی‌موردی نسبت به فرصت‌ها و تهدیدها حتی به صورت یکسان نداشته باشیم، برنامه‌ای را پیشنهاد کنیم که در یک دوره زمانی میان‌مدت، بتواند بسیاری از منافذ، فواصل و حفره‌های موجود میان ما (جوامع خلیج فارس) را پر کند و به سمت یک منطقه شکوفا به لحاظ اقتصادی، امن به لحاظ امنیتی، با نشاط به لحاظ اجتماعی و مولد به لحاظ علمی و فرهنگی نزدیک سازد.

## بررسی فرصت‌ها و چالش‌های قدرت و اقتصاد دریامحور ایران



سخنران بعدی این نشست دکتر پرویز باورصاد، رئیس سابق دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های قدرت و اقتصاد دریامحور ایران پرداخت و گفت: قدرت دریا به قدرتی اطلاق می‌شود که یک دولت از طریق ظرفیت آن برای استفاده از دریا برای اهداف نظامی و غیرنظامی اعمال می‌کند. توانایی استفاده از دریاها برای حمل و نقل و سایر اهداف غیرنظامی مانند ماهی‌گیری و اخیراً بهره‌برداری از منابع در بستر یا زیر بستر دریا بحث‌های قابل توجهی را ایجاد کرده است. قدرت دریایی به‌عنوان یک مفهوم، بیشتر از قدرت نظامی در دریا معنی می‌دهد. قدرت دریایی توانایی یک ملت در حفاظت از منافع سیاسی، اقتصادی، و نظامی از طریق کنترل بر دریا است. بخش‌های اصلی قدرت دریایی عبارتند از: نیروی دریایی، علوم اقیانوسی، صنایع اقیانوسی و تجارت دریایی است.

دکتر باورصاد، در ادامه با ارائه پیشنهادهایی جهت اقداماتی زیرساختی برای نیل به قدرت دریایی تأکید کرد: نیاز کشور به تدوین و تصویب سند سیاست دریایی و اقیانوسی کشور؛ ایجاد چند برنامه ملی ۵ ساله توسعه اقتصادی دریا محور درازمدت؛ کثرت انواع استفاده‌های از دریا؛ ایجاد یک سازمان ملی دریایی حاکم بر اقتصاد و قدرت دریایی با وجود بازیگران بسیار قوی دولتی و غیر دولتی و متفرق کنونی در سواحل و دریاها شامل وزارت‌های دفاع، راه، بنادر و دریانوردی، کشتیرانی‌ها، نفت، نیرو، کشور، جهاد و کشاورزی، بازرگانی و مناطق آزاد و صنعتی دریایی و ساحلی غیره بجای مدیریت سیاسی و تجربی موجود بر دریاها و سواحل.

دکتر باورصاد سپس از ارزش‌های دریا و اقیانوس‌ها به‌عنوان کنترل‌کننده شرایط آب و هوایی، منبع تغذیه و سلامت، ارزش‌های دفاعی و امنیتی، و ارزش‌های فرهنگی یاد و بر ضرورت استفاده از ظرفیت‌های معدنی، ظرفیت‌های زیستگاهی، سهولت حمل و نقل، منابع عظیم درآمد‌های ارزی، منابع تولید دارو و زمینه‌های گردشگری متنوع در حوزه‌های آبی به ویژه خلیج فارس تأکید کرد. بخش دیگر سخنان وی به معرفی «اقتصاد آبی» و حوزه‌های مرتبط و زیرمجموعه آن از جمله ماهی‌گیری، بیوتکنولوژی دریایی، مواد معدنی دریایی، انرژی‌های تجدیدپذیر، صنایع دریایی، کشتیرانی و گردشگری دریایی، سازه‌ها، تجارت، تکنولوژی، ارتباطات، آموزش و پژوهش دریایی و به تحلیل تاریخی این موارد در امور زیرساختی قابل اجرا در خلیج فارس پرداخت.



## بررسی اسنادی چالش فانوس‌های دریایی ایران در خلیج فارس



سخنران آخر این نشست، دکتر الهام ملک‌زاده بود که با عنوان «بررسی اسنادی چالش فانوس‌های دریایی ایران در خلیج فارس با دولت انگلیس بعد از جنگ جهانی دوم» سخنان خود را ارائه کرد. ملک‌زاده با ارائه مختصری از پیشینه اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس و اشاره‌ای کوتاه به دلیل اولویت داشتن این منطقه برای دولت بریتانیا، خاطرنشان ساخت، مطالب حاضر، برگرفته از اسناد آرشیوی مرتبط با موضوع فوق، موجود در سازمان اسناد ملی ایران است. بر اساس گزارش‌های این اسناد، با تغییر سیاست‌های دولت بریتانیا متأثر از تحولات بین‌المللی و در نتیجه منافع این کشور در بحبوحه جنگ جهانی دوم و پس از آن که نفوذ بیشتر بریتانیا بر خلیج فارس و منابع نفتی ایران را ضروری می‌کرد، انجام سلسله اقداماتی در دستور کار این کشور قرار گرفت. مقارن سقوط رضاشاه و اشغال ایران و روزهای پس از جنگ، سیاست‌مداران ایران به منظور رسیدگی به مسائل و مشکلات کشور از جمله وضعیت حاکم بر آب‌های جنوب و خلیج فارس که در نتیجه از میان رفتن نیروی دریایی ایران، مخاطراتی را متوجه کشور کرده بود، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های جدیدی را اعمال کردند که واکنش‌های دولت بریتانیا را در پی داشت.

این عضو گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ، یادآور شد: پافشاری و ابراز تمایل شدید دولت انگلستان در به دست گرفتن ایجاد و نصب و اداره فانوس‌های دریایی خلیج فارس که دارای ابعاد اقتصادی و سیاسی بود، به چالش سیاسی مهمی بین دو دولت مبدل شد. سوابق منفی و حساب‌سازی‌های فاکتورهای مالی نفتی توسط کمپانی نفت ایران و انگلیس، جو ضدانگلیسی و بدبینی نسبت به این کشور را موجب شده بود. نتیجه این وضعیت، در حالی که انگلستان پس از جنگ جهانی دوم، انگلستان صاحب آب‌های جهان و قدرت بزرگ جهانی نبود، هم‌زمان با اتخاذ سیاست خارجی دولت‌مردان ایران برای در پیش گرفتن برنامه‌های متعدد همکاری با کشورهای دیگر چون آمریکا، فرانسه و آلمان، شرایطی را ایجاد کرد که نتیجه مستقیم آن کاهش دایره نفوذ انگلستان در ایران، خلیج فارس و منطقه می‌شد. چیزی که در دوره رضاشاه با روند رو به رشد حضور تکنیسین‌های آلمانی به مرحله اجرا درآمده بود. در سال ۱۳۲۳ش، سفارت انگلیس طی مکاتبه‌ای با وزارت خارجه ایران، ضمن ادعای تعلق برخی فانوس‌های دریایی جزیره کیش به آن کشور، خواستار در اختیار گرفتن فانوس‌های دریایی خلیج فارس شد. با این مدعا که می‌تواند به دلیل شناساندن راه به کشتی‌های تجاری در حال تردد، سهمی به‌عنوان منافع حاصل از ارائه این خدمت از دولت ایران دریافت کند.

دکتر ملک‌زاده در ادامه یادآور شد: دولت ایران، پس از بررسی این درخواست، اعلام کرد، طبق گزارش اداره کل گمرک ایران، مقامات انگلیسی هیچ‌گونه برج فانوس دریایی که متعهد به نصب آن بودند را در کیش نصب نکرده‌اند و درخواست انگلستان نامربوط است. در کیش تنها یک کشتی تجاری همراه با فانوس دریایی جاسازی شده در آن دارند و هیچ‌گونه نقشی در روشنایی جزیره و ارائه مسیر به کشتی‌های تجاری ندارند. انگلیسی‌ها که در خود قدرت سابق را نمی‌دیدند، برای حفظ ظاهر و بهره‌گیری از قدرت دیپلماتیک سفارت خود، تلاش کردند تا با پافشاری بر ادعای خود، فرصتی بیابند و نقش کلیدی خود در خلیج فارس را حفظ کنند. این در حالی بود که

گزارش‌ها، حکایت از مشارکت و همکاری بالایی فانوس‌های دریایی فرانسه داشت. در ۱۳۲۴/۳/۱۴ ش، وزارت خارجه در نامه‌ای محرمانه به عبدالحسین هژیر نخست وزیر، خواستار صدور مکتوب دستور روشنایی سواحل خلیج فارس و برقراری مجدد فانوس‌های دریایی بوشهر و جزیره کیش شد. ضمن این‌که مقرر شد از این پس اداره و نگاه‌داری و حفاظت از فانوس دریایی فقط توسط ایرانیان انجام شود

ملک‌زاده شرح داد: طبق گزارش‌های مندرج در این اسناد، مدیرکل گمرکات کشور که مأمور انجام این وظیفه بود، به وزیر دارایی اعلام کرد، تنها هیأت دولت صلاحیت اظهارنظر درباره برج فانوس دریایی جدید را دارد. به‌ویژه که نتیجه تحقیقات برای وزارت دارایی این مسئله را روشن‌تر کرد که بازماندگان نیروهای متفقین، هیچ‌گونه همکاری با ایرانی‌های خلیج فارس نداشتند، حتی اموال کشتی‌های ایرانی متعلق به نیروی دریایی ایران را مصادره کردند. با افزایش بدبینی دولت ایران نسبت به عملکرد انگلستان، نخست‌وزیر به مدیر کل و معاون کل گمرک کشور اعلام کرد، سریع‌تر خرید و نصب فانوس دریایی خلیج فارس را سامان دهد. اما با وجود تهیه لیست قیمت فانوس‌ها و لوازم آن و پرداخت پول آنها، به‌دلیل شرایط جنگی، هیچ‌کدام از تجهیزات و وسایل به ایران نرسید. کار فانوس‌های فرانسوی موجود در بوشهر و بندر کیش هم با مشکل مواجه شد و فعالیت‌شان مقرون به صرفه نبود و چالش جدیدی ایجاد شد. نیاز به استفاده از نیروی برق و حضور متخصصین متعدد و ماهر، با توجه به شرایط اقلیمی منطقه که با ساختار ماشین‌های برقی سازگاری نداشت، همچنین بار مالی زیاد آن که در صورت عدم تأمین مالی کارگران، احتمال اعتصاب و اختلال در کار فانوس‌ها را موجب می‌شد، دولت را به صرافت انداخت تا از الگویی که در بندر ترکمن به کار گرفته بودند استفاده کنند. لذا لوازم و وسایل فانوس‌های دریایی سوئدی که گازسوز بودند و استهلاک و هزینه کمی داشتند را خریداری کردند. در گام بعدی نیز به‌منظور تأمین هزینه‌های فانوس‌ها، در صدد درآمدزایی برآمده و مقرر از کشتی‌هایی که وارد خلیج فارس می‌شدند، ۲۰ تا ۲۵ دینار مالیات بگیرند.

دیگر بریتانیا یکه‌تاز نبود

دکتر ملک‌زاده با جمع‌بندی سخنان خود اظهار داشت: با توجه به این‌که بریتانیای بعد از جنگ، دیگر یکه‌تاز منطقه نبود و هر آن‌چه دیده می‌شد، حفظ آبرویی بود که کارگزاران دیپلماتی بریتانیا اعمال می‌کردند شرایط ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ که به ایجاد فضای جدیدی در حاکمیت داخلی ایران انجامید، آزادی مطبوعات و احزاب، همه و همه چه به‌صورت زبانی و چه به شکل عملی موقعیت ویژه‌ای از مقاومت در برابر خواسته‌های انگلستان را به‌دنبال داشت که در ادامه به مامشات دولت انگلستان در برابر وضع موجود از یک‌سو و اتخاذ سیاست‌های سرسختانه‌تر دولت ایران انجامید. ضمن این‌که تمایلات شدیدی در میان دولت‌مردان ایرانی ایجاد شد که انگیزه‌های قوی‌تری را در بر داشت و به‌راحتی پذیرای دست یافتن مجدد نفوذ سلطه‌گرانه انگلستان بر پهنه خلیج فارس و بهره‌مندی از منافع آن به بهانه تحت کنترل داشتن فانوس‌های دریایی نبودند.



## ارزیابی انتقادی دین شک‌بنیاد جان شلنبرگ

نشست «ارزیابی انتقادی دین شک‌بنیاد جان شلنبرگ» به همت پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰ اردیبهشت ماه، با سخنرانی دکتر کریم کرمی به صورت ویدئویی (برخط) برگزار شد که شرح گزارش این نشست تقدیم حضور می‌شود.



دکتر کرمی سخنانش را این‌گونه آغاز کرد: پیش از توصیف و ارزیابی رویکرد جان شلنبرگ، باید در باب چند مفهوم کلیدی، ایضاح مفهومی انجام دهیم. جان شلنبرگ (John Schellenberg) به‌عنوان یکی از مدافعان دین ناملتزم به باور، در شرایط نابسندگی معرفتی و تردید معرفتی ناظر به صدق گزاره‌های دینی، از نوعی مخاطره ناملتزم به باور (Nondoxastic Venture) دفاع می‌کند. در این سخنرانی، نخست باید تلقی و فهم ما از دین ناملتزم به باور (Nondoxastic Religion) عیان شود. برای انجام این مهم، در وهله اول بر چستی دین ملتزم به باور (Doxastic Religion) متمرکز خواهیم بود و سپس با روشن‌شدن این مفهوم، از ویژگی‌های دین ناملتزم به باور خواهیم گفت. خواهیم دید که چه تمایزهایی بین رویکرد ناملتزم به باور و رویکردهایی مانند منفردگراها (Isolationism)، ناشناختاری‌ها (Non-cognitivism)، داستان‌گراها (Fictionalism) و مدافعان مخاطره ملتزم به باور وجود دارد. در چستی دین ناملتزم به باور شاهد خواهیم بود که چنین دین‌داری با ناباوری ناسازگار است و برای تأمین لایه شناختی خود، دست‌کم نیازمند حداقلی از مؤلفه معرفتی ایجابی است.

مدافعان دین ناملتزم به باور برای تأمین لایه شناختی چنین دینی، پیشنهادات مختلفی ارائه کرده‌اند که می‌توان این رویکردها را به سه دسته تقسیم کرد.

(۱) رویکردهای خرده باور یا شبیه باور (Belief-like, Sub-Doxastic)

(۲) رویکردهای متمایز از باور (Non-doxastic, Different from belief)

(۳) رویکردهای کاملاً متمایز از باور (Totally Different from Belief, Fully Non-Doxastic)

در این بخش برای آشنایی با تنوع این رویکردها به دو تلقی رابرت آئودی (Robert Audi) و دنیل هاوارد اسنایدن (Daniel Howard-Snyder) از دین ناملتزم به باور اشاره خواهد شد.

پس از آشنایی با رویکردهای مختلف ناملتزم به باور، متمرکز خواهیم بود بر سومین دسته از این رویکردها که با عنوان رویکرد کاملاً متمایز از باور نامگذاری کردیم. جان شلنبرگ مدافع چنین رویکردی است و باور و ایمان را وفق‌ناپذیر (Incompatible) می‌داند. به عبارت دیگر با وجود باور (و همین‌طور ناباوری) امکان حصول ایمان نیست. وی در ادامه گفت: در این بخش به اختصار با تلقی شلنبرگ از دین، باور و ایمان آشنا می‌شویم و رویکرد ایمان گزاره‌ای (Propositional Faith) و عملی (Operational Faith) در اندیشه او را توصیف می‌کنیم. در کنار توصیف مدل مدنظر شلنبرگ، باید به توجیه این مدل هم توجه داشت، از این رو با تلقی شلنبرگ از توجیه آشنا می‌شویم. شلنبرگ واکنش ایمان شکاکانه (Skeptical Faith) را در مقابل واکنش باور، ناباوری و شکاکیت صرف (Purely Skeptical Religion)، واکنش موجه ناظر به گزاره‌های دینی می‌داند.

در این بخش این فرصت هست تا به تلقی شلنبرگ از شکاکیت نگاهی بیندازیم. شلنبرگ صورت‌بندی‌های مختلف استدلالی در دفاع از شکاکیت دینی (Religious Skepticism) ارائه می‌دهد و ذیل دو مفهوم محدودیت‌ها (Limitation) و نارشدیافتگی دینی (Religious Immaturity) از شکاکیت فعال مدنظر خود دفاع می‌کند. شلنبرگ دینی که در کنار شکاکیت فعال، برخوردار از ایمان گزاره‌ای است را با عنوان دین شک‌بنیاد (Skeptical Religion) نام‌گذاری می‌کند. شلنبرگ در دین شک‌بنیاد علاوه بر توجه به رویکرد مناسب، به متعلق مناسب چنین دینی هم توجه می‌دهد و از متعلق با عنوان غایت‌انگاری (Ultimism) به‌عنوان متعلق مناسب دین شک‌بنیاد یاد می‌کند. دین شک‌بنیاد، از ایمان گزاره‌ای به‌مثابه تلقی ایجابی (Positive Stance) و غایت‌انگاری به‌مثابه متعلق مناسب برخوردار است.

شایان ذکر است که شلنبرگ در صورت‌بندی دین شک‌بنیاد، به آینده فراخ پیش‌روی پژوهش دینی اشاره می‌کند ولی در ادامه مسیر خود به‌طور مشخص بر قابلیت‌های دگرگشتی (Evolutionary) انسان در فهم دینی اشاره می‌کند و از مطالبه دین دگرگشتی ناظر به وضعیت معرفتی و عملی انسان قرن بیست و یکمی یاد می‌کند. او دین شک‌بنیاد را مصداقی از چنین مطالبه‌ای می‌داند. شلنبرگ در ادامه مسیر با توجه به مفهوم نارشدیافتگی انسانی و قابلیت‌های دگرگشتی پیش رو از مؤلفه‌هایی می‌گوید که در هر مصداقی از دین دگرگشتی قابل مشاهده است. دکتر کرمی یادآور شد: پس از معرفی رویکرد و متعلق پیشنهادی شلنبرگ زمان آن رسیده که این رویکرد را مورد ارزیابی انتقادی قرار دهیم. با بررسی آرای شلنبرگ می‌توان دید که شلنبرگ از پنج هدف در ارائه رویکرد و متعلق پیشنهادی خود یاد می‌کند. این اهداف را می‌توان با عناوین نجات (Salvation)، حقیقت‌یابی (Being contact to reality)، پایبندی به خرد (Being-true to reason)، مطالبه خرد (Demand of reason) و تسهیل رشدیافتگی دینی انسان یاد کرد. حال با توجه به این اهداف که می‌توان از آن‌ها با عنوان اهداف شلنبرگی یاد کرد از منظر معرفتی و عملی رویکرد و متعلق پیشنهادی شلنبرگ مورد بررسی قرار می‌گیرد. از بین این پنج هدف، شلنبرگ با ترسیم دین دگرگشتی، نجات را غایت دین نمی‌داند چون نجات برخاسته از تلقی کنونی از دین است که ناظر به دیدگاه شلنبرگ، فهمی نارشدیافته است. همچنین با توجه به استدلال‌های شکاکیت دینی، امکان صدق‌یابی با توجه به نارشدیافتگی ما نیست. حال باید بررسی کنیم که آیا رویکرد ایمان گزاره‌ای و متعلق غایت‌انگاری می‌تواند سه هدف پایبندی به خرد، مطالبه خرد و تسهیل رشدیافتگی انسان را برآورده سازد. وی در بخش پایانی سخنان خود تصریح کرد: تلاش دارم که نشان دهم ایمان گزاره‌ای مدنظر شلنبرگ رویکردی است که پایبند به خرد نیست و همین‌طور متعلق پیشنهادی دین او با عنوان غایت‌گرایی نمی‌تواند هدف مطالبه خرد و تسهیل رشدیافتگی دینی را برآورده سازد. در پایان رویکرد و متعلق پیشنهادی داده خواهد شد که بتواند اهداف شلنبرگی را برآورده سازد.

دانشگاه علامه طباطبائی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**ارزیابی انتقادی دین شک‌بنیاد جان شلنبرگ**

سخنران:  
**دکتر کریم کرمی**  
دبیر علمی جلسه:  
**دکتر مهدی اصفهانی**

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت ۱۷ تا ۱۵

لینک حضور مجازی در نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/b/ihc-t9t-zw6-hsk>

## گیاهان مقدس؛ واکاوی اهمیت گونه‌های گیاهی در فرهنگ ایران

نشست تخصصی «گیاهان مقدس؛ واکاوی اهمیت گونه‌های گیاهی در فرهنگ ایران» به مناسبت روز درختکاری و هفته منابع طبیعی، ۱۵ اسفندماه، توسط مرکز اسناد فرهنگی آسیا به صورت مجازی برگزار شد.



در آغاز این نشست، دکتر بهرام گرامی، پژوهشگر ژنتیک و علوم گیاهی، به تبیین مضامین و مثال‌های مرتبط با گیاهان در آیات قرآن پرداخت. او که مولف آثار متعدد در خصوص نقش گیاهان در ادبیات و اشعار فارسی است، ابتدا به نقش گیاهان در تورات و انجیل اشاره کرد. از جمله این که در تورات از درخت معرفت یاد شده است. دکتر گرامی، ویراستار مشاور در زمینه مدخل‌های مرتبط با گل و گیاه در دانشنامه ایرانیکا، سپس به تبیین کارکرد استعارات مرتبط با گیاهان در آیات قرآنی پرداخت. تحلیل گیاه یقطین یا کدو در داستان یونس نبی، مضامین و استعارات مرتبط با دانه خردل، انگور، زیتون، سیر، نقیر (به معنی فرورفتگی هسته خرما) و قِطْمیر (یا پوسته نازک هسته خرما) از دیگر مباحث گفتار دکتر بهرامی در این نشست بود. وی در این خصوص از مفهوم این گیاهان در اشعار فارسی نیز یاد کرد.

دکتر صفورا برومند، عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ ایران در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌عنوان دومین سخنران، در خصوص چرایی و علت‌مندی برگزاری این نشست، بر اهمیت پوشش گیاهی بومی به‌عنوان میراث طبیعی هر کشور تأکید کرد و چنین گفت: «ساختار زمین‌شناختی و اقلیمی سرزمین ایران که در بخش درخت‌توجهی از فلاتی به همین نام قرار دارد، شرایط مناسبی را برای رشد گیاهان مختلف فراهم کرده است. از این رو، یکی از قدیم‌ترین پوشش‌های گیاهی بومی جهان، در محدوده سرزمین ایران قرار دارد. کشور ایران، هم‌اکنون به‌لحاظ غنای گیاهی و تنوع زیستی دارای ۱۱ اقلیم از ۱۳ اقلیم شناخته شده جهانی است. کمتر کشوری از چنین ویژگی برخوردار است. ایران از نظر گونه‌های گیاهی با حدود هشت‌هزار گونه در مقیاس جهانی در جایگاه سی و یکم قرار دارد. از هشت‌هزار گونه گیاهی بومی در ایران شناسایی شده است، بیش از ۱۵۰۰ گونه آن، از گیاهانی به‌شمار می‌روند که رشد آنها منحصر به این سرزمین است و بیش از ۲۳۰۰ گونه آن از خواص دارویی، عطری، ادویه‌ای و بهداشتی برخوردارند.»

دکتر برومند در ادامه ضمن اشاره به سه ناحیه رویشی ایرانی-تورانی، اروپا-سیبری و صحارا-سندی که منظر گیاه‌شناختی و زیست‌محیطی ایران را تشکیل می‌دهند، یادآوری کرد: حدود ۲۷۴ منطقه در ایران وجود دارد که از نظر ساختار زیست‌محیطی می‌توانند به‌عنوان میراث طبیعی انتخاب شوند. دکتر برومند در ادامه بر این نکته تأکید کرد که در سطح جهانی، سازمان‌ها و شوراهایی به شناسایی و ثبت میراث طبیعی در سراسر جهان می‌پردازند و ایران از پتانسیل موجود برای ثبت این مناطق از جمله پارک ملی گلستان، ارسباران و میان‌کاله به‌عنوان میراث طبیعی جهانی برخوردار است. دکتر برومند به این نکته نیز اشاره کرد که در حال حاضر، منطقه دشت لوت در سال ۱۳۹۵ و جنگل‌های هیرکانی در سال ۱۳۹۸ به‌عنوان میراث جهانی ثبت شده‌اند.

دکتر برومند در ادامه به تأثیر مستقیم و انکارناپذیر بافتار پوشش گیاهی بومی در زندگی ایرانیان و نقش آن در تبدیل ایران به عنوان یکی از قدیم‌ترین مراکز استقرار بشر اشاره کرد. او سپس در خصوص اهمیت مجموعه متنوع گیاهان بومی ایران که از ویژگی سازگاری با اقلیم محیط برخوردارند، چنین گفت: «بخش درخور توجهی از این گیاهان به واسطه کاربرد درمانی آنها در باورهای بومی به عنوان عنصری مقدس قلمداد می‌شوند. گیاهان بومی، در بسیاری از کهن‌الگوهای اساطیری، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها یا مثل‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. از جمله در اسطوره آفرینش در ایران باستان، تغییر فصل و تعیین جشن‌های ملی و رسمی به عنوان شروع فصل جدید در قالب رویاندن انواه سبزه‌ها یا آیین درختکاری و موقوفات مرتبط با آنها که با زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان عجین شده است و در فرهنگ‌های بومی بیشتر آداب نقاط مختلف با گیاه و طبیعت در ارتباطند. اکثر مراکز مذهبی در کنار یک درخت یا پوشش گیاهی قدیمی قرار دارند و مراسم موسمی نیز به فعالیت‌های کشت و کار مرتبط می‌شوند. نذر به گیاهان و درختان قدیمی و تقدس درختان کهنسال در ایران از دیگر نمونه‌های این اهمیت به شمار می‌روند. دکتر برومند در ادامه خاطر نشان کرد: «در معیار علمی و جهانی طبق آن چه در سایت کنوانسیون جهانی میراث طبیعی بیان شده است، این درختان کهنسال، مخازن ژنتیکی، گیاهی، فرهنگی و تاریخی در جهان شناخته می‌شوند و از سوی کنوانسیون بین‌المللی میراث جهانی که ایران هم از حدود ۴۸ سال پیش از اعضای آن به شمار می‌رود، قوانینی برای نگهداری و حفاظت از آنها وضع شده است. هر یک از این واژگان بار مفهومی مهمی را برای ما دارد. حدود دو هزار درخت کهنسال در ایران شناسایی شده است که ۳۵ نمونه آن در سایت کنوانسیون میراث جهانی ثبت شده است.»



دکتر برومند با اشاره به این که نمونه‌های کهنسالی از درخت چنار، گردو، اُرس، سرو، پسته وحشی با قدمتی بین چهار هزار تا ۹۹۰ سال در ایران شناسایی شده‌اند، بر این نکته تأکید کرد که امروزه از یک سو، به‌علت گسست فرهنگی بین نسل‌ها که فقر حافظه جمعی را به دنبال داشته است و از سوی دیگر، کاستی در آموزش جمعی و اجتماعی و همچنین فقدان سیاست‌گذاری علمی و آینده‌نگر که به تخریب روز افزون محیط زیست و منابع طبیعی منجر شده است، بسیاری از این گونه‌های گیاهی در معرض خطر نابودی قرار گرفته‌اند. چنین شرایطی، ضرورت برگزاری این نشست و نمایشگاه‌های مجازی مرتبط با آن (دو نمایشگاه «گیاهان مقدس در سپهر فرهنگی ایران» و «درختکاری به روایت اسناد» در سامانه مرکز اسناد فرهنگی آسیا) را فراهم کرده است و در ماه‌های آینده، سلسله‌نشست‌هایی برای بازخوانی اهمیت پوشش گیاهی در فرهنگ ایران و ضرورت حفظ و احیای گونه‌های گیاهی این سرزمین برگزار خواهد شد.

در ادامه نوشاد رکنی، رئیس اداره اطلاعات فرهنگی و حفاظت فنی کتابخانه و موزه ملی ملک، سومین سخنران این نشست بود که به بررسی نقش درختان مقدس در ساختار باغ ایرانی پرداخت. وی ابتدا بر این نکته تأکید کرد که در بررسی و بحث در خصوص باغ ایرانی و باغ تفرجگاهی قسور بسیار شده است و مفهوم باغ ایرانی به کمال مشخص نیست و در برخی موارد دستکاری شده است. این پژوهشگر گیاه‌شناس به این نکته پرداخت که بر اساس متون و اسناد تاریخی، معمار باغ ایرانی باید در مقام یک گیاه‌شناس یا باغبان، با گیاهان و سیر رشد آنها آشنایی داشت تا وضعیت باغ در آینده را از نظر فرم، رنگ و بو در سطوح مختلف پیش‌بینی کند.

رکنی سپس از گونه‌های درختان باغ‌ها در کتاب مرآت اَلقاسان نام برد که عبارت بودند از: سایه‌دار، میوه‌دار و نمادار. موضوع دیگر صحبت‌های او به وضعیت باغ‌ها در دوران دگرگونی‌های سیاسی و امنیتی اختصاص داشت.





پایان بخش سخنرانی ملک‌زاده با توجه به تمرکز بر مبحث گیاهان پاک، اشاره‌ای به این واقعیت شد که طبق گزارش اوستا و باورهای ایرانیان باستان، طبیعت آفریده اهورامزدا است و آنچه آفریده اوست نیکو و پاکیزه است. در حالی که درختان مراکز مورد احترام مثل آرامستان‌ها، زیارتگاه‌ها و نیایشگاه‌ها، اغلب سرو، کاج و شمشاد که در تمام سال سبز هستند، و توجه ویژه به درختانی چون انار و انجیر و سنجد، زرتشتیان بیشتر از گیاهانی چون مورد، سداب، و گیاه هوم در مراسم دینی استفاده می‌کنند. ضمناً پیش از شناسایی برق و نفت، گیاه کرچک را می‌کاشتند و از روغن آن که روغن پاکی بود برای روشنایی آتشکده‌ها به‌عنوان سوخت پاکیزه استفاده می‌کردند که ذیل داد و دهش و گهنبارها، موقوفاتی داشتند تا از گیاهان پاک، مصرف آتش نیایشگاه‌های خود را تأمین کنند.



سستی که پس از ورود اسلام به ایران به‌مرور رو به محاق نهاد و صرفاً در میان پارسیان هند که به این سرزمین مهاجرت کردند، رسمی باقی‌مانده از نیاکانشان شمرده می‌شد. رویه‌ای که در سال‌های آغازین سده چهاردهم خورشیدی یعنی در سال ۱۳۱۰، پس از حضور بهرام جی بیجاجی از پارسیان نیکوکار هندوستان که به یادمان فرزند درگذشته خود فیروز بهرام، دبیرستانی را در تهران تأسیس کرد و به احیای این سنت دیرینه در عصر جدید منجر شد. بدین ترتیب که علاوه بر دهش خیره‌اش در برپایی دبیرستان، در ارتفاعات اوسون تهران، زمین مشجری خرید و وقف دبیرستان و به انجمن زرتشتیان تهران اهدا کرد. طبق سند وقف‌نامه، کنده چوب درختان این باغ که در هوای تمیز ارتفاعات تهران پرورش می‌یافتند، سوخت و خوراک آتش روشن آتشکده تهران می‌شد. طبق سنت‌های سپهر فرهنگی ایران، کنده خشک درختانی که خوراک آتش می‌شدند، به واسطه آتش پاکیزه، وجه قدسی یافته و پاک می‌شدند. مثلاً در روستای «زین‌آباد» در حومه تفت از توابع یزد، آتشکده‌ای است با چهار آتش روشن. یکی از چهار آتش آن، آتش برق آسمانی است. با این روایت که چندین سده قبل، رعد و برق آسمانی به درخت توت تناور روستا برخورد کرد و آن را مشتعل ساخت. ساکنین و گرداننده آتشکده، کنده‌ای فروزان از این درخت توت را به آتشکده روستا برده و آن را تخت‌نشین کردند. از آن تاریخ تاکنون در کنار سه آتش دیگر به این آتش برق آسمانی، خوراک می‌دهند و همچنان آن را روشن نگاه‌داشته‌اند. بوی خوش کنده‌های خوش‌بو مثل درخت صندل که از هندوستان آورده می‌شد نیز در زمره همین باورهاست که در میان ایرانیان و زرتشتیان، مورد توجه بود و طبق گزارش‌های اوستا که گیاهان را نمادهایی از فروزه‌های اهورایی و قابل ارج می‌دانند، باید در پاس‌داشت جایگاه درختان کوشید و بدین منظور در هنگام زایش نوزاد درختی بکارند یا هنگام درگذشت فردی، نهالی در زمین بگذارند.

## تحلیل آینده مشاوره مدیریت در ایران

چهارمین نشست از سلسله نشست‌های مشاوره مدیریت در ایران، نوزده اردیبهشت‌ماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. عنوان این گردهمایی «آینده مشاوره مدیریت در ایران» بود و به بررسی وضعیت کنونی و افق‌های آتی حرفه و صنعت مشاوره مدیریت اختصاص داشت. پیش از این سه نشست با عناوین چالش‌های صنعت مشاوره مدیریت در ایران (سال ۱۳۹۹)، موانع توسعه مشاوره مدیریت از منظر ذی‌نفعان (سال ۱۴۰۰) و استراتژی‌های توسعه مشاوره مدیریت در ایران (سال ۱۴۰۱) با ابتکار پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شده بود. دکتر نادر سیدکلالی، طراح و مدیر علمی این سلسله نشست‌ها بوده است که در چهارمین نشست هم وی عهده‌دار این وظیفه بود. مسئولیت دبیری نشست چهارم بر عهده پیمان عظیمی بود. این نشست مشتمل بر سه پنل تخصصی بود. پنل اول با حضور محمدجعفر مرعشی، کاظم موتاییان و محمدرضا پورخردمند؛ پنل دوم با حضور دکتر امیرحسین داوودیان و دکتر ابوالقاسم بازرگان؛ و پنل سوم با حضور دکتر محمد کیلی و دکتر نادر سیدکلالی برگزار شد.



در بخش افتتاحیه نشست، دکتر نادر سیدکلالی به بیان تاریخچه نشست‌ها و انگیزه خود از طراحی و برگزاری آنها پرداخت و به تحقیقات و آثار پژوهشی، سوابق آموزشی و فعالیت‌های عملی خود با موضوع مشاوره مدیریت در ایران و آلمان اشاره کرد. او تعدادی از مقالات منتشر شده خود در مجلات علمی پژوهشی داخلی و خارجی را معرفی کرد که از نخستین پژوهش‌های جدی در حوزه مشاوره مدیریت در ایران محسوب می‌شوند. دکتر سیدکلالی با اشاره به پتانسیل شرکت‌های مشاوره در تسهیل رشد و توسعه اقتصادی کشور، ابراز امیدواری کرد: تا پیش از آنکه دیر شود تلاش‌های استادان، محققان و فعالان مشاوره بتواند زمینه‌های توسعه مشاوره مدیریت در ایران را فراهم کند.

پنل نخست مشاوره با سخنرانی محمدجعفر مرعشی آغاز شد. او ابتدا مروری بر تاریخچه مشاوره مدیریت در ایران داشت و ریشه‌های آن را به دهه ۳۰ شمسی مربوط دانست که همراه با حضور مشاوران مدیریت خارجی در کشور بود. از دیدگاه وی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی دوران شکوفایی مشاوره مدیریت در ایران بوده است. در ادامه وی به نقش نهادهایی مانند سازمان مدیریت صنعتی، انجمن مشاوران مدیریت، کانون شبکه مشاوران مدیریت و مهندسی ایران و سازمان نظام صنفی یارانه‌ای در توسعه مشاوره کشور اشاره کرد و تأسیس فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب‌وکار ایران را امیدبخش تلقی کرد. محمدجعفر مرعشی ارائه مشورت به کسب‌وکارهای خانوادگی و سازمان‌های فرهنگی را حوزه‌ای نویدبخش برای آینده خدمات مشاوره دانست و از صداقت، امانتداری و حفظ اسرار به عنوان ویژگی‌های ضروری مشاوران مدیریت نام برد.

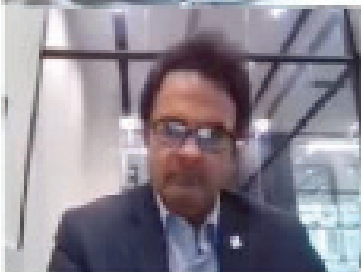
کاظم موتاییان، سخنران دوم پنل اول بود. او پیشینه فعالیت‌های خود در زمینه مشاوره مدیریت را تشریح کرد و از علاقه خود به مفاهیم تفکر و تولید ناب سخن گفت. وی مشاوران و مدیران را در دو دسته طبقه‌بندی کرد و شناخت درست آنها را مقدمه پیش‌بینی یا ساخت آینده دانست. موتاییان از یک‌سو، گروهی از مدیران را از نوع آتش‌نشان معرفی کرد که به دنبال حل مسائل فوری به صورت ظاهری هستند. گروهی از مشاوران نیز تنها در پی کسب درآمد هستند و به حل واقعی و عمیق مسائل سازمان‌ها فکر نمی‌کنند. این نوع مدیران با این نوع مشاوران سخت‌داند دارند. از سوی دیگر، گروهی از مدیران هستند که کمال‌خواه هستند و به دنبال حل اساسی مشکلات هستند.

مشاوران متناسب با این نوع مدیران، افرادی هستند که مربی‌گری می‌کنند و به مدیران و کارکنان سازمان‌ها کمک می‌کنند تا مسائل خود را حل کنند. ترکیب مدیران و مشاوران نوع دوم می‌تواند به سازمان‌های کلاس جهانی شکل بخشد. مشاوران موفق باید بتوانند علاوه بر مشورت‌های سازمانی به توسعه فردی مدیران هم کمک کند چراکه یک مدیر معمولی نمی‌تواند سازمانی رشدیابنده را مدیریت کند.

سخنران سوم پنل اول، رضا پورخردمند بود. از دیدگاه او مشاوره مدیریت در ایران فعالیتی است که به سمت تک‌نفره شدن پیش رفته است. وی مشاوره را دارای ماهیتی صنفی دانست. پورخردمند مرزهای میان آموزش و مشاوره را کم‌رنگ و تفکیک آنها از یکدیگر را دشوار تلقی کرد. او اشاره کرد که در ایران برای مشاور مدیر و حتی مدیر شدن هیچ‌گونه مسیر مشخصی وجود ندارد و ارزیابی مشخصی برای تأیید صلاحیت افراد صورت نمی‌پذیرد. وی ادامه داد: در یک دهه نخست پس از انقلاب مدیریت بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی به مدیران متعهد و انقلابی سپرده شد، در دوران سازندگی مدیریت بنگاه‌ها عمدتاً به مهندسان واگذار شد و به تدریج مدرک کارشناسی ارشد و دکتری برای کسب سمت‌های مدیریتی اهمیت پیدا کرد. از دیدگاه او مشاوره مدیریت و مدیریت جایگاه حرفه‌ای و معینی پیدا نکرده است و افراد آموزش مشخصی ندیده‌اند یا صلاحیت ویژه‌ای کسب نکرده‌اند. پورخردمند در بخش پایانی سخنانش کارکردهای یک مشاور موفق را شامل طراحی و ترویج محصول یا خدمت، تهیه و دفاع از پروپوزال (طرح‌نامه)، عقد قرارداد، مدیریت پروژه و اجرای مفاد قرارداد، تهیه و عرضه گزارش و نهایتاً وصول مطالبات برشمرد.



در بخش گفت‌وگوی پنل اول، پیمان عظیمی این پرسش را طرح کرد که مشاوره مدیریت در کدام مرحله از چرخه عمر خود است و چالش اصلی در مسیر رسیدن به نقطه اوج برای مشاوره مدیریت چیست؟ محمدجعفر مرعشی نقش مشاوره در اقتصاد کشورهای پیشرفته را تا یک درصد تولید ناخالص داخلی تلقی کرد و ارزیابی سهم مشاوره در تولید ناخالص داخلی ایران را برای شناخت جایگاه آن در کشور ضروری دانست. از دیدگاه موتاییان ضرورت دارد که نگاه سازمانی به مشاوره جایگزین نگاه فرایندی به مشاوره شود، بهبودهای طولانی‌مدت جای بهبودهای مقطعی و پروژه‌ای را بگیرد و مشاور به‌عنوان جزئی از سیستم در بهبود عملکرد سازمان کوشش کند. رضا پورخردمند وضعیت صنعت مشاوره مدیریت در ایران را شبیه کودکی ره‌اشده دانست که بدون طی دوره‌های بلوغ، جوانی و میان‌سالی وارد دوره کهن‌سالی و ضعف قوا شده و عملکرد چندانی برای آن متصور نیست.



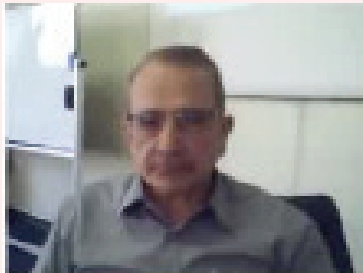
پنل دوم مشاوره با سخنرانی دکتر امیرحسین داوودیان آغاز شد. از دیدگاه او مشاوره مدیریت فعالیتی اقتصادی است که توانسته به پیشرفت اقتصاد ایران یاری رساند و به تدریج هویتی مستقل برای خود پیدا کرده است. وی از تجربیات خود در مواجهه با پدیده مشاوره مدیریت در جایگاه مشاور و موکل (کارفرما) سخن گفت و با بازخوانی تجربیات خود در همکاری با سازمان‌های گوناگون، مشاوره مدیریت را در وهله نخست نوعی عنوان شغلی و کاری با ماهیت فریلنسری (آزادکاری) دانست. از دیدگاه او مشاوران مدیریت افرادی هستند که به دلایلی مانند عدم امکان جبران مالی خدماتشان ترجیح می‌دهند به استخدام تمام‌وقت سازمان‌ها درنیایند. زمانی که اندازه پروژه از میزان مشخصی بیشتر می‌شود شرکت‌های موکل ترجیح می‌دهند با مشاوران حقوقی (شرکت‌های مشاوره مدیریت) تنظیم قرارداد کنند. امیرحسین داوودیان اذعان داشت که اگرچه در زمینه‌هایی مانند مشاوره بازاریابی شرکت‌های خوبی در ایران به وجود آمده، در حوزه مشاوره مدیریت هنوز شرکت‌های بزرگ و نامداری شکل نگرفته‌اند و فاصله ایران با کشورهای پیشرفته چشمگیر است. دکتر داوودیان در ادامه به انواع شرکت‌های مشاوره اشاره کرد و از شرکت‌های موفق جهانی مانند ارنست اندینگ، کی‌پی‌ام‌جی، دیلویت، پرایس واتر‌هاوس کوپرز، مک‌کینزی، بین‌اندکمپانی، بی‌سی‌جی و الیور وایمن نام برد. وی سپس به بررسی جایگاه



مشاوره به عنوان یک صنعت یا حرفه پرداخت.

به‌زعم داوودیان، بسیاری از قراردادهای مشاوره در ایران به دوره‌های آموزشی پیوند خورده‌اند و به‌خصوص در گذشته افرادی که به آموزش در سازمان‌ها می‌پرداختند احتمالاً با شرکت‌های کارفرما همکاری مشاوره‌ای هم می‌کردند. وی توضیح داد: در دهه‌های پیش شرکت‌های مشاوره به‌خصوص آنها که به ارائه خدمات در بخش صنعت می‌پرداختند، از وضعیت مناسبی برخوردار بودند اما در سال‌های اخیر با کم‌رنگ شدن اهمیت مدارک و گواهینامه‌هایی مانند ایزو، مشاوره سمت و سوی یک حرفه را به‌خود گرفته است و از قالب صنعت و فعالیت شرکتی خارج شده است. از دیدگاه او وضعیت صنعت به گونه‌ای است که افراد فعال مشاوره کارراهه شغلی‌ای برای خود در آن متصور نیستند.

دکتر داوودیان اشاره کرد که باتوجه به شرایط اقتصادی و اینکه سالهاست شرکت‌ها در وضعیت مدیریت هزینه به‌سر می‌برند و امکان چندانی برای رشد و توسعه ندارند، اختصاص بودجه توسط شرکت‌ها برای خرید خدمات مشاوره از نخستین موضوعاتی است که حذف و قربانی می‌شود. وی اشاره کرد که اعتماد کارفرما به مشاور اهمیت کلیدی در کسب‌وکار مشاوره دارد و زمانی امکان تداوم همکاری و اثربخشی خدمات مشاوره فراهم می‌شود که احساس نوعی از شراکت میان کارفرما و مشاور شکل بگیرد. از دیدگاه دکتر امیرحسین داوودیان، گفت‌وگوهای صنفی و به‌اشتراک‌گذاری تجربیات در توسعه مشاوره مدیریت می‌تواند بسیار کارساز باشد و زمینه رشد مشاوره را به‌خصوص برای زمانی که اقتصاد ایران مجدداً رونق بگیرد فراهم خواهد کرد.



سخنران دوم پنل دوم نشست آینده مشاوره مدیریت در ایران دکتر ابوالقاسم بازرگان بود. وی به نقش مخرب استعمار و تأثیرات آن در شکل‌گیری دیدگاه‌های فرهنگی منفی نسبت به کارآفرینی و سرمایه‌داری اشاره کرد و شرح داد که متأسفانه کارآفرینان و شغل‌آفرینان آنچنان که شایسته است در جامعه ایران مورد تقدیر قرار نمی‌گیرند. او فرهنگ مدیریتی کشور را نیز نادرست خواند و توضیح داد که در شرایط فعلی متأسفانه علم و مدیریت از هم منفک هستند. ابوالقاسم بازرگان شرح داد که ما هنوز علم مدیریت که حاصل تجربیات طولانی در جهان است را به رسمیت نشناخته‌ایم و مکرراً در حال آزمون و خطا هستیم. در عمل به دانش مدیریت بی‌اعتقاد هستیم و ضرورت دارد تا نگاه حجره‌داری را به نگاه بنگاه‌داری تغییر دهیم. وی اقتصاد ایران را در مقایسه با کشورهای پیشرفته اقتصاد کوچکی دانست و عمده بنگاه‌های خصوصی را نوپا تلقی کرد که در آنها هنوز تفکیک میان مالکان و مدیران جدی نشده است. در ادامه دکتر بازرگان توضیح داد که در شرکت‌های سهامی عام و سازمان‌های دولتی برخلاف شرکت‌های خصوصی امکان استفاده از خدمات مشاوره مدیریت بیشتر است. با این حال در این شرکت‌ها هم به دلیل طول عمر کوتاه مدیران، هدف از به‌کارگیری مشاوران عمدتاً صوری و با افقی کوتاه‌مدت است. وی بلوغ مشاوره مدیریت را در گرو تغییر ساختاری اقتصاد ایران، توسعه بخش خصوصی، تفکیک مالکیت از مدیریت و حرفه‌ای شدن مدیریت دانست.

در بخش گفت‌وگوی پنل دوم، دکتر ابوالقاسم بازرگان با تفصیل بیشتر ضرورت اصلاح ساختار اقتصادی ایران را مورد بحث قرار داد. دکتر امیرحسین داوودیان نیز به عقب‌ماندگی تاریخی مدیریت و شرکت‌داری در ایران اشاره کرد و توسعه مدیریت و مشاوره مدیریت را منوط به ارتباط و معاشرت بیشتر با فعالان مشاوره مدیریت داخلی و به‌خصوص خارجی تلقی کرد. وی از ضرورت تبدیل شدن مشاوره به کسب‌وکار به کمک فناوری نیز سخن گفت. از دیدگاه دکتر داوودیان زیرساخت و بستر آموزشی و پژوهشی نیز می‌تواند در راستای صلاحیت‌سنجی مشاوران مؤثر باشد و نهایتاً وجود تشکلهای صنفی قدرتمند و جدی در حوزه مشاوره مدیریت می‌تواند گذار از وضع فعلی به وضع مطلوب را تسریع کند. سخنران نخست پنل سوم دکتر محمد وکیلی بود. وی به تأثیر هوش مصنوعی بر مشاوره مدیریت اشاره کرد و ضرورت توجه به آن را یادآور شد. او آینده

مشاوره مدیریت را در جهان و ایران مثبت ارزیابی کرد ولی توجه به روندها را ضروری دانست. از دیدگاه دکتر وکیلی شرکت‌هایی مانند پرایس واتر‌هاوس کوپرز با سرمایه‌گذاری بر هوش مصنوعی و برنامه‌ریزی درخصوص آن در شکل‌بخشی به مشاوره مدیریت فردا نقش آفرین خواهند بود. او اذعان داشت که هوش مصنوعی جایگزین مشاوره مدیریت نخواهد شد چرا که اگرچه هوش مصنوعی در گردآوری و تحلیل داده، اطلاعات و دانش اثربخش است اما مانند انسان نمی‌تواند بینش، حکمت و خردمندی ایجاد کند. هوش مصنوعی در شرایط پیچیدگی مؤثر است اما در شرایط آشفتگی اثربخشی خود را از دست می‌دهد. از دیدگاه وی در سالیان اخیر از اهمیت ابزارهای مدیریتی کاسته شده و این حل مسئله است که اولویت یافته است. مسائل امروزی سازمان‌ها مانند گذشته مشخص و ساده نیستند بلکه ترکیبی و پیچیده هستند، بنابراین مشاوران باید درک خوبی از کسب‌وکار داشته باشند و قادر باشند نقش‌های متفاوتی به عهده بگیرند. او در پایان اشاره کرد که مشاوران آینده باید نقشه راهی برای خود طرح‌ریزی کنند و با رویکردهای جدید به ادامه فعالیت خود پردازند.

سخنران دوم پنل سوم دکتر نادر سیدکلالی بود که سخنران اختتامیه نشست نیز محسوب می‌شد. وی ضمن تشکر از استقبال و حضور گسترده شرکت‌کنندگان در نشست، در بخش نخست سخنانش به بحث درخصوص برخی از مطالب طرح شده توسط سخنرانان پیشین پرداخت. وی توضیح داد که بخش عمده آنچه به عنوان علم مدیریت مدرن در جهان امروز شناخته می‌شود حاصل مستندسازی عملکرد شرکت‌ها و مدیران موفق در کشورهای پیشرفته و تأمل درباره آنهاست، درحالی‌که در ایران ثبت علمی رویدادها و تجربیات و نظریه‌پردازی درخصوص آنها هنوز به صورت قابل توجهی تحقق نیافته است.

دکتر سیدکلالی در ادامه با اظهارات یکی از سخنرانان پیشین که مشاوره مدیریت در ایران را صنعت نمی‌دانست مخالفت کرد و توضیح داد که اتفاقاً مشاوره مدیریت هم صنعت است و هم حرفه. صنعت است چون طبق تعریف علمی صنعت، شرکت‌های مشاوره‌ای در ایران وجود دارند که محصول یا خدمت کمابیش یکسانی را تولید یا ارائه می‌کنند و صرف وجود آنها مؤید جایگاه مشاوره به عنوان صنعت است. وی شرح داد که آنچه باعث سوءتعبیر می‌شود آن است که برخلاف صنایع سودآور، مشاوره مدیریت صنعتی است که به دلیل ساختار صنعتی خاص خود که همراه با حضور رقبای بی‌شمار است و به‌نوعی در نقطه مقابل ساختار صنعت انحصاری قرار گرفته، حاشیه سود پایینی را برای فعالان صنعت به بار می‌آورد و این تصور را القاء می‌کند که صنعتی به نام مشاوره مدیریت وجود ندارد. به بیان دیگر، صنعت مشاوره مدیریت در ایران وجود دارد اما با توجه به ساختارش سودآوری ناچیز و جذابیت اندکی دارد.

در ادامه دکتر سیدکلالی به طور مفصل به تبیین تفاوت‌های شرکت‌های مشاوره ایرانی و آلمانی پرداخت و اصلی‌ترین اختلافات را به این صورت برشمرد: در شرکت‌های مشاوره مدیریت موفق اروپایی، برخلاف شرکت‌های ایرانی، مشاوران ارشد هم در زمینه موضوعی و هم صنعتی به صورت تخصصی فعالیت می‌کنند و در همه زمینه‌ها اظهارنظر و فعالیت نمی‌کنند؛ زمان اجرای پروژه‌ها سریع است و تیم‌های پروژه چابک هستند؛ در این شرکت‌ها تحقیق و توسعه برای توسعه و تقویت ابزارها و تکنیک‌های مدیریتی به صورت جدی دنبال می‌شود؛ آنها تنوع چندانی در کسب‌وکارهای غیرمرتبط ندارند و تمرکز اصلی‌شان بر همان کسب‌وکار مشاوره است؛ در پی توسعه منطقه‌ای و بین‌المللی هستند؛ همکاری آنها با دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، شرکت‌های فناوری اطلاعات و سایر شرکت‌های مشاوره گسترده است؛ نوسازی و به‌روز شدن مستمر منابع و قابلیت‌ها در آنها مشهود است، حقوق و دستمزد مشاوران بالاست و مشاوران شغل خود را تمام‌وقت در نظر می‌گیرند؛ قیمت‌گذاری خدمات مشاوره به دلیل ساختار اقتصادی مناسب و تخصص‌گرایی و تأیید صلاحیت‌های قابل اعتماد حدود و ثغور مشخصی دارد و اختلاف میان پیشنهادات قیمتی نجومی نیست؛ وصول حق‌الزحمه خدمات در چارچوب قرارداد و قانون به خوبی میسر است؛ میان دانشگاه‌ها و شرکت‌های مشاوره برای گرفتن پروژه‌های مشاوره رقابت شدید وجود ندارد چراکه هرکدام بر مأموریت‌های اصلی خود متمرکز هستند؛ و نهایتاً اعتمادسازی مبتنی بر کیفیت خدمات است نه ارتباطات فامیلی، سیاسی و وابستگی‌های مذهبی.

وی چالش‌های صنعت مشاوره مدیریت را شامل چالش‌های عرضه، تقاضا و زمینه معرفی کرد و بازیگران و ذینفعان کلیدی مشاوره مدیریت در ایران را شامل مشاوران حقیقی و حقوقی، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، موکلان و کارفرمایان (بخش‌های دولتی، عمومی غیردولتی و خصوصی)، و زمینه را شامل شرایط فرهنگی، فناوریانه، اقتصادی، سیاسی، قوانین و مقررات و ضمانت اجرایی آنها دانست. او رشد و توسعه مشاوره مدیریت را در گرو فعالیت هوشمندانه

و درست ذینفعان گوناگون و فراهم‌سازی زمینه مناسب تلقی کرد. به‌زعم دکتر سیدکلالی رشد غیراصولی تعداد فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت بدون ارزیابی‌های کیفی اصولی از جمله مهمترین مشکلاتی است که از سوی دانشگاه‌ها به وجود آمده است. وی درخصوص قانونگذاری، به تجربیات تاریخی کشورهای موفق در شکل‌دهی به صنعت مشاوره مدیریت و در زمینه موکلان به ضرورت وجود نظامی کارآمد در سازمانها برای خرید اصولی و تخصصی خدمات مشاوره اشاره کرد. دکتر سیدکلالی تأکید کرد: وجود صنعت توانمند مشاوره مدیریت می‌توانست فرصتی تاریخی در جهت تسریع توسعه ایران باشد که متأسفانه فرصت تقریباً از دست رفته است و درحال حاضر شکل جدیدی از مشاوره مدیریت در قالب اقتصاد گیگ و فریلنسری (آزادکاری) در حال پدیدار شدن است که مشخصات و ویژگی‌های متفاوتی با گذشته دارد، اگرچه این شکل از مشاوره هم از فواید و کارکردهای خاص خود برخوردار است که نیازمند توجه به‌موقع و هوشمندانه است.

در بخش گفت‌وگوی پنل سوم، پیمان عظیمی این پرسش را طرح کرد که پژوهش‌ها و آموزش‌های حرفه‌ای مشاوره مدیریت به چه میزان می‌توانند در توسعه مشاوره مؤثر باشند؟ دکتر محمد وکیلی پویایی‌های صنعت مشاوره را پیچیده دانست و رویدادهای آموزشی و تربیتی که اخیراً در زمینه مشاوره مدیریت در کشور برگزار شده است را مثبت ارزیابی کرد. دکتر نادر سیدکلالی ضمن ابراز خرسندی از پیشرفت آموزش و پژوهش مشاوره مدیریت در یک دهه اخیر، سرعت رشد آنها را کافی ندانست. وی اشاره کرد که آموزش مشاوره مدیریت در برخی از دانشگاه‌های دنیا به‌صورت دوره‌های کارشناسی ارشد یا دوره‌های حرفه‌ای برقرار است. با این وجود این خطر در کشور وجود دارد که حتی در صورت برگزاری منظم این دوره‌ها، آنها نیز مانند دوره‌های مشابه مدیریتی دچار انحراف شوند. دکتر سیدکلالی همچنین به ضرورت تقویت حرفه مشاوره مدیریت توسط انجمن‌ها و اصناف اشاره کرد و تأسیس سازمان نظام مدیریت و مشاوره مدیریت را مانند سازمان نظام پزشکی و مهندسی ضروری تلقی کرد. از دیدگاه دکتر سیدکلالی، آینده مطلوب برای مشاوره مدیریت در ایران بیش از آنکه قابل پیش‌بینی باشد، قابل ساختن است و شایسته است که همه بازیگران و ذی‌نفعان مشاوره فعالانه در این مسیر دشوار نقش‌آفرینی کنند.



در نشست مدارای رسانه‌ای و صلح اجتماعی مطرح شد:  
«هویت‌سازی» هدف اصلی فعالیت‌های رسانه‌ای داعش بود

نشست مدارای رسانه‌ای و صلح اجتماعی به میزبانی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳۱ اردیبهشت‌ماه به مناسبت روز جهانی ارتباطات و روابط عمومی در سالن ادب برگزار شد. در این نشست دکتر کامیار صداقت‌ثمر حسینی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی، بین‌المللی، و حقوقی، دکتر سیده‌زهرا اجاق، و دکتر داود مهربانی اعضای هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات به سخنرانی پرداختند.



در ابتدای این نشست دکتر مهربانی در سخنانی پیرامون «رسانه، جامعه و سلامت روان» به اهمیت نقش رسانه‌ها در سلامت روان افراد جامعه پرداخت و بیان کرد: مدارای اجتماعی نقش مهمی در تقویت و حفظ سامان اجتماعی دارد. مدارای اجتماعی می‌تواند از منابع گوناگونی تأمین شود اما یکی از منشاءهای مدارای اجتماعی را می‌توان در فضای رسانه‌ای مشاهده کرد.

وی در ادامه افزود، محتوای رسانه‌های جریان اصلی و همچنین رسانه‌های نوین با توجه به اثربخشی محتوای رسانه‌ای می‌توانند جلوه‌هایی در اجتماع ایجاد کنند که صلح اجتماعی یکی از این جلوه‌ها محسوب می‌شود. البته هنگامی که سخن از صلح اجتماعی و نقش رسانه‌ها مطرح می‌شود، ذهن‌ها به سمت خشونت‌هایی که در انواع قالب‌هایی محتوایی از رسانه‌ها منتشر می‌شوند، و این خشونت و نوع اثرگذاری آن بر مخاطب از زمان پیدایش رادیو و تلویزیون تا هم اکنون که رسانه‌های نوین و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های پیام‌رسان به بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی همه اقشار مختلف جامعه از جمله نوجوانان و جوانان تبدیل شده‌اند، همچنان یک بحث داغ است.





## منابع شناخت سازمان تروریستی - تکفیری داعش



در این نشست، دکتر کامیار صداقت‌نمر در سخنرانی خود با محوریت «تحلیل کاربرد رسانه در هویت‌سازی توسط سازمان تروریستی-تکفیری داعش» بیان کرد: برای ورود به این بحث باید در ابتدا اشاره‌ای به منابعی داشته باشیم که از طریق آنها می‌توانیم داعش را بشناسیم. به‌طور کلی سه دسته منابع برای شناخت داعش داریم. منابع بی‌واسطه که شناخت داعش توسط داعش در زمان و مکان خودش انجام می‌شود که غالب اینها رسانه هستند یا جنبه رسانه‌ای دارند. دوم، منابع باواسطه هستند. یعنی منابعی که شناخت داعش توسط دیگران را امکان‌پذیر می‌سازد. این دیگران می‌توانند دشمنان داعش باشند و یا خاطرات پناهندگان و اسیران، و سایر افراد. تفاوت‌های بین منابع باواسطه و بی‌واسطه دیده می‌شود. برای مثال، شما در منابع بی‌واسطه داعش در رابطه با برده داری، خرید و فروش زنان و کودکان ایزدی مطالبی وجود دارد. اما در مورد جهاد نکاح، مطالب فقط در مطالب باواسطه هستند و منابع داعش سکوت کامل دارند. یا مثلاً گزارش‌های متعددی در منابع باواسطه هستند از اینکه تروریست‌های انتحاری قبل از عملیات مواد مخدر مصرفی می‌کنند. اما این را در منابع بی‌واسطه داعش نمی‌بینیم. دسته سوم نیز منابعی هستند که مبتنی بر مشاهده نیستند و بیشتر استنتاج فکری و عقلی محسوب می‌شوند، که باید آنها را هم در نظر داشته باشیم. مثلاً، خصوصاً در روایت سعودی از داعش گفته می‌شود که داعش برخواسته از اخوان‌المسلمین و به‌ویژه سید قطب است. اما اگر شما به مجلات و نشریات داعش مراجعه کنید. اخوان‌المسلمین به‌عنوان مرتد شناخته می‌شوند که قتل آنها نیز جایز دانسته شده است. در رابطه با سید قطب در هیچ یک از نشریات داعش یک بار هم نام سید قطب بیان نشده، یعنی سکوت است و مرتد شناخته نشده است. تنها در یکی از منابع اولیه‌ای که داعش منتشر کرد یکبار نام سید قطب آمده و بس.

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی، بین‌المللی، و حقوقی در تقسیم‌بندی منابع بی‌واسطه داعش که در غالب رسانه‌ای قرار می‌گیرند گفت: این موارد به چهار بخش تقسیم می‌شوند که در قالب تولید محتوا عمل می‌کنند و در دو شاخه عرضه محتوا هم ارائه می‌شدند. چهار بخش تولید محتوا عبارتند از:

(۱) نشریات داعش: نشریات داعش عموماً از ۲۰۱۴ فعالیت می‌کنند. مانند الدابق، الرومیه، صوت‌الخراسان که همچنان هم هست. هفته‌نامه‌النبه که قدیمی‌ترین نشریه محسوب می‌شود و همچنان فعالیت دارد. آخرین شماره ۳۸۶ هست که به‌تازگی منتشر شده. النبیه مهمترین است و در ایران بیشترین توجه به دابق هست که ۱۵ شماره از آن منتشر و سپس متوقف شد و شماره ۱۳ به این دلیل که در ویژه‌نامه‌ای به شیعه امامیه پرداخته است، برای ما اهمیت خاصی دارد.

النبه از این بابت اهمیت دارد که سرمقاله‌های النبیه بعدها توسط خود داعش به‌صورت یک کتاب مستقل چاپ شد. یک عنوان قصه‌الشهید داشتند و به این دلیل که داعش به یک تاریخ و سابقه نیاز داشت، این بخش را هم کتاب کردند که توجه به این موارد اهمیت زیادی دارد. این رسانه‌ها فقط یک بخش از فعالیت رسانه‌ای داعش را تشکیل می‌دهند.

(۲) دومین محوری که منابع رسانه‌ای داعش تلقی می‌شود. رادیو البیان است. بخشی از فعالیت‌های رسانه‌ای داعش سرودها و رجزخوانی بود که به‌ویژه در کنش‌های جمعی ایجاد احساس می‌کرد. بخش دیگری سخنرانی‌های سران داعش بود. رابطه‌ای بین نشریات و رادیو داعش مشاهده می‌شود به‌شکلی که آنچه در مثلاً النبیه نوشته می‌شد، در البیان خوانده می‌شد و برعکس.

۳) سومین دسته از رسانه‌های داعش، انتشارات داعش در موصل بنام مکتبه‌الهمه هست. پس از تصرف موصل، همه انتشارات این شهر را به دست گرفتند و همه آثار وهابیت، یکسری پوسترها و برگه‌های تبلیغاتی نیز چاپ کردند. ۴) چهارمین منبع از منابع شناخت داعش که فوق العاده اهمیت دارد، مجموعه مؤسساتی است که به تولید فیلم‌های حرفه‌ای از فعالیت‌های جنگی و آموزشی داعش می‌پردازند. الفرقان، مرکز الحیات، اجناد و مانند اینها که عهده‌دار ساخت فیلم‌های مرتبط با داعش هستند و فردی به نام ابومحمد الفرقان مغز متفکر رسانه‌ای داعش در تولید فیلم‌های سینمایی بود و معدوم شد.

### داعش جدای از سایر گروه‌های تروریستی به رسانه نیاز داشته است

دکتر صداقت‌ثمر در ادامه به تلاش رسانه‌های داعش در هویت‌سازی میان اهالی مناطق اشغالی در دوران استقرار خلافت خودخوانده این سازمان تروریستی اشاره کرد و افزود: چهار منبع فوق از منابع شناخت داعش محسوب می‌شوند که داعش آنها را در داخل سرزمین‌های خلافت خودخوانده و خارج از سرزمین‌های خلافت خودخوانده از دو طریق منتشر می‌کرد.

وی با بیان اینکه در قلمرو سرزمین‌های خلافت خودخوانده داعش با مشکلات بزرگی مواجه بود، افزود: آنها اگرچه در ابتدا تلاش کردند از تلویزیون استفاده کنند، اما در نهایت در صدد از بین بردن تلویزیون برآمدند و در سرزمین‌هایی که به تصرف آنها درمی‌آمدند تلاش می‌کردند تا دکل‌های مخابراتی را تخریب کنند، که این دست‌آورعمل در النبه هم آمده است. بنابراین درصدد درست کردن چیزی به نام «مکان‌های اطلاع‌رسانی» برآمدند که در این مکان‌ها صدلی‌هایی می‌گذاشتند و صفحه نمایش بزرگی قرار می‌دادند که فیلم‌ها و نشریات خود را به مردم می‌دادند و پخش می‌کردند.

صداقت‌ثمر در ادامه با طرح این سؤال که داعش چه نیازی به این رسانه‌ها داشت، که به این گستردگی در همه انواع رسانه‌های شنیداری، دیداری و نوشتاری تلاش کرد که حرف اول را در گروه‌های تروریستی به خود اختصاص دهد. داعش که به‌صراحت اعلام کرده است برای خلافت نیازمند ایجاد حکومتی به شیوه محمدبن عبدالوهاب و اتباع اوست، دولت اول و دوم سعودی را مشروع می‌داند و از وهابیت نخستین دفاع می‌کند و هیچ‌جایی از ابهام در این مورد نمی‌گذارد. دولت سوم را به‌دلیل سرکوب اخوان‌التوحید در دهه ۱۹۳۰ توسط ملک عبدالعزیز مرتد می‌داند.

### داعش برای تحقق اهداف خود به استفاده از رسانه و آموزش روی آورد

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی، بین‌المللی، و حقوقی خاطرنشان کرد، داعش در عراق و سوریه ادعای وهابیت نجدی کرد. ادعای خلافت کرد، جنگ هم به‌پا کرد اما «ملت» نداشت و این برای کسی که می‌خواهد هر سه اینها را ادعا کند، مشکل بزرگی است. برای همین، روی ایجاد یک مردم خلافت متمرکز شد که از دو راه می‌توانست ایجاد کند. یکی از راه آموزش و دیگری از طریق رسانه.

وی با بیان اینکه داعش بر روی آموزش ۵۰ تا ۷۰ هزار کودک تمرکز کرد تا ملت‌سازی کند، گفت: داعش در مناطق اشغالی خود آموزش و پرورش را از هفت سالگی به پنج سالگی آورد و دوره ۱۲ سالگی آموزش و پرورش را نه سال کرد. بنابراین بچه پنج ساله را از خانواده می‌گرفت، آموزش می‌داد، تا آنها را تا ۱۳ یا ۱۴ سالگی آماده جنگ کند. درواقع، داعش به این نتیجه رسید که با بهره‌گیری از رسانه می‌تواند این روند را سرعت ببخشد.

### جبهه مقاومت به رهبری مرحوم سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نفس داعش را گرفت

صداقت‌ثمر با تأکید بر اینکه داعش در حال آموزش ۷۰ هزار کودک بود تا بتواند از آنها در جنگ‌ها استفاده کنند تصریح کرد اقداماتی که جبهه مقاومت به رهبری مرحوم سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی انجام داد، نگذاشت داعش نفس بکشد. اگر داعش نفس کشیده بود و این نسل را به روش خود پرورش می‌داد، ما با یک مشکل فوق‌العاده بزرگ مواجه بودیم. با نسلی که به تعبیر مرحوم دکتر شهیدی عقیده‌ای که با شیر مادر وارد جان شود، با مرگ از روح خارج می‌شود.

وی در پایان افزود: در مجموع اینها فعالیت‌های رسانه‌ای داعش بود که عمده تمرکز آن ایجاد یک هویت بود، و مشکل بزرگ داعش این بود که یک وصله ناجوری بود که «ملت» نداشت و مجبور بود همه این موارد را به‌کار گیرد تا بتواند خلافت بی‌نام و نشان خود را صاحب فرزندان کند که خوشبختانه به هدف خود نرسید. اگرچه، تأثیرات داعش همچنان نیازمند مطالعه است.

### رابطه متقابل فضای مجازی و صلح در جامعه



در ادامه نشست دکتر اجاق، نقطه کانونی سخنان خود را بر محوریت رابطه متقابل فضای مجازی و صلح در جامعه قرار داد. تعریف چند مفهوم، سوءاستفاده کلامی در فضای مجازی و فضای واقعی، انواع خشونت‌ها، چالش‌هایی که در این زمینه وجود دارد و در نهایت نقشی که این موارد در صلح اجتماعی دارند، بخش‌های جزئی‌تر این سخنرانی بود.

وی با بیان اینکه هنگامی که درباره رابطه رسانه و خشونت صحبت می‌کنیم نیازمند تعریف و روشن ساختن چند مفهوم اساسی هستیم این مفاهیم را شامل خشونت، سوءاستفاده کلامی، توهین، پرخاشگری، و عصبانیت دانستند. به گفته وی، خشونت زمانی است که به‌صورت خیلی جلدی و فیزیکی بروز می‌یابد، اما سوءاستفاده کلامی برعکس خشونت جنبه فیزیکی ندارد. توهین زمانی رخ می‌دهد که عمل سوءاستفاده روی فردی انجام می‌شود که آن فرد ناتوان هست و قابلیت واکنش ندارد. پرخاشگری نیز حالتی است که ما عملی را انجام نمی‌دهیم اما قصد داریم به‌نحوی واکنشی انجام دهیم و «عصبانیت» حالتی طبیعی است که در روابط بین انسان‌ها به‌وجود می‌آید. اجاق خاطر نشان کرد، وقتی این تعاریف را از هم متمایز می‌کنیم مرز سوءاستفاده کلامی از سایر رفتارها مشخص می‌شود. در قصه رسانه‌ها نیز همین بحث سوءاستفاده کلامی یا توهین کلامی است. اساساً تولیدات زبانی ما و محتوای تولیدی ما متأثر از ساختار اجتماعی و روابط انسانی است.

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات افزود: ویژگی سوءاستفاده کلامی این است که ما آن را در قالب دلسوزانه اما تحقیرآمیز بیان می‌کنیم. دلسوزانه و با احساس ترحم بیان می‌شود و عمق آن حقارت و تحقیر شمردن فرد مقابل است.

وی در ادامه با طرح این سؤال که این قصه توهین کلامی و استفاده از زبان تحقیرآمیز در فضای مجازی و رسانه‌های نوین چگونه است، بیان کرد: در فرایند اجتماعی شدن اتفاقی که رخ می‌دهد این است که کودکان در فضایی فرایند اجتماعی را طی می‌کنند که گفته می‌شود هر آنچه که ما در دنیای واقعی تجربه می‌کنیم، به فضای مجازی نیز راه می‌یابد و این تجربه در آنجا نیز تکرار می‌شود. مثلاً به اظهارنظرات منفی یا عدم اظهارنظرات می‌توان اشاره کرد که به نوع رفتار پرخاشگرانه است که به‌صورت کلامی (یا غیرکلامی در مورد عدم اظهارنظرات) در فضای مجازی رخ می‌دهد.

## امروزه خیلی از روابط ما با وساطت فضای مجازی انجام می‌شود

دکتر اجاق تأکید کرد: امروزه خیلی از روابط ما با وساطت فضای مجازی انجام می‌شود و میزان این روابط نیز حجم قابل توجهی است به گونه‌ای که از جمعیت ۸۶ میلیونی ایران بیش از نیمی از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. به‌طور کلی افراد ۱۲ تا ۱۹ ساله استفاده‌کنندگان اصلی رسانه‌های اجتماعی هستند. با توجه به اینکه این نسل بخش قابل توجهی و حتی تمام روابط خود در این فضا تجربه می‌کند، بازخوردی که در فضای مجازی در مقایسه با فضای واقعی تجربه می‌کند، بسیار کم است یا حتی وجود ندارد.

رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات بیان کرد: طبق مطالعات انجام شده به دلیل عدم وجود چنین بازخوردی، برخی اختلالات ارتباطی در جوانان و نوجوانان ایجا می‌شود که آنها این اختلالات را در دنیای واقعی بروز می‌دهند. چنین شرایطی حتی برای بزرگسالان نیز اتفاق می‌افتد که جنسیت و زمان استفاده نیز در این فرایند اثرگذار بود و این اثرگذاری در مطالعات مختلف نشان داده شده‌اند.

اجاق جامعه‌پذیری به‌عنوان یک نیاز روان‌شناسانه را فرایندی دانست که به‌صورت روندی انجام می‌شود و مختص یک دوره خاص نیست و از کودکی شروع می‌شود و تا بزرگسالی نیز ادامه دارد. در این فرایند رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ابزار ارتباطی دارای وجوه مثبتی نیز هستند. این ابزار برای افرادی که خجالتی هستند، ابزار مثبتی است که از طریق آن می‌توانند خود را بروز دهند و نظرات خود را مطرح کنند.

وی گفت، زمان استفاده از رسانه‌های اجتماعی هنگامی که نیازها و بازخوردهای مورد نظر کاربران محقق نشود، عدم محقق نشدن این نیازها خود را در فضای واقعی به دو صورت انعکاسی یا پیشگیرانه نشان می‌دهند.

به گفته وی، با ورود رسانه‌های اجتماعی بسیاری از مطالب و مسائلی که پیشتر انسان‌های مطرح نمی‌کردند اکنون از این طریق آنها را بیان می‌کنند. بیان منفعلانه برخی از این رفتارها و حالات را می‌توان در عدم اظهارنظر کردن، عدم پسند (لایک) کردن یا خارج کردن از فهرست دوستان فردی یا افرادی دانست که در دنیای واقعی با هم مشکل دارند و نمودی از این مشکل در فضای مجازی خود را نشان می‌دهد.

## آیا فضای مجازی فرصت مثبتی مانند صلح اجتماعی نیز دارد؟

اجاق افزود، با توجه به اینکه عمده مصرف‌کنندگان فضای مجازی نوجوانان و جوانان هستند، استفاده آنها از فضای مجازی امکان هدف سوءاستفاده قرار گرفتن و قلدری را نیز افزایش داده است. مطالعات گوناگونی این موضوع را نشان می‌دهند به گونه‌ای که ۸۱ درصد مشارکت‌کنندگانی در انگلیس بیان کرده بودند که در محیط مجازی راحت‌تر هستند و می‌توانند رفتارهای مورد نظر خود را آزادانه‌تر انجام دهند.

وی در ادامه با بیان اهمیت مدیریت استفاده از فضای مجازی به‌ویژه در بین نوجوانان و جوانان تصریح کرد، معهود مطالعات انجام شده در ایران، نشان می‌دهند که سوءاستفاده کلامی در ابتدا در قالب حاضر جوابی جلوه‌گر می‌شود.

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات در ادامه این پرسش را مطرح کرد که حال با در نظر داشتن جوانب منفی رسانه‌های اجتماعی، آیا فضای مجازی فرصت مثبتی مانند صلح اجتماعی نیز دارد؟



وی خاطر نشان کرد: عمده کارهای انجام شده متأسفانه تمرکز خود را بر رفتارهای خشن قرار داده‌اند. مطالعاتی که روی جنبه صلح سازی رسانه‌های اجتماعی بوده، بسیار کمتر هستند و تأکید آنها بر این است که چگونه از رسانه‌های اجتماعی که پیامدهای منفی به همراه دارند جهت صلح اجتماعی استفاده شود. مثلاً از گفت‌وگوهایی که در این بستر رخ می‌دهد اگر بتوان نقشه‌برداری کرد، می‌توان به استفاده از آنها در مسیر مثبت اقدام کرد. به گفته وی، نکته دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است، هنگامی که در مورد خشونت رسانه‌ای صحبت می‌کنیم ذهن‌ها به سمت بازی‌های اینترنتی کشیده می‌شود اما این درحالیست که مطالعات این حوزه نشان دهنده رابطه بین بازی‌های اینترنتی و خشونت نیستند. غیر از اینکه حدود نیم ساعت یا یک ساعت پس از انجام این بازی‌ها، کودکان معمولاً با صدای بلند حرف می‌زنند و یکسری رفتارهای خشن کلامی از خود نشان می‌دهند. اجاق افزود: هنگامی که بحث خشونت و رسانه‌ها مطرح می‌شود، باید به سه نوع نظریه شامل نظریه پرخاشگری، حساسیت‌زدایی و ترس توجه داشت که خود نظریه‌های پرخاشگری در چهار دسته قرار می‌گیرند. در بخش نظریه‌های حساسیت‌زدایی همان‌گونه که از نامش نیز مشخص است، حساسیت نسبت به یک مسئله که می‌تواند خشونت باشد را کاهش می‌دهد. دسته سوم نیز نظریه‌های مرتبط با ترس هستند که در دو دسته قرار می‌گیرند.

### خشونت با رسانه آمیخته شده است

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات در پایان با بیان اینکه خشونت با رسانه آمیخته شده است و عده‌ای از محققان بر مزایای مثبت و عده‌ای دیگر پیامدهای منفی رسانه‌های اجتماعی را هدف مطالعات خود قرار داده‌اند، به‌عنوان جمع‌بندی تصریح کردند آنچه که تحت عنوان سوءاستفاده کلامی در فضای مجازی می‌بینیم این است که رسانه‌های اجتماعی فرصت بروز سوءاستفاده کلامی را فراهم‌تر کرده‌اند و اشکال نوینی از آن را مشاهده می‌کنیم. در واقع، می‌توانیم بگوییم رسانه‌های اجتماعی بستری را فراهم کرده‌اند که سوءاستفاده کلامی گسترش یابد اما با این وجود و با ارجاع به سه دسته نظریه فوق‌مطالعه‌ای وجود ندارد که بتوانیم با استناد به آن بیان کنیم، سوءاستفاده کلامی انجام شده در فضای مجازی در فضای واقعی به شکلی بروز می‌یابد.



## روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی

اولین نشست از سلسله نشست همایش علمی «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» ۱۳ اردیبهشت‌ماه برگزار شد. مدیریت این نشست بر عهده دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی و ارائه دهندگان؛ دکتر سیدمحمد هادی گرامی و عبدالمجید مبلغی بودند.

### معنا و کاربرد روش‌شناسی و روش تحقیق در علوم انسانی



در ابتدای نشست دکتر مبلغی (استادیار علوم سیاسی و رئیس پژوهشکده تمدن اسلامی) با موضوع «معنا و کاربرد روش‌شناسی و روش تحقیق در علوم انسانی» سخنرانی کرد و در مقدمه سخنانش گفت: در این نشست به بررسی چند گام اصلی می‌پردازم، ابتدا روش تحقیق و روش‌شناسی تعریف خواهد شد. دو مسیر را چشم‌انداز خود در این نشست قرار می‌دهم، در یک مسیر به روش‌شناسی‌های مؤثر پرداخته می‌شود؛ سپس روش‌شناسی بومی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سرانجام به میزان بهره‌گیری از روش‌شناسی‌ها در حوزه مطالعات بومی و استفاده از روش‌شناسی گفتمان در مطالعات تمدن می‌پردازم.

دکتر مبلغی در ادامه و در تعریف روش تحقیق و روش‌شناسی گفت: بحث با تعریف روش‌شناسی و روش تحقیق آغاز می‌شود، روش‌شناسی چارچوب عقلانیت و منطق نظری است که بر دو حوزه حاکم است؛ شیوه مراجعه به داده و سطح مراجعه به داده. در سطح نخست، ما با یک منطق درونی یا منطق افقی روبه‌رو هستیم که امکان روش‌شناختی را موجودیت می‌بخشد اما، در سطح دوم روش‌شناسی در دو بعد مکانی (هم‌افقی در مواجهه با داده) و زمانی (هم‌شتابی) شکل می‌گیرد. سطح زمانی عبارت است از هم‌شتابی (از نظر زمانی) یا هم‌افق شدن در مواجهه با داده همراه با گونه‌ای کسسانی در زمان اتفاق بیافتد. در واقع به‌عنوان دارنده یک منطق روش‌شناختی باید بتوانیم از چشم‌اندازی به موضوع مطالعه‌ای که در حال انجام آن هستیم بنگریم که با اقتضاعات مطالعه هم‌زمان باشد.

روش تحقیق به مطالعه زنجیره آمادها و تدارک‌های پیش از هنگام مطالعه می‌پردازد و به توانمندی‌هایی که برای شناخت داده‌ها ضرورت دارد، معطوف است. برای نمونه توانمندی آشنایی با زبان‌های مختلف، توانمندی‌های محیطی برای شناخت داده مانند این‌که بدانیم چگونه از دایره‌المعارف‌ها استفاده کنیم. بنابراین ظرفیت‌های درونی پژوهشگر در وهله نخست و ظرفیت‌های بیرونی (توانمندی‌های محیطی) و امکان‌های پروتکلی (قوانین) که این موارد را به هم وصل می‌کند، در روش تحقیق مد نظر است. برای این اساس روش تحقیق را می‌توان این‌چنین تعریف کرد؛ هرآنچه نقش تمهیدی دارد از آشنایی با عرصه پژوهش گرفته تا دانستن زبان‌ها و پیش‌نیازهای مرتبط با پژوهش، توانمندی‌های فنی و نگارشی و صفحه‌آرایی که همچنین هرآنچه را که نقش تنظیمی دارد مانند طرح‌نامه‌نویسی، فرضیه‌نویسی، پرسش‌های فرعی و اصلی را نیز شامل می‌شود. روش تحقیق هر چیزی که نقش ابزاری دارد مانند تکنیک گردآوری داده، مشاهده، ارجاع‌دهی و تفکیک بین متن و ادبیات را نیز دربر می‌گیرد. در توضیح دقیق‌تر درباره تبیین روش‌شناسی از روش تحقیق می‌توان گفت؛ روش‌شناسی گویای عقلانیت و روش تحقیق تکنیک شیوه انجام پژوهش است. به دیگر سخن روش‌شناسی مبحثی ناظر بر حوزه آگاهی و روش تحقیق ناظر بر حوزه آمادهاست. روش‌شناسی به استراتژی‌های فکری (منطق خردنگر) مؤثر بر انجام پژوهش و روش تحقیق به تکنیک‌ها یا تاکتیک‌های (منطق کلان‌نگر) مؤثر بر انجام پژوهش ناظر است.

## شکل‌گیری روش‌شناسی

دکتر مبلغی در مبحث دوم به ویژگی‌ها، نحوه بروز و ظهور و شکل‌گیری روش‌شناسی پرداخت و گفت: روش‌شناسی‌ها الهام‌گیرانه، انعکاسی و انتقادی هستند. روش‌شناسی‌های الهام‌گیرانه و انعکاسی ارائه‌دهنده چشم‌اندازهایی برای مطالعه هستند که به دنبال مراجعه پژوهشگر به پژوهش‌های مؤثر و تاریخ‌ساز حاصل می‌شود. معمولاً روش‌شناسی مذکور به صورت پسینی دریافت می‌شود. روش‌شناسی‌ها چون دارای خط‌مشی‌های فنی در همان سطح بالا برای مراجعه به داده‌ها هستند، دارای جنبه اکتشافی‌اند. روش‌شناسی‌ها ابزار شناخت هستند یعنی به خودی خود ارزشی ندارند و کارکرد آن‌ها تبعی (پیرو) است. در این میان این پرسش مطرح می‌شود که آیا روش‌شناسی‌ها مترادف با ایدئولوژی هستند؟ در پاسخ باید گفت، روش‌شناسی‌ها ایدئولوژی نیستند بلکه آن‌ها معرف آگاهی سطح پایین‌تری از ایدئولوژی‌اند. ویژگی دیگر انتقادی بودن روش‌شناسی‌ها است. روش‌شناسی‌ها ابزارهای مؤثری برای توسعه نگرش انتقادی هستند؛ به محض این‌که نگاه پژوهشگر به روش‌شناسی، انتقادی نباشد باید مراجعه به حوزه مطالعه در قالب سنت لحاظ شود که رویکرد پاسداشتی می‌یابد. روش‌شناسی‌ها در سه‌گونه مدرن، پسامدرن و کلاسیک طبقه‌بندی می‌شوند. پژوهشگران در روش‌شناسی‌های مدرن در پی کشف واقعیت هستند؛ در روش‌شناسی‌های پسامدرن مسئله شناخت نحوه بروز و ظهور حقیقت است و موقعیت جایگزین حقیقت می‌شود. روش‌شناسی کلاسیک، به گونه دل‌داده کشف حقیقت هستند. بر این اساس به یک تیپولوژی (گونه‌شناسی) جهت ایجاد تمایز میان انواع روش‌شناسی‌ها می‌رسیم، تصور بر این است روش‌شناسی‌های مدرن بین روش‌شناسی‌های پسامدرن و کلاسیک میان‌دار هستند. در روش‌شناسی‌های کلاسیک و مدرن تقدّم و تأخر در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی طرح می‌شود؛ در حالی که روش‌شناسی پسامدرن از همان ابتدا شیوه را تغییر می‌دهد و معرفت‌شناسی را بر هستی‌شناسی مقدّم می‌داند. «چگونه دیدن» مقدم بر این است که چه چیزی وجود دارد. روش‌شناسی‌های کلاسیک و مدرن هم‌داستان هستند و در مقابل پسامدرن صف‌آرایی می‌کنند و همچنین به شیوه‌ای دیگر مدرن در مقابل پسامدرن و کلاسیک صف‌آرایی می‌کند؛ که در آن به فیزیک و متافیزیک پرداخته می‌شود. روش‌شناسی‌های کلاسیک تابعی از متافیزیک هستند، در صورتی که روش‌شناسی‌های مدرن و پسامدرن دل‌داده فیزیک هستند. بر این اساس فهرستی از روش‌شناسی‌ها ارائه می‌شود؛ بهره‌گیری از منطق ارسطو را باید ویژگی روش‌شناسی کلاسیک دانست. بهره‌گیری از منطق ارسطو را می‌توان در حوزه علوم اسلامی و مسیحی سراغ گرفت؛ مسیحی‌ها معمولاً از ارسطو (در معنای کلی آن) و مسلمانان هم از ارسطو در دو شاخه سنی و یهودی آن (ایرانی) و ابن رشدی (غرب اسلامی) پیروی می‌کنند. عمده‌ترین شاخص گونه‌شناسی‌های مدرن، روش‌شناسی پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) است. روش‌شناسی تفهیمی مانند روش‌شناسی «ویر» به بحث از سرشت تمایز آگاهی در ارتباط با قوای شناختی متفاوت آدمی می‌پردازد. در ارتباط با روش‌شناسی‌های تاریخی از رویکرد هگل می‌توان نام برد. روش‌شناسی انتقادی شامل روش‌شناسی‌هایی مانند روش‌شناسی بنیامین

است. البته مهم‌ترین مصداق روش‌شناسی انتقادی، عقلانیت ارتباطی هابرماس است که خردورزی منتشر در سپهر همگانی را در دستیابی به آگاهی لحاظ می‌کند. روش‌شناسی‌های تفسیری نوع دیگری از روش‌شناسی‌ها است که در آن شناخت در سطح مؤلف، متن و مخاطب محدود می‌شود. پدیدارشناسی یکی دیگر از انواع روش‌شناسی‌هاست که گونه‌های مختلفی دارد مانند پدیدارشناسی هایدگر. یکی دیگر از انواع روش‌شناسی‌ها روش‌شناسی زبان‌شناختی است و از جمله این روش‌شناسی می‌توان به روش‌شناسی نشانه‌شناسانه سوسور اشاره کرد. در فراز بعدی بحث به روش‌شناسی بومی می‌پردازیم. در بومی اندیشی بحث معناشناسی مطرح می‌شود. در این زمینه مطالعات فوق‌العاده مفیدی صورت گرفته و توانسته است ایجاد تحول کند و رویکردی تحلیلی، زمان آگاه و انتقادی پدید آورد. برای دستیابی به این همه این تلاش باید درکی (فهمی) از بروز و ظهور نظام آگاهی در پس آن حوزه مطالعاتی کسب کند؛ به‌عنوان نمونه در المیزان علامه، در رویکرد شیخ انصاری به دانش اصول، در رویکرد واقع‌نگر خواجه نظام‌الملک طوسی در مباحث مرتبط با سیاست‌نامه و اندیشه ایرانی، در دانش عمران ابن خلدون و در همه کتاب‌هایی که تولید محتوا فاخر داریم بختی برای درک منطق روش‌شناسی داریم.

گروه پژوهشی مدیریت  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر گزار می‌کند:

**نشست اول**

**سلسله نشست‌های همایش**  
**«روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی:**  
**گذار از داده به دانایی»**

سخنرانان:  
**دکتر سید محمد هادی گرامی**  
گذار از داده به دانایی در مطالعات تاریخی-اسلامی با تأکید بر سطوح روش تحقیق

**دکتر عبدالمجید مبلغی**  
معنا و کاربرد روش‌شناسی و روش تحقیق در علوم انسانی

مدیر جلسه:  
**دکتر فرزانه میرشاه ولایتی**

چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت: ۱۳ تا ۱۵  
حضور: سالن ادب

مجازی: <https://b2n.ir/y27721>

### دستیابی به روش‌شناسی بومی

دکتر مبلغی در ادامه سخنانش با طرح این پرسش که چگونه می‌توان به روش‌شناسی بومی دست یافت، شرح داد: زمانی که یک حوزه مورد مطالعه قرار می‌گیرد در واقع آن را به صورت یک سنت درمی‌آوریم. رویکرد مواجهه با سنت به دو صورت است: رویکرد احیاء تراث و رویکرد نگرش انتقادی. رویکرد احیاء تراث به تقلید و تکثیر منتج می‌شود. در رویکرد انتقادی دو مسئله ممکن است نتیجه شود؛ نواندیشی و روش‌شناسی. نواندیشی به این صورت است که با بهره‌گیری از سنت منطقی حاصل شود و ذیل آن پرسش‌نگرانه به مسئله مورد بررسی بازگردیم اما اگر به میراث به شیوه انتقادی بنگریم و به دنبال زایش از متن باشیم و گسترشی پایه‌ای حاصل شود، در شرایطی که روش‌شناسی بومی مدنظر باشد، با نگرش انتقادی روبه‌رو هستیم. بر این اساس می‌توانیم به ویژگی‌های روش‌شناسی بومی پردازیم، در واقع روش‌شناسی بومی حاصل مراجعه انتقادی به نظریه‌های موفق است؛ رجوع به سنت جهت ارائه چارچوب نظری در افق‌ها و سطوح جدید. ویژگی‌های روش‌شناسی بومی از این قرار است: انتقادی بودن (اجازه می‌دهد سنت از گذشته، حال و آینده انتقاد کند) و کاشفانه و شناختی بودن (آنچه را که در راستای سنت است کشف می‌کند). در این رویکرد انتقادی بودن مترادف است با پرسشگرانه بودن و شک کردن در مفروضات پیشین. بر این اساس اگر بخواهیم از میزان علامه طباطبایی منطق شناختی استنباط کنیم، شیوه معنایابی روش‌شناسی در دو حوزه از میزان حاصل می‌شود: مبنای شناخت در میزان و شیوه مراجعه معتبر در میزان. در شناخت میزان با چند مؤلفه روبه‌رو می‌شویم: وجود نفس شناسنده مستقل، وجود عین شناسایی شونده و واقع‌گرایی معرفتی. در گام نخست شیوه مراجعه به قرآن در رویکرد علامه مورد بررسی قرار می‌گیرد ذیل رویکرد عقلانی است که مراتب شناخت قرآن با دو ستون رویکرد سیاقی و رجوع به شواهد بیرونی دیده می‌شود. نکته این‌جاست که رویکرد نوآورانه علامه در زمینه رجوع به قرائن بیرونی در میان دیگر مفسران تاریخ نقش بدعت‌گذارانه دارد.

### نمونه بهره‌گیری از روش‌شناسی در مطالعات تمدنی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: یکی از بحث‌های مهم در مطالعات اسلام فهم کل‌نگر از شیوه بروز و ظهور تمدن اسلامی است، جهت گنجاندن آن در یک چارچوب. برای دستیابی به این رویکرد بسیار خطیر باید به روش‌شناسی متوسل شد. روش‌شناسی که برای نمونه ذکر می‌شود، تبارشناسی فوکو است. برای تبارشناسی تاریخ تمدن اسلام باید بر شناخت چگونگی مشروعیت یافتن نهادها متمرکز شویم. نهادهای تأسیس شده از جمله نهاد نبوت و خلافت که در پژوهشی از این دست مورد تأمل قرار می‌گیرد باید از نقطه‌نظر چگونگی شکل‌گیری مورد بررسی قرار گیرد و ذیل آن چندوچون اعمال و اظهارات گفتمان آشکار شود. توضیح بیشتر اینکه این روش‌شناسی، روش‌شناسی زبان‌شناسانه است؛ بنابراین شیوه‌های مسلمان بودن و زبان عمومی مسلمان بودن در ادوار مختلف مدنظر قرار می‌گیرد. برای بررسی این مهم باید بکوشیم تا درکی از نحوه پدیداری و اهمیت‌یابی اظهارات و آرایشی از مفاهیم مرکزی به دست آوریم و این غایتی روش‌شناسانه است. به زبان دیگر تحلیلی که با استفاده از منطق فوکو مطرح می‌شود تحلیل سازوکارهای موجود در جامعه است و برای حصول این مهم از منطق فوکو و تبارشناسی فوکو، و تحلیلی که منجر به شناسایی ساز و کارهای قدرت در تاریخ شود، استفاده می‌شود.





## گذار از داده به دانایی در مطالعات تاریخی\_اسلامی با تأکید بر سطوح روش تحقیق



در ادامه نشست دکتر هادی گرامی (استادیار و رئیس پژوهشکده مطالعات علوم قرآنی) با موضوع «گذار از داده به دانایی در مطالعات تاریخی\_اسلامی با تأکید بر سطوح روش تحقیق» سخنان خود را ارائه کرد و گفت: آشفته‌گی‌هایی در مباحث روش‌شناسی علوم انسانی با توجه به رویکردهای کمی و کیفی وجود دارد، تا حدی این آشفته‌گی‌ها در مطالعات اسلامی و الهیات نسبت به رشته‌های دیگر بیشتر است؛ بسیاری از دانشجویان و حتی استادان در مقاطع تحصیلات تکمیلی درخصوص مباحث مربوط به کاربست روش‌شناسی اتفاق نظر ندارند و این‌که دانشجویان رشته‌های مذکور، کمتر با روش‌شناسی‌های مدرن و پسامدرن روز آشنا هستند؛ یک معضل دیگر در رشته‌های مذکور این است که عده‌ی به‌دنبال فروکاستن و کم‌اهمیت دانستن این رشته‌ها به‌عنوان رشته‌های دانشگاهی هستند از این‌رو برای حل این چالش چاره‌ای جز ترسیم چشم‌اندازی اولیه از مباحث روش‌شناسی و سپس بررسی اجزای آن وجود ندارد.

دکتر گرامی ادامه داد: در گام نخست باید مطالعات اسلامی در ایران را به دو گونه تاریخی\_برون‌دینی و الهیاتی\_درون دینی تقسیم کرد. در نظر کلی به انواع علوم و راه‌های دستیابی به معرفت پرداخته شود، در مجموع می‌توان از سه گونه: «دانش‌های تجربی»، «دانش‌های «تاریخی و انسانی» و «دانش‌های «فلسفی و برهانی» یاد کرد. چنین به‌نظر می‌رسد که مطالعات اسلامی\_تاریخی و مطالعات اسلامی\_الهیاتی باید در دو گونه متمایزی از دانش‌ها طبقه‌بندی شوند. هدف دانش تجربی تبدیل داده‌های مشاهده شده به گزاره‌های علمی است که در روش‌شناسی آن بحث از نوعی استقراء خواهد شد؛ دانش‌های تاریخی و انسانی که هدف آن تبدیل داده‌های تاریخی و اجتماعی به روایت‌ها و تفسیرهاست که داده‌های تاریخی می‌تواند به‌صورت متنی یا شواهد تاریخی (مثل سنگ نوشته‌ها) نیز باشد و علوم برهانی مثل ریاضیات و فلسفه تحلیلی (منطق، کلام و اصول فقه) که روش مورد استفاده برای این موضوعات نیز منطبق می‌باشد. بر این اساس، مطالعات اسلامی\_تاریخی باید به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از دانش‌های انسانی\_تاریخی با روش‌شناسی‌های خاص خود در نظر گرفته شود؛ این درحالی است که مطالعات اسلامی\_الهیاتی از سنخ دانش‌های فلسفی و برهانی است.



اولین نکته که مطرح می‌شود تفکیک حوزه‌های دانایی و دانش از یکدیگر می‌باشد، اگر قادر به اثبات‌گرایی در علوم انسانی باشیم آن‌گونه که «آگوست کنت» مطرح کرد، این روایت (بنده) زیر سؤال خواهد رفت، که علوم برهانی و استدلالی را از سایر علوم جدا کنیم، همان‌گونه که علوم انسانی از اقتصاد، مدیریت و فلسفه جداست و نباید از روش‌شناسی‌های علوم تجربی برای علوم انسانی استفاده کرد. در مطالعات اسلامی موضوعی که خیلی مهم است خلاقیت تفسیری می‌باشد، که قدرت تفسیر و ارتباط دادن شواهد مختلف را با یک قدرت خلاقانه داشته باشید. در تحلیل استدلالی و برهانی، نیاز به خلاقیت نیست، ولی در روایت‌های تاریخی و علوم انسانی همواره نیاز به یک خلاقیت است، به این صورت که شواهد تاریخی را به یکدیگر متصل می‌کنیم تا به یک کلام روایت منتج شود، این درجه خلاقیت در علوم تاریخ‌نگاری نوین، نسبت به تاریخ‌نگاری سنتی تشدید می‌شود. ژانر تاریخ‌نگاری نوین بیشتر تاریخ‌محور است و عموماً به تاریخ اقوام می‌پردازد. نکته مهم روش‌شناسی که اینجا وجود دارد، این است که تاریخ‌نگاری سنتی بیشتر به موضوعات عینی می‌پردازد، ولی در تاریخ‌نگاری نوین قرار است تاریخ‌نگاری یک امر غیرعینی و انتزاعی باشد.

وقتی مبنا بر استفاده از امور غیرعینی است، کار بسیار پیچیده خواهد شد. در تاریخ‌نگاری کلاسیک بسیار آسان‌تر می‌توان فرضیه را طرح کرد؛ مثال اینکه فلان اتفاق در جنگ جهانی دوم رخ داده است یا خیر؟ به نقل از دروین، کار مورخان یک اقدام علمی نیست، بلکه یک تفسیر است.

چنین به نظر می‌رسد که مراحل گذار از داده به دانایی (براساس روش‌شناسی) در مطالعات اسلامی تاریخی اساساً باید براساس روش‌شناسی‌های معطوف به دانش‌های انسانی تاریخی صورت گیرد. این مراحل در تقسیم‌بندی کلی شامل: پارادایم‌شناسی، رویکردشناسی، چارچوب نظری، چارچوب مفهومی، تکنیک تحلیل متن و روش تحقیق به معنای اخص آن است.

دکتر گرامی افزود: پارادایم در کتاب‌های مختلف بسیار مورد بحث قرار گرفته است؛ مثلاً در مطالعات اسلامی، به یکسری دوگانه‌های پارادایمی اشاره شده است، یکسری از مردم در پارادایم درون دینی و یکسری در پارادایم غیردینی و آکادمیک فعال هستند. در حوزه تفسیر متن، دو کلان پارادایم وجود دارد، تاریخ‌نگاری و پدیدارشناسی. اما برای رویکردشناسی، می‌توان به‌عنوان مثال مطالعات تاریخی-اسلامی، تاریخ سیاسی، تاریخ فرهنگی را عنوان کرد. برای چارچوب نظری به‌عنوان مثال رویکرد «هنری تاچل» یا جریان‌های ایرانی اسلامی ذکر کرد؛ چارچوب مفهومی، مفاهیمی که در نظریه وجود دارد و نیاز به توضیحاتی در مورد آن است، گفته می‌شود؛ تکنیک تحلیل متن، روش معمول که بر اساس دانش زبانی و عقلانی که در مواجهه با متون به‌کار برده می‌شود را گویند. تحلیل گفتمانی، تحلیل مضمونی، تحلیل محتوا، معناشناسی ساختاری، روابط هم‌نشینی و ریشه‌شناسی تکنیک‌هایی برای تحلیل متن هستند که مورد استفاده قرار می‌گیرند. فیش‌برداری، ایده‌پردازی و سابقه پژوهش سطح دیگری از روش تحقیق (البته خردترین سطح روش تحقیق) است که همه پژوهشگران باید در مورد آن اطلاعات داشته باشند. جدول سطوح تحقیق در مطالعات تاریخی-اسلامی ضرورت دارد وقتی تحقیقی از منظر مطالعات اسلامی انجام می‌شود، حتماً باید پارادایمی داشته باشد و امکان خودآگاهی در قبال آن تحقیق ایجاد شود؛ این که بعضی ممکن است خودآگاهی داشته باشند و بعضی نه؛ اصولاً رسیدن به خودآگاهی پارادایمی بسیار مهم است. از نظر رویکردشناسی، قطعاً باید پژوهش رویکردی داشته باشد؛ و می‌تواند خودآگاه یا ناخودآگاه باشد. چارچوب نظری و مفهومی، در مطالعات اسلامی ضروری نیستند و اگر وجود داشته باشند خودآگاه هستند. تکنیک تحلیل متن ضروری است و می‌تواند خودآگاه یا ناخودآگاه باشد. روش تحقیق فی‌الامر اخص، ضروری و خودآگاه است. روایتی که در علوم انسانی وجود دارد این است که این موارد را شناسایی کنیم و نخواهیم از روش‌شناسی علوم تجربی استفاده کنیم.



## روز جهانی ارتباطات و روابط عمومی؛ ارتباطات سلامت و اهمیت آن در عصر ارتباطات و اطلاعات



دکتر داود مهرابی  
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۷ اردیبهشت‌ماه، مصادف با هفدهم ماه می به‌عنوان روز جهانی ارتباطات و روابط عمومی شناخته می‌شود. ارتباطات همواره نقش مهمی در زندگی روزمره داشته و امروزه با پیشرفت روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطات به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های موفقیت در هر جنبه از زندگی فردی و اجتماعی شناخته می‌شود.

اهمیت ارتباطات باعث توجه اندیشمندان به این موضوع شده و اگرچه ریشه چستی «ارتباطات» به پنج قرن قبل از میلاد بازمی‌گردد، اما مطالعه آکادمیک این رشته از اواسط قرن بیستم آغاز شده و تاکنون دستاوردهای گسترده‌ای به‌دنبال داشته است. از جمله این دستاوردها می‌توان به کسب جایگاه ارتباطات در حوزه سلامت اشاره کرد که امروزه به‌عنوان یک رشته دانشگاهی توان حل مسائل ارتباطی این حوزه را بیش از پیش تقویت و بر ضرورت آن تأکید کرده است.

با شکل‌گیری رشته ارتباطات تعاریف گسترده‌ای از این مفهوم ارائه شد، به‌گونه‌ای که در اواسط قرن بیستم هر یک از اندیشمندانی که خود را علاقه‌مند به حوزه ارتباطات می‌دیدند یک تعریف از ارتباطات ارائه می‌دادند. وجود ۱۲۶ تعریف در ادبیات موجود نشان از نگاه‌های مختلف به ارتباطات دارد. قرارگیری این نگاه‌های متفاوت در دو بخش همگرا و واگرا به خوبی توانسته است حوزه‌های ارتباطی مورد توافق عام و حوزه‌های ارتباطی پرچالش را مشخص کند.

ارتباطات سلامت را می‌توان در دسته‌بندی قرار داد که بافتار (Context) شاخصه اصلی آن محسوب می‌شود. در واقع، اهمیت ارتباطات در محیط‌های (بافتارهای) سلامت باعث توجه به این مؤلفه شد و محققان رشته‌های گوناگون با تمرکز بر جنبه‌های مختلف ارتباطات و اثرگذاری آن بر موضوع سلامت، گام‌های اولیه شکل‌گیری رشته ارتباطات سلامت را برداشتند.

از ابتدای تلاش‌ها برای درک اهمیت ارتباطات در سلامت، دو شاخه اصلی شامل ارائه مراقبت سلامت (Healthcare delivery) و ارتقاء سلامت (Health Promotion) مورد توجه محققان قرار داشت. در شاخه ارائه مراقبت سلامت محققان این موضوع را مورد مطالعه قرار می‌دهند که چگونه ارتباطات، ارائه مراقبت سلامت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شاخه ارتقاء سلامت محققان استفاده اقناعی از پیام‌های ارتباطات و رسانه به‌منظور ارتقاء سلامت عمومی را مطالعه می‌کنند و علاقه‌مند به مطالعه توسعه، به‌کارگیری، و ارزیابی پوشش‌های (مداخلات) سلامت اقناعی برای پیشگیری از خطرات اصلی سلامت و ارتقاء سلامت عمومی هستند. با توجه به وابستگی متقابل بین دو شاخه فوق، امروزه بسیاری از محققان حوزه ارتباطات سلامت بر ارائه هر دو شاخه مراقبت سلامت و ارتقاء سلامت تمرکز دارند.

ارتباطات سلامت در چهار دهه گذشته به‌عنوان یک حوزه مطالعات مهم در ارتباط با نقش قدرتمندی که ارتباطات انسانی و واسطه‌ای در ترویج سلامت و ارائه خدمات مراقبت سلامت ایفا می‌کردند، توسعه یافته است. این رشته، حوزه‌ای گسترده از سطوح مختلف کانال‌های ارتباطی تا زمینه‌های اجتماعی خاص را شامل می‌شود که هر یک از این حوزه‌ها از زوایای مختلف مطالعات خود را انجام می‌دهند.

سطوح اولیه تحلیل‌های ارتباطات سلامت شامل ارتباطات درون‌فردی (فرایندهای روحی و روانی درونی مانند ارزش‌ها، نگرش‌ها و عقاید)، بین‌فردی (روابط بیمار - پزشک، تبادل اطلاعات در گفتگوهای سلامت‌محور)، گروهی (تعاملات درون گروه‌های مراقبت سلامت، گروه‌های حمایتی، خانواده‌ها و سایر گروه‌هایی که تصمیم‌های مؤثر در خصوص مراقبت سلامت اتخاذ می‌کنند)، سازمانی (استفاده از ارتباطات برای هماهنگی گروه‌های به‌هم وابسته و بسیج متخصصان مختلف)، و اجتماعی (بررسی تولید، توزیع، و بهره‌گیری از اطلاعات سلامت که از رسانه‌های گوناگون با هدف ارتقاء سلامت به افراد مختلفی از متخصصان گرفته تا مردم عادی) می‌شود. زمینه‌هایی که این حوزه‌ها در آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرند نیز تنوع گسترده‌ای دارند از قبیل خانه، اداره، مدرسه، کلینک‌های درمانی و بیمارستان‌ها.

رشته ارتباطات سلامت که به‌عنوان یک رشته نوپا محسوب می‌شود و همچنان مجال شکل‌گیری و توسعه آن در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، فراهم نشده، از ظرفیت‌هایی گسترده‌ای جهت بهبود سلامت عمومی جامعه برخوردار است.

در تازه‌ترین مثال مرتبط با این حوزه، بحران کرونا نشان داد که خروجی نهایی سلامت علاوه بر نقش بی‌بدیل علوم پزشکی، به‌طور قابل توجهی نیازمند متخصصان علوم انسانی و علوم اجتماعی است. عدم درک چنین نقشی در بسیاری از جوامع باعث رشد نامتعادل مطالعات شده به‌گونه‌ای که بستر انجام مطالعات و مسیر ورود مؤلفه‌های ارتباطی، اجتماعی و انسانی سلامت به عرصه سیاست‌گذاری‌های کلان را ناهموار ساخته است.

از این‌رو می‌توان بیان کرد، توجه به رشته‌هایی مانند ارتباطات سلامت که نیاز است همگام با سایر پیشرفت‌ها به تحقیقات مرتبط با حوزه خود پردازند، می‌توانند راهکارهای علمی و عملی به چالش‌های هر حوزه را پیش از تبدیل شدن این چالش‌ها به بحران، ارائه کنند.



روز نهج البلاغه؛  
دنیای ما از نگاه امام علی علیه السلام



دکتر زینۀ عرفت‌پور  
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوزدهم ماه مبارک رمضان در تقویم ایرانیان روز نهج البلاغه نام گرفته است. نهج البلاغه که به‌عنوان تالی قرآن کریم، عصاره‌ای است از معارف گرانبقدر در باب دنیا و آخرت که از فکر و روح مبارک امیر مؤمنان بیرون می‌تراود و در یک قالب ادبی، بلیغ و هنرمندانه جان می‌گیرد.

امام علی علیه‌السلام با تأسی از قرآن کریم در بخشی از نهج البلاغه آن‌جا که ایجاب می‌کند، این‌چنین دنیا را می‌ستاید: **إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ صَدَقَ لِمَنْ صَدَّقَهَا، وَدَارٌ عَافِيَةٌ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا، وَدَارٌ غَيِّ لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا، وَدَارٌ مَوْعِظَةٌ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا. مَسْجِدٌ أَحْبَبَ اللَّهُ، وَمُصَلًى مَلَائِكَةُ اللَّهِ، وَمَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ، وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. اكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ، وَرَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ (حکمت ۱۳۱):** (دنیا سرای صدق و راستی است برای آن‌کس که به راستی با آن رفتار کند و جایگاه عافیت است برای کسی که از آن چیزی بفهمد و سرای بی‌نیازی است برای آن‌کس که از آن توشه بگیرد، و محل موعظه و اندرز است برای کسی که از آن اندرز گیرد. دنیا مسجد دوستان خدا و نمازگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی الهی و تجارت‌خانه اولیای الهی است. آنان در دنیا رحمت خدا را به‌دست آورده و بهشت را سود بردند)؛ بنابراین در بازار دنیا اگر با ایمان و تلاش از بهره‌های مادی و معنوی بهره‌مند شویم و از توانمندی خود در جهت خدمت‌گزاری به مردم استفاده کنیم، در این‌صورت دنیا جایگاهی است خوب برای تکامل‌یافتن و آماده‌شدن برای جهان آخرت، ولی اگر همین دنیا، هدف انسان شد و مانع رسیدن به خدا و خدمت‌رسانی به خلق، آن وقت است که چنین دنیایی پست است و ناپسند، زهر است و مایهٔ درد و هلاکت.

این‌جاست که امام علی علیه‌السلام با چنین دنیایی می‌ستیزد و آن را به‌شکل‌های زشتی ترسیم می‌کند، گاهی آن را به ماری تشبیه می‌کند که به‌ظاهر نرم و نگارآئین است، ولی زهری کشنده در زیر دندان دارد و گاهی می‌گوید دنیا در نظر من پست‌تر از استخوان خوکی است که در دست مردی جذامی باشد یا از آب دماغ بزی بی‌ارزش‌تر است و چون برگ بی‌ارجی در دهان ملخی است و این‌جاست که مبارزات پی‌گیر علی علیه‌السلام با دنیا به‌سختی آغاز می‌شود. دنیایی که انسان را به دام خود بیندازد و به آرزوهای دراز بفریبد و او را از خدا جدا کند، از نظر علی علیه‌السلام غیر قابل قبول و مطرود است و درباره‌اش در بخشی از نامهٔ شمارهٔ ۴۵ نهج البلاغه چنین می‌فرماید: **إِلَيْكَ عَنِّي يَا دُنْيَا! فَجَبَلِكُ عَلِيٌّ غَارِبِكُ، قَدْ انْسَلَّتْ مِنْ مَخَالِبِكِ وَافَلَتْ مِنْ حَبَائِلِكِ وَاجْتَنَبْتَ الذَّهَابَ فِي مَدَاخِصِكَ... (ای دنیا از من دور شو! زیرا من زمام تو را به گردنت انداخته، خود را از چنگ تو بیرون کشیده و از دام‌هایت گریخته و از گام نهادن در لغزش‌گاه‌های تو دوری گزیده‌ام).** در واقع امیرمؤمنان با شناخت کاملی که از باطن و جوهر دنیا دارند، اجازه نمی‌دهند در دام‌هایش گرفتار شوند و دچار لغزش و گناه شوند و در کلام خود به‌ویژه در خطبه‌ها همواره یاران و پیروان خود را از دگرگونی‌ها، ناگواری‌ها و فریب‌کاری‌های دنیا بر حذر می‌دارد تا با زر و زیور و جاه و مقام آن فریفته نشوند و در مسیر تباهی و هلاکت قرار نگیرند.

امیر مؤمنان در نهج البلاغه در باب نکوهش دنیا، بسیار زیبا و بلیغ و هنرمندانه سخن می‌گوید؛ زیرا مردم ۲۳ سال پس از وفات پیغمبر، شدیداً گرفتار و اسیر زرق و برق دنیا شده بودند، و این دست‌گره‌گشا سعی می‌کند گره‌های این کمند را از دست و پای آن‌ها بازکند. در واقع امیر مؤمنان علیه‌السلام که به‌عنوان پیشوای آزادگان خود را از بند اسارت دنیا رهانیده و در طول زندگی خود پیوسته آن را خوار و حقیر شمرده، در واقع کاملاً دنیا را طرد کرده و به‌روشنی بیان می‌کند که او را به این دنیا نیازی نیست و فریب‌کاری‌های دنیا در او تأثیری ندارد؛ زیرا آن را سه‌پلاقه کرده است: «يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أُمِّي تَعَرَّضَتْ أُمِّي إِلَيَّ تَشَوَّقَتْ لِي حَانَ حِينَكَ هَيْهَاتَ غُرَى غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ قَدْ طَلَقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا». در واقع این تعبیر پیشوای پارسایان، علی علیه‌السلام بیانگر ترک کامل دنیای مذموم و کنایه از نهایت نکوهیدگی و زشتی آن است.

با اندکی تأمل در خطبه‌های نهج البلاغه می‌توان دریافت که امام علی علیه‌السلام از طریق نکوهش دنیا و اقرار به‌زوال، بی‌ثباتی و مکر و نیرنگ آن، انسان‌ها را از دل‌بستن به دنیا برحذر می‌دارد و آنان را به ذخیره توشه برای آخرت تشویق و دعوت می‌کند و البته این هشدار و آن تشویق و دعوت در قالب تصویرهایی بسیار دل‌نشین و تأثیرگذار و با استفاده از مقایسه دنیا با آخرت، صورت می‌گیرد.

به‌عنوان مثال، امام علیه‌السلام در آغاز فراز سوم خطبه ۸۳ یا خطبه غراء ضمن توصیف هشت عیب از معایب دنیا، مردم را از آن برحذر می‌دارد و می‌فرماید: فَإِنَّ الدُّنْيَا رِنَقٌ مَشْرَبٌهَا رَدَعٌ مَشْرَبٌهَا يُونِقُ مَنظَرُهَا وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ وَضَوْءٌ أَفْلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ ... در واقع امام در وهله اول با استفاده از تعبیر «رِنَقٌ مَشْرَبٌهَا» عیب اول دنیا را مطرح می‌کند و خوشی‌های دنیا را آلوده به عوامل مصیبت‌زا به‌تصویر می‌کشد.

عیب دوم: گل‌آلود بودن محل ورود به چشمه دنیاست: رَدَعٌ مَشْرَبٌهَا. در این‌جا، محل ورود به خوشی‌های دنیا نیز پر از خاک و گل و لای توصیف می‌شود و این امر را در ذهن تداعی می‌کند که راه ورود به خوشی‌ها و لذت‌های دنیا لغزنده و موجب سقوط است.

عیب سوم و چهارم: هرچند دنیا ظاهری زیبا و شگفت‌آور دارد ولی در نهایت انسان را هلاک می‌کند: يُونِقُ مَنظَرُهَا وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا. این فراز از سخن امام علیه‌السلام ظاهر و باطن دنیا را در کمال ایجاز توصیف می‌کند: ظاهرش زیبا و باطنش هلاکت‌آور. این دوگانگی و تقابل ظاهر و باطن که در دنیا وجود دارد، به صورت‌های گوناگونی در سخنان امام علی علیه‌السلام آمده است؛ گاه دنیا را به مار تشبیه می‌کند که پوستش نرم ولی سمش کشنده است: (فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ: لَيْنٌ مَسُّهَا، وَقَاتِلٌ سَمُّهَا) و گاه به زن زیبا و آرایش کرده‌ای مانند کرده که همسرانش را یکی پس از دیگری به قتل می‌رساند.

عیب پنجم: دنیا، فریبی متغیر است: غُرُورٌ حَائِلٌ یعنی دنیا از بس متغیر و رنگ به‌رنگ می‌شود گویا حقیقت و ماهیتش فریب و نیرنگ شده است.

عیب ششم: دنیا نوری است غروب‌کننده: ضَوْءٌ أَفْلٌ. در این تعبیر نیز جلوه‌های فریبنده دنیا بی‌دوام و ناپایدار ترسیم می‌شوند.

عیب هفتم: دنیا سایه‌ای است بی‌دوام: ظِلٌّ زَائِلٌ. در این‌جا نیز دنیا به سایه‌ای مانند شده است که برای اندک زمانی می‌توان از آن سود برد و بدان‌طریق که سایه اعتباری ندارد، ناپایدار است و زوال می‌پذیرد، دنیا نیز بقا و ثباتی ندارد و از دست انسان می‌رود.

عیب هشتم: دنیا تکیه‌گاهی است کج و در شرف خرابی: سِنَادٌ مَائِلٌ. در این‌جا، دنیا در قالب ستون کجی ترسیم می‌شود که قابل اعتماد نیست و هر لحظه ممکن است فرو بریزد.

با این اوصاف، امروز که زرق و برق‌های دنیوی، بیش از گذشته انسان‌ها را فریفته خود می‌سازد، جا دارد به معارف نهج البلاغه و توصیف‌های دقیق امام علی علیه‌السلام از بی‌وفایی و زوال دنیا توجه بیشتری داشته باشیم که صد البته اکنون بیش از هر زمان دیگری به نهج البلاغه نیازمندتریم.



روز بزرگداشت خیام؛

هیچ شاعر فارسی‌زبانی به اندازه خیام مورد اقبال «جهان عرب» قرار نگرفته است



دکتر معصومه نعمتی قزوینی  
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در تقویم ما ایرانیان، ۲۸ اردیبهشت‌ماه روز بزرگداشت حکیم عمر خیام است. این قبیل نام‌گذاری‌ها، دست‌کم بهانه‌ای است برای اینکه از مفاخر ملی خود یاد کنیم و نگذاریم گذر زمان و دغدغه‌های روزمره، گرد فراموشی را بر پیشانی آنها بنشانند.

ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری، ملقب به «غیاث‌الدین» و «حجّه‌الحق» در سال ۴۳۹ قمری در نیشابور زاده شد و در ۸۷ سالگی یعنی در ۱۲ محرم سال ۵۲۶ قمری چشم از جهان فرو بست. برای خیام غیر از رباعیات، ۲۷ اثر ذکر شده که در باب موضوعانی چون ریاضیات، فلک، نجوم، طبیعیات، فلسفه و... بوده است. برخی از این آثار به فارسی و برخی به زبان عربی بوده و البته تعدادی در گذر زمان مفقود شده است. خیام بنا بر روایت بزرگانی مانند بیهقی، نظامی عروضی، خازنی و زمخشری بر زبان و ادبیات عربی تسلط کامل داشته است. مناظره خیام با امام محمد غزالی و زمخشری گواهی بر این مدعاست که زمخشری در رساله «الزاجر للصغار فی معارضه الکبار» به‌طور مفصل آن را نقل و به فضل و توانمندی خیام در زبان و ادب عربی اعتراف کرده است. از خیام حدود ۳۰ بیت شعر به زبان عربی برجا مانده است.

خیام شاعری جهانی است که آوازه‌اش شرق و غرب عالم را درنوردیده و اروپاییان از حدود ۱۵۰ سال پیش با خیام و آثار او آشنا شدند و به ترجمه و پژوهش درباره اشعار و آثار او همت گماشتند. معروف‌ترین ترجمه انگلیسی رباعیات خیام، ترجمه «ادوارد فیتز جرالده» انگلیسی است که در سال ۱۸۵۸ منتشر شد و به‌جرات می‌توان گفت، خیام شهرت خود در غرب و حتی جهان عرب را مدیون این ترجمه است. «بودنشتد» خیام‌پژوه معروف آلمانی درباره اقبال بی‌نظیر اروپایی‌ها از خیام چنین گفته است، اگر بخواهم رسالاتی را که درباره خیام نوشته شده جمع‌آوری کنم، عمرم کفاف نمی‌دهد.

بی‌شک شهرت و محبوبیت خیام در جهان عرب کمتر از غرب نیست. رابطه فرهنگی و ادبی ایران و جهان عرب، رابطه‌ای درازنای، پرفراز و فرود و پرثمر است که تا دوران معاصر هم همچنان ادامه دارد. در کنار تأثیر شاعران عرب بر شعر و ادب فارسی، ادیبان و اندیشمندان عرب نیز از روزگاران کهن با استوانه‌های ادب فارسی مانند فردوسی، عطار، سعدی، حافظ، مولوی و... آشنا بوده، از آنها الهام گرفته و در دوران معاصر نیز ترجمه‌ها و تحقیقات فراوانی را درباره آنها انجام داده‌اند.

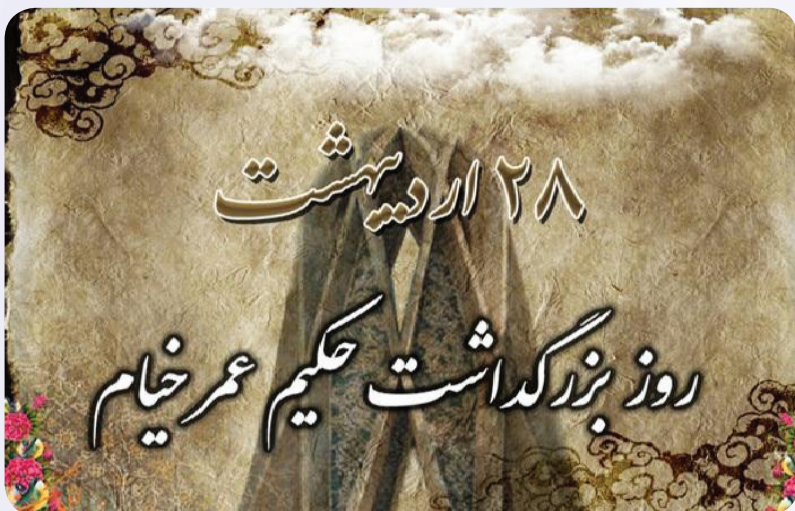
در دوره معاصر، شعر فارسی از دهه پنجاه قرن بیستم مورد توجه اندیشمندان عرب قرار گرفت. هرچند جهان عرب از دریای بیکران شعر و ادب فارسی در و گهر فراوان یافته اما جایگاه حکیم عمر خیام به واقع بی نظیر و بی رقیب است. پس از تأسیس اولین کرسی زبان فارسی در دانشگاه «عین الشمس» مصر به همت عبدالوهاب عزام و با حمایت طه حسین، اقبال استادان و دانشجویان به اندیشه و آثار خیام روزبه روز فزونی یافت. اولین ترجمه عربی رباعیات خیام توسط «احمد حافظ عوض» مصری در سال ۱۹۰۱ منتشر شد که بخشی از رباعیات را بر اساس ترجمه انگلیسی «فیتز جرالند» به نثر عربی ترجمه کرده بود. بنابراین می توان گفت، جهان عرب در آغاز، خیام را به واسطه ترجمه های انگلیسی رباعیات وی شناخت.

اسناد موجود به طور قطع نشان می دهد هیچ شاعر فارسی زبانی به اندازه خیام مورد اقبال «جهان عرب» قرار نگرفته است تا جایی که برخی او را «ولتر شرق» نامیده اند. «یوسف بکار» ادیب، محقق و یکی از خیام پژوهان برجسته جهان عرب که سالها در ایران زیسته و به زبان و ادبیات فارسی نیز مسلط است، در کتاب ارزشمند «الترجمات العربیة لرباعیات خیام» آماری را از ترجمه رباعیات خیام به زبان عربی تا سال ۱۹۸۸ ارائه می دهد. به گفته «بکار» تا تاریخ مذکور بیش از ۹۰ ترجمه (اعم از شعر و نثر) از رباعیات خیام به زبان عربی صورت گرفته و بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب و صدها مقاله علمی درباره خیام به رشته تحریر درآمده است. یکی از معروف ترین ترجمه های عربی رباعیات خیام، ترجمه «احمد رامی» مصری است که ترجمه ای موزون، دقیق و هنرمندانه بوده و نقش بسیار مهمی را در معرفی خیام به جهان عرب داشته است. افزون بر این شخصیت و شعر خیام به عنوان دست مایه ای برای اشعار فصیح و عامیانه، آواز، داستان نویسی و فیلم سازی نیز مورد توجه هنرمندان عرب قرار گرفته است.

در مورد افکار فلسفی وی نیز دانشمندان و صاحب نظران بسیاری اظهار نظر کرده اند که در این بین برخی افکار او را انکار کرده و برخی از مؤیدان افکار فلسفی وی هستند. «عباس محمود العقاد» از ناقدان برجسته عرب درباره خیام می گوید: به خدا در مورد تو ستم کرده اند که تو را به تصوف و تناسخ ارواح متهم کرده اند. «احمد صافی النجفی» ادیب مشهور عراقی نیز درباره سوء برداشت از افکار خیام می گوید، هنگامی که دیدم خوانندگان از افکار و اندیشه های خیام برداشت اشتباه و غلط دارند، از چاپ مجدد رباعیات وی جلوگیری کردم. «طه حسین» ادیب مشهور مصر نیز می گوید، اطلاع ما از ادبیات ایران بسیار محدود بود اما هنگامی که با خیام از طریق ترجمه آشنا شدیم، ما را از شناخت کل ادبیات ایران بی نیاز کرد.

اما درباره اثرپذیری خیام از شعر و ادب عربی باید گفت، در منابع کهن آشکارا به اثرپذیری خیام از شعر و ادب عربی اشاره نشده اما شواهدی وجود دارد که مؤید این امر است. «یوسف بکار» در این باره می گوید، خیام تحت تأثیر برخی شاعران عرب مانند ابونواس، ابوالعتاهیه، بشاربن برد، ابن رومی و ابوالعلاء معری بوده است. در این میان اثرپذیری خیام از ابوالعلاء معری (شاعر و فیلسوف نابینای عرب در قرن چهارم و پنجم هجری) بیش از دیگران مطرح شده و مورد توجه محققان ایرانی (علامه محمد قزوینی، حسین خطیبی نوری، عباس اقبال، جلال همایی، حسین دانش، حسین شجره، محمدمهدی فولادوند، سعید نفیسی، فروزان فر، عبدالحسین فرزاد و...) و محققان عرب (احمد صافی النجفی، غنیمی هلال، عمر فروخ، حامد صراف، ودیع البستانی، حنا الفاخوری، امین الریحانی، هندای، مصطفی لطفی منفلوطی، ایلیا ابوماضی، محمدالسباعی، احمد شنتاوی و...) قرار گرفته و پژوهش های فراوانی پیرامون آن صورت گرفته است. در هر صورت

با اینکه تأثیرپذیری خیام از اندیشمندان و شاعران عرب چندان هم بعید نیست، اما بی شک اثرگذاری او بر آنها (حتی به اذعان پژوهشگران عرب) بسیار گسترده تر و عمیق تر به نظر می رسد و این مسئله تا حدی است که جایگاه بی رقیبی را برای خیام رقم زده و او را به معروف ترین و محبوب ترین سفیر فرهنگی ایران زمین در جهان عرب مبدل ساخته است.





## هشتم شوال ۱۳۴۴ هجری قمری؛ سالروز تخریب قبور مقدس بقیع (روز ویرانی)

هشتم شوال ۱۳۴۴ هجری قمری، به عنوان سالروز تخریب قبور مقدس بقیع (یوم الهدم) در تاریخ ثبت شده است که به همین بهانه متنی در وبگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر می‌شود.

قبرستان بقیع (به عربی: مقبره البقیع)، آرامگاهی در شهر مدینه، عربستان است که تعداد زیادی از اهل بیت و صحابه پیامبر اسلام (ص) از جمله چهار تن از امامان شیعه (امام حسن مجتبی (ع)، حضرت سجاد (ع)، حضرت محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع)) در این مکان به خاک سپرده شده‌اند.

وهابیان در هشتم شوال سال ۱۳۴۴ هجری قمری، حرم امامان بقیع را ویران کردند. این روز به «یوم الهدم» (روز ویرانی) مشهور است. تخریب بناها در بقیع توسط جریان وهابیت در عربستان سعودی برای از بین بردن اماکن زیارتی بود. تا آن زمان بر روی مقبره پیشوایان و سایر بزرگان اسلام که در مدینه مدفون بودند، گنبدها و بناهایی قرار داشت. پس از تسلط وهابیان بر مدینه آن‌ها ضمن تخریب قبور آثاری که بر روی قبور قرار داشت را نیز از بین بردند. بقیع اولین آرامگاهی است که به دستور رسول اکرم (ص) توسط مسلمانان صدر اسلام ایجاد شد. ابن اثیر می‌گوید: «بقیع در لغت به محل وسیعی که دارای درخت یا ریشه درخت باشد، گفته می‌شود». همچنین بقیع علاوه بر اینکه مدفن چهار امام مظلوم شیعه است، مدفن چند تن از همسران پیامبر (ص) است. همچنین مزار عباس عموی پیامبر و فاطمه بنت اسد؛ مادر حضرت علی ابن ابی طالب، حضرت ام البنین؛ مادر حضرت ابوالفضل العباس (ع) و برخی دیگر از بزرگان اسلام در قبرستان بقیع قرار دارد.



## اجرای طرح «صد مفهوم ارتباطی»

اجرای طرح «صد مفهوم ارتباطی» با هدف معرفی مفاهیم جدید ارتباطی و تأمل بیشتر درباره مفاهیم ارتباطی پیشین توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات آغاز شد.

طرح «صد مفهوم ارتباطی» بر پایه اهمیت مفاهیم به‌عنوان ابزار تفکر پژوهشگران بنا شده است و به‌دنبال این است که در بستر تغییرات سریع رسانه‌ای و همچنین میان رشته‌ای شدن فضای علمی، متونی راه‌گشا و روشنگر برای پژوهشگران، دانشجویان و محققان حوزه علوم ارتباطات اجتماعی ارائه کند.

این طرح در دو محور به مفاهیم ارتباطی می‌پردازد، نخست به‌دنبال «طرح مفاهیم جدید ارتباطی» است؛ چرا که سرعت تحولات رسانه‌ای در عصر دیجیتال زمینه‌ساز طرح مفاهیم جدیدی شده است که پیش از این وجود نداشته یا صورت‌های جدید مفاهیم قبلی هستند، معرفی این مفاهیم می‌تواند زمینه‌ساز آشنایی و استفاده آنها توسط محققان ارتباطی باشد، البته در این میان برخی از حوزه‌های جدید مطالعات ارتباطی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. علاوه بر این به‌دنبال «طرح جدید مفاهیم ارتباطی» است، در این محور به مفاهیم آشنا و پرکاربرد در حوزه ارتباطات پرداخته خواهد شد و تأکید اصلی بر وجوه شباهت و تمایز این دسته از مفاهیم با سایر مفاهیم مشابه است.

گفتنی است که این طرح با همکاری همه اعضای هیأت علمی پژوهشکده انجام می‌شود و به‌طور مستقیم پیوند <https://www.ihcs.ac.ir/communication/fa> قابل دسترسی است.

### انتصاب

دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه؛

دکتر سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده را به‌عنوان «سرپرست پژوهشکده تاریخ ایران»،

دکتر امیر اعتمادی را به‌عنوان «سرپرست مدیریت نشر آثار علمی پژوهشگاه»،

دکتر سیدمحمد هادی گرامی را به‌عنوان «سرپرست پژوهشکده مطالعات علوم قرآنی»،

دکتر عبدالمجید مبلغی را به‌عنوان «سرپرست پژوهشکده تمدن اسلامی»،

دکتر فریبا السادات محسنی‌سهی را به‌عنوان «سرپرست پژوهشکده علوم سیاسی»،

دکتر فاطمه طاهرخانی را به‌عنوان «سرپرست پژوهشکده انقلاب اسلامی»،

دکتر محمدحسین رجبی دوانی را به‌مدت دو سال به‌عنوان رئیس «کمیسیون تخصصی دین و فلسفه»،

دکتر مهسا ویسی را به‌عنوان «سرپرست گروه پژوهشی تاریخ فکری و فرهنگی ایران»،

دکتر صفورا برومند را به‌مدت یک سال به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران»،

و دکتر علی سالاری شادی را به‌مدت یک سال به‌عنوان «مدیر گروه پژوهشی تاریخ سیاسی ایران»

منصوب کرد.

معرفی مشاهیر پژوهشگاه (۳)؛

## استاد فقید دکتر سیدمحمد دامادی، خدمتگزار دیرین ادب و فرهنگ فارسی



بزرگداشت و معرفی اندیشه و افکار مفاخر و مشاهیر یک سازمان از ابعاد و زوایای مختلفی دارای اهمیت است. از یک جهت مفاخر و استادان برجسته یک سازمان آینه تمام‌نمای هویت و تاریخ آن سازمان بوده و یکی از بهترین و معتبرترین منابع برای آشنایی و شناساندن پیشینه و فعالیت‌های متنوع و گسترده یک نهاد است. از جهتی دیگر، این موضوع با شکل‌گیری هویت و خودباوری در یک سازمان در سطح ملی و بین‌المللی و در نسبت با سایر نهادها و سازمان‌ها، ارتباطی بنیادی دارد. در واقع شناخت و معرفی این مفاخر، ظرفیت‌های جدیدی را ایجاد می‌کند، فرهنگ و ارزش‌های سازمانی تقویت شده و زمینه‌های توانمندسازی اعضا و بسط و گسترش فعالیت‌های یک سازمان فراهم می‌شود. تکریم مفاخر اهمیت بالایی در الگوسازی برای نسل جوان و هدایت آنان به سمت اهداف و ارزش‌های متعالی سازمان دارد. نسل جوان پژوهشگران و اعضای پژوهشگاه با شناخت و الگوگیری از آنان می‌توانند در ارتقاء و اعتلای جایگاه پژوهشگاه به شکلی مؤثرتر به ایفای نقش پردازند. از بعدی دیگر، این امر نشان‌دهنده توجه و پاسداشت مقام این نخبگان توسط مسئولان سازمان و عدم فراموشی و غفلت از آنان است که منجر به شکل‌گیری عمیق‌تر احساس تعلق خاطر به سازمان و رضایت بیشتر، نه تنها در این نخبگان بلکه در نسل‌های بعدی می‌شود. بر این اساس معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه در نظر دارد به منظور پاسداشت مقام مشاهیر و نخبگان علمی و فرهنگی پژوهشگاه به معرفی آنان در قالبی جدید پردازد. هرچند به مناسبت‌های مختلف و در زمان‌های گذشته برنامه‌هایی بدین منظور برگزار شده و یا یادداشت‌هایی در تجلیل از مقام این مفاخر پژوهشگاه نگاشته شده است، اما به هر تقدیر کاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد که تلاش می‌شود با برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و در خور شأن این سرمایه‌های ارزشمند و گران‌بها، در قالبی تازه ابعاد دیگری از حیات آنان همچون خاطراتی از ایام زندگانی و تحصیل، دوران مختلف فعالیت‌های علمی و پژوهشی و... علاوه بر معرفی افکار و اندیشه‌های آنان برای مخاطبان و علاقه‌مندان بازگو شود.

در گام‌های پیشین این مسیر، به زندگانی استادان برجسته پژوهشگاه، دکتر تقی پورنامدیریان و دکتر ناصر تکمیل همایون پرداخته شد و سومین گام به ادوار مختلف حیات استاد فقید برجسته زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه، دکتر سید محمد دامادی و منظومه فکری ایشان اختصاص دارد. یادآور می‌شود دکتر سیدمحمد دامادی روز ۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۶ در جریان سانحه رانندگی در جاده تهران- اصفهان چشم از جهان فروبست و در باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

## نگاهی به زندگی مرحوم دکتر سید محمد دامادی

و این جهان گذرنده را خلود نیست و همه بر کاروان گاهیم و پس یکدیگر می‌رویم و هیچ کس را اینجا مقام نخواهد بود، چنان باید زیست که پس از مرگ دعای نیک کنند... (بیهقی، ۱۳۷۱: ۴۶۶)

### زندگینامه

سید محمد دامادی روز بیست و پنجم ماه آبان سال ۱۳۲۰ هجری شمسی در جمع خانواده‌ای اهل ایمان و زهد و پارسایی متولد شد. پدرش آسید صدرالدین از فامیل «دامادی» بود. سید محمد قبل از دبستان به مکتب‌خانه رفت و الفبای فارسی را همراه با دو جزء آخر قرآن کریم فراگرفت. سپس دوره دبستان را طی کرد و دبیرستان را با احراز رتبه اول رشته ادبی در استان اصفهان به پایان برد.

### مدارس علمیه

سیدمحمد، به موازات تحصیل در مدارس جدید، در مدارس علمیه قدیم اصفهان مانند نیم‌آورد، صدر، کاسه‌گران و جده به تحصیل علوم ادبی (صرف و نحو، ادبیات عرب و بیان)، منطق و حکمت از کتاب‌های رایج زمان پرداخت. وقت حضور در این کلاس‌ها برای سیدمحمد تابستان‌ها میسر بود و درس‌ها را از مقدماتی تا مغنی و مطول و اسفار صدرا و شرح منظومه حکیم سبزواری نزد استادان آن عصر در اصفهان خواند که در علم و عمل و تقوا و ورع زبانزد بودند، از جمله: سید محمدرضا داماد، عم بزرگوار وی که حکیمی - عارف با خصایل انسانی ستوده بود؛ آسید ابوالحسن کتابی؛ مرحوم امیر سید محمد اخوی؛ روانشاد «شیخ محمدباقر الفت» و «حاج آقا رحیم ارباب» که از ارباب تجرید و مستغرق در توحید بودند.

### دوره دانشگاهی

سیدمحمد دامادی، در تیرماه سال ۱۳۴۱ ه.ش. مدرک لیسانس رشته زبان و ادبیات فارسی را از دانشسرای عالی دریافت کرد و کسوت معلمی در بر کرد و پنج سال را در دبیرستان‌های اصفهان به‌ویژه دبیرستان ادب به تعلیم دانش‌آموزان پرداخت. پس از آن با انتقال به تهران ضمن خدمت آموزشی، ادامه تحصیل خود را در مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) زبان و ادبیات فارسی پی گرفت و با درجه ممتاز این دوره را در سال ۱۳۴۷ تمام کرده و در ۱۸ شهریورماه سال ۱۳۴۹ از پایان نامه خود با عنوان «تحقیق و تتبع در اسرار التوحید» دفاع کرد و موفق به اخذ مدرک دکتری شد. در این مقطع تحصیلی نیز رتبه اول را در میان همگنان خود کسب کرد.

### تدریس در دانشگاه

دکتر سیدمحمد دامادی، تدریس در دانشگاه را از دانشگاه تهران به صورت حق التدریسی آغاز (۱۳۴۸ - ۱۳۴۹) و از سال ۴۹ (پایان اسفندماه) تا سال ۵۶ (پایان اردیبهشت) به‌عنوان استادیار در دانشگاه‌های اصفهان و اهواز تدریس کرد. از سال ۵۶ تا ۶۷ در مقام استادیاری در دانشگاه اصفهان به کارش ادامه داد و از سال ۶۷ به درجه استادی نائل آمد. دکتر دامادی از دهه ۶۰ به بعد، مدتی به تدریس زبان و ادبیات فارسی به رشته‌های ادبی و غیرادبی در چند دانشگاه پرداخت: «دانشگاه اصفهان»، «دانشگاه تهران»، «دانشگاه سیستان و بلوچستان» (زاهدان)، «دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)» (قزوین) و چند دانشگاه و دانشکده تهران و شهرهای دیگر. وی مدتی طولانی نیز در دانشگاه آزاد اسلامی ورامین (پیشوا) تدریس کرد. علاوه بر این، در همین دوره، سال‌هایی درازتر را به تدریس و پژوهش در «موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی» با نام بعدی «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» نیز مشغول بود. استاد دامادی تا آن هنگام که رخت از جهان بریست، همچنان بر جایگاه معلمی در دانشگاه نشست. وی به مدت یک سال (۱۳۵۶-۱۳۵۷) به‌عنوان استاد مدعو در دانشگاه دورهام انگلیس به تدریس و تحقیق پرداخت. همچنین سال‌ها بعد به مدت دو سال (از بهمن ماه سال ۱۳۷۸ تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۰) در دانشگاه بارسلونای ایالت کاتالونیای اسپانیا استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی را عهده‌دار بود.

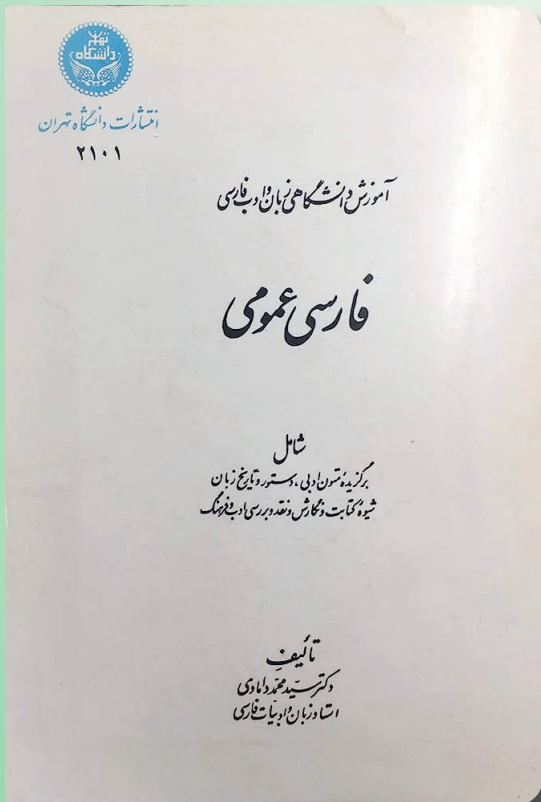
دکتر سیدمحمد دامادی روز ۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۶ در جریان سانحه رانندگی در جاده تهران- اصفهان چشم از جهان فروبست و در باغ رضوان اصفهان به خاک سپرده شد.

## نگاهی به گزیده‌ای از آثار استاد دامادی

مکتب عشق بماناد و سیه حجره علم که در آن بود اگر کسب کمالی کردیم

حاصل زندگی او بر این باور بود که «نه به خود رفته‌ام این راه چه نیکو و چه زشت» و جز حواله‌ی یزدانی چیزی دیگر نبوده است. استاد دامادی در طول چهل و پنج سال فعالیت علمی علاوه بر تدریس مستمر به دانشجویان دانشگاه‌های کشور، موفق به تألیف و تصحیح متون و ترجمه و نگارش و انتشار بیست مجلد کتاب شد و همچنین بیش از ۱۲۰ مقاله ایرانی علمی، ادبی و پژوهش در زمینه‌های گوناگون زبان و ادب فارسی، فرهنگ و معارف اسلامی و علوم انسانی از او به یادگار مانده که در مجله‌ها و فصلنامه‌های معتبر داخل و خارج از کشور به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و اسپانیایی چاپ شده است. از جمله آثار ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱۳۵۰) جرعه‌ای از زلال، برگزیده‌هایی از آثار منظوم و مثنوی فارسی، تهران: سکه (چاپخانه‌ای)
- (۱۳۵۱) تحفه الاخوان در بیان اصول فتوت و آداب فتیان، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۵۵) تنوع مضمون در سبک هندی، تهران: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- (۱۳۶۷) شرح بر ترکیب بند جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی در ستایش رسول اکرم (ص)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- (۱۳۷۰) تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان، تألیف کمال الدین عبدالرزاق کاشانی، با مقدمه و تصحیح و تعلیق، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- (۱۳۷۰) حکایت اشرف خان و سرگذشت سه درویش با مقدمه و تصحیح، تهران: انتشارات پازنگ
- (۱۳۷۱) المسائل، از محیی الدین بن عربی با مقدمه و تصحیح و تعلیق، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- (۱۳۷۱) تهذیب الاخلاق از یحیی بن عدی بن حمید بن زکریا با مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- (۱۳۷۲) ابوسعیدنامه زندگی نامه ابوسعید ابوالخیر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- (۱۳۷۳) الادب والمروء از صالح بن جناح، با تحقیق در فراز و فرود فتوت و جوانمردی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- (۱۳۷۵) ترجمه برگزیده آثار در قلمرو نقد ادبی، اثر تی اس الیوت، تهران: انتشارات علمی
- (۱۳۷۵) شرح بر مقامات اربعین یا مبانئ سیر و سلوک عرفانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- (۱۳۷۹) شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت: تحلیل عشق و علم و عرفان همراه با شرح و تفسیر منتخب مثنوی، تهران: نشر دانا
- (۱۳۷۹) مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- (۱۳۸۱) «گزارش زندگی در اسپانیای اسلامی» اثر خسوس گروس توضیح دکتر سید محمد دامادی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- (۱۳۸۲) «زنان و مردان بزرگ، از لیسلی لویت، به همراه به بزرگی چیست و بزرگ کیست؟» نگارش و ترجمه، تهران: نشر عرفان
- (۱۳۸۳) اسطوره سیاسی از هنری تودر، با مقدمه و ترجمه و توضیح دکتر سید محمد دامادی، موسسه انتشارات امیرکبیر
- (۱۳۸۳) فرهنگ تحقیق، پژوهش و نگارش، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (واحد ورامین)، تهران.
- (۱۳۸۴) فارسی عمومی (آموزش دانشگاهی زبان و ادب فارسی) انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم



آثار یادشده، بی تردید گواهی است بر توانایی گسترده مؤلف و مترجم در شناسایی بخش‌هایی در خور توجه از سنت‌های ادبی و عرفانی و فرهنگی ایرانی و اسلامی. این آثار، چه به لحاظ محتوا و چه از نظر زبان، آغشته و آمیخته با شعر و نثر قدیم فارسی و عربی است. دامادی با اعتماد به نفسی بسیار نمایان در راه «درج و اقتباس» نمونه‌های متقدم ادب و فرهنگ پارسی و تازی، حد و مرزی نمی‌شناسد. این درج و اقتباس اغلب در خدمت نوعی حکمت‌اندیشی حسرت‌آمیز قرار دارد و با تأکید بر تعالیم اخلاقی در سراسر هر نوشته همراه است. چکیده سخن او را در دیباچه‌های این آثار می‌توان یافت. این دیباچه‌ها، در مجموع، شکلی خطبه‌وار دارد و از بیان برخی ماجراهایی که در زمینه‌های فرهنگی و شخصی بر مؤلف و مترجم گذشته است، تهی نیست. نیز، هر دیباچه با عبارت‌هایی دعایی آغاز می‌شود و پایان می‌پذیرد. نفوذ و تأثیر نوع زبان و شیوه نگارش برخی پژوهندگان و استادان سنت‌گرا، مانند بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۳۴۹-۱۲۷۶) به ویژه در شرح مثنوی شریف (۳، ج، ۴۸-۱۳۴۶) بر بخش عمده‌ای از این آثار بسیار چشمگیر است. این نفوذ و تأثیر در دیباچه‌های مورد بحث، بیش از بخش‌های دیگر آشکار است. با این همه، دامادی در تألیف این آثار، به مخاطبان گسترده آثار ادبی قدیم نظر چندانی ندارد. زیرا او تنها در یکی از آثار خود به مثنوی معنوی می‌پردازد و از شرح و تحلیل شاهنامه، گلستان، بوستان، دیوان حافظ و خمسه نظامی و آثار عطار، خاقانی، ناصر خسرو، بیهقی و دیگران، یعنی متن‌های اصلی ادب قدیم چشم می‌پوشد. موضوع سخن برای وی، اغلب، متن‌های ناشناخته یا کمتر شناخته ادب و عرفان ایرانی و اسلامی است. اما این متن‌ها، در واقع بیشتر انگیزه یا بهانه‌ای است که مؤلف و مترجم را به بیان و گردآوری نکته‌ها و توصیه‌های اخلاقی و حکمی و عرفانی کشانده است. از اینرو آنچه برای دامادی اهمیت عمده‌ای دارد، نه خود ادبیات، بلکه نتیجه و حاصلی است که باید از ادبیات به دست آید. به بیان دیگر، وی به دنبال «معنا» است و نه «صورت». پس، از نکته‌ها و تحلیل‌های جدید ادبی یا تاریخ ادبی با فرهنگی در تألیف‌ها و ترجمه - تألیف‌های دامادی کمتر خبری دیده می‌شود. اما در مقابل، آثار مورد اشاره به دلیل وسعت اندوخته‌ها و دانسته‌های مؤلف و مترجم، برای جویندگانی که به دنبال آموزش‌های غیر لفظی‌تر در ادب و فرهنگ سنتی‌اند، و علاقه‌مندند تا ذوق و ذهن خویش را از گنجینه نظم و نثر فارسی و تازی پرباری بخشند، بسیار دلپذیر جلوه می‌کند.

دامادی در بخشی از آثار خویش به آثار ادبی و فرهنگی جدید فارسی و فرنگی توجه کرد. او گذشته از ترجمه منتخبی از مقاله‌های تحلیلی و انتقادی تی اس الیوت (۱۹۶۵-۱۸۸۸ م) به فارسی - که از آن میان، چند مقاله بیشتر به قلم مترجمانی دیگر جامه فارسی پوشیده بود - در فارسی عمومی خویش، به گستردگی، و حتی شاید بتوان گفت به دلیری، برای آموزش ادب فارسی به رشته‌های غیر ادبی، سیر آموزش را به خلاف شیوه رایج در ایران، از ادب جدید به سوی ادب قدیم قرار داد. یعنی دانشجو ابتدا با آثار محمدعلی جمال‌زاده، ملک‌الشعرا بهار، صادق چوبک، مهدی اخوان ثالث، عبدالحسین زرین‌کوب، نیما یوشیج، ایرج میرزا، جلال آل‌احمد، سیاوش کسرای، صادق هدایت و دیگران آشنایی می‌یابد و سپس، در و میانه کتاب، به تدریج نمونه‌هایی از آثار شاعران و نویسندگان قدیم‌تر، از دوره قاجار تا عهد نخستین شعر و نثر فارسی، یعنی در دوره سامانی، پی گرفته می‌شود. اما حتی در این مرحله نیز متن‌های قدیمی‌تر ادبی در کنار تحلیل‌ها و دریافت‌های منتقدان و پژوهندگان ادبی عصر ما درباره این متن‌ها قرار می‌گیرد.

توجه گسترده مؤلف به ادب دوره معاصر در فارسی عمومی‌اش، آن هم در سال ۱۳۷۰، مورد استقبال علاقه‌مندان ادب معاصر قرار گرفت و در مقابل، ناخوشنودی و حتی انتقادهای تند برخی از تکاپوگران سیاسی - ایدئولوژیک آن دوره را برانگیخت. اما این اثر با چاپ‌های مکرر به خوبی جای خود را در میان علاقه‌مندان ادبی یافت و به احتمال به شناخته‌شده‌ترین اثر مؤلف تبدیل شد.

فرازهایی برگرفته از نوشته استاد دامادی دربارهٔ مأموریت در دانشگاه بارسلونا استاد دامادی در شرح مأموریت کاری خود برای تدریس زبان فارسی در دانشگاه بارسلونا که خود نوشته‌ای آموزنده و نشان از اخلاق و مرتبهٔ استادی او دارد، چنین می‌نویسد:

«تنها با برخورداری از عنایات یزدانی و الطاف سبحانی بود که این خدمتگزار دیرین ادب و فرهنگ توانست وظیفه‌ای چنین مهم را با توفیق و سرافرازی به پایان رساند.

آن را که دل از عشق، پُر آتش باشد هر قصه که گوید، همه دلکش باشد

از آنجا که اسلام را نه در تهدید، بلکه در تسلیم دانسته‌ام در این مدّت با در پیش گرفتن روش پایداری و استواری بر سر اصول و نه مجادله و یا معارضه - چنان که پیش از من بوده است - به لطف خداوند رفتار کرده‌ام.

بجا است که شکر خدای را بر زبان آورم که هرچند به سخت جانی‌ام این گمان را نداشتم، توانستم شب‌های هجران را بگذرانم و زنده مانم و در طی مدت مأموریت از بام تا شام و پاسی از شب گذشته جانانه و مردانه کار کنم و با تدریس زبان و آموزش ادبیات فارسی در اشاعه و گسترش ادب و فرهنگ ایرانی به سهم خود در گوشه‌ای از جهان به انجام وظیفه پردازم و فروغ معرفت را در زبان و ذهن فارسی‌آموزان دانشگاه بارسلونا روشن سازم و افروخته نگاه دارم و از بامداد تا شامگاه به‌طور منظم در دفتر کار خویش در دانشگاه حضور یابم و همچون هنرمند و بازیگری که هر ساعت از روز را به ایفای نقشی متفاوت از دیگر ساعات مشغول است، شادمانی و سرفرازی خود را تنها و تنها در صفای معاملات با خالق و خدمت بی‌آلایش و انجام وظایف دانشگاهی بیابم.

در این مدت در یادگیری زبان و فرهنگ اسپانیولی لحظه‌ای درنگ نکردم. سه کتاب مهم و بنیادی آموزشی را از آغاز تا پایان با دقت علمی و مبتنی بر تجارب زبان‌آموزی نزد زبان‌دانان آن دیار آموختم و دو کتاب دیگر را به‌طور جنبی خود مطالعه کردم. از مراجعه به منابع و مآخذ و فرهنگ‌ها و استفاده از کارافزارهای نوین یادگیری زبان بهره بسیار برگرفتم. کوشیدم فارسی را به اسپانیولی به دانشجویانم آموزش دهم و به ترجمه از فارسی به اسپانیولی و از اسپانیولی به فارسی لحظه‌ای درنگ نکردم. چنان که «گزارش زندگی در اسپانیای اسلامی» را از زبان اسپانیولی به فارسی ترجمه کردم که از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انتشار یافت و کتاب «اسطوره سیاسی» را از انگلیسی به فارسی برگرداندم که توسط مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر انتشار یافت. کتاب «شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت» نیز در تحلیل عشق و علم و عرفان در مثنوی همراه با تفسیر منتخب شش دفتر نیز در سال ۱۳۷۹=۲۰۰۰ میلادی انتشار یافت. در این مدت با امعان نظر به مصادیق این اشعار مخزن الأسرار نظامی که در فضیلت سخن می‌گوید:

خط هر اندیشه که پیوسته‌اند  
بر پر مرغان سخن بسته‌اند  
\* \* \*  
برده رازی که سخن‌پروری است  
سایه‌ای از پرده پیغمبری است  
\* \* \*  
بی سخن آوازه عالم نبود  
این همه گفتند و سخن کم نبود  
\* \* \*  
نکته نگه دار، بین چون بود  
نکته که سنجیده و موزون بود  
\* \* \*

صدرنشین تر ز سخن، نیست کس دولت این مُلک، سخن راست بس

مقاله‌های متعدّد نیز، در معرفی تاریخ و ادب و فرهنگ و عرفان ایران اسلامی به خامه نگارنده این سطور منتشر شد که از جمله آن‌ها یکی: «واقعیات حیات خیام از میان افسانه‌ها و افکار او از خلال رباعیات» بود که در نامه پارسی سال پنجم شماره ۱ در صحایف ۵ تا ۱۷ سرمقاله قرار گرفت.

و مقاله دیگر «معرفی زندگی و آثار و احوال و سبک اشعار شاعر بزرگ و عارف زبان‌زاد ایران جلال‌الدین محمد بلخی» بود که در فصلنامه انجمن شرق‌شناسان اسپانیا در مادرید، به زبان اسپانیولی انتشار یافته است.

... واقعیّت اینست که به فضل و عنایت الهی من به‌عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی روح و جان و روان ایران و ایرانیان را در قالب میراث فرهنگی برآمده از باورداشت‌های اسلامی همواره با خویش داشته‌ام و از این رهگذر به تعبیر خواجه رندان جهان، حافظ که می‌گوید... بعد منزل نبود در سفر روحانی، هیچ‌گاه از انجام وظیفه خود آن هم به بهترین وجه ممکن و مقدور، کوتاهی روا نداشته‌ام و اهتمام بی‌وقفه من برای یادگیری زبان اسپانیولی به منظور توفیق و کامیابی بهتر آموزش زبان و ادب و فرهنگ ایران بوده است. دستاورد این تلاش بی‌وقفه این بوده است که مطالب علمی و آموزشی را از قبل به اسپانیولی تهیه کرده و به آموزش زبان و ادب فارسی به زبان رسمی آنها در کلاس‌های درس پرداخته‌ام و کم و کیف آموزشی افزایش یافته است و اکنون بیشتر به اسپانیولی و کمتر به انگلیسی تدریس می‌کنم و ناگفته پیداست که تدریس با این کیفیت، مستلزم صرف وقت بسیار و جست‌وجو و دستیابی به عبارات رایج روزانه در فرهنگ‌های اسپانیولی به انگلیسی و ترجمه آن عبارات به فارسی بوده که از نخستین ساعات بامداد تا پاسی از شب گذشته ادامه داشته است و در صورت ادامه و استمرار، خمیرمایه کتابی مفید و آموزشی را فراهم می‌سازد که آموزش زبان فارسی به اسپانیولی‌زبانان را جایگاهی خاص می‌بخشد و از بسیاری از دشواری‌ها می‌کاهد، خاصه آن که ملاحظه می‌شود به خاطر آشنایی محسوس من به زبان اسپانیولی، پیشرفت دانشجویان چشمگیرتر و علاقه آنها به فراگرفتن زبان فارسی بیشتر شده است و نظر به این که بنا بر یک تعبیر شاعرانه باید بگویم «...از بر ما تا به مقصد همچنان فرسنگ‌هاست» و به گفته منوچهری دامغانی:

شعر ناگفتن به از شعری که باشد نادرست  
بچه نازادن به از شش ماهه افکندن چنین

این میزان از تلاش و کوشش استاد دامادی بدون تردید فراتر از وظایف محوله به استادی در حال انجام مأموریت است و چنان‌که خود می‌نویسد تمام اهتمام او برای نمایندگی بهینه از روح و روان و جان ایرانیان در قالب آموزش و انتقال میراث ادبی ایران زمین بوده است و اگر این کوشش علمی در کنار منش پژوهش‌دوست و شخصیت میهن‌پرست او دیده شود روشن می‌شود که یک استاد، آن هم استادی از جنس استاد ادبیات می‌تواند بیرون از مرزهای جغرافیای وطن خود چگونه منشأ اثر باشد.

دکتر دامادی در ادامه شرح دوران کاری خود در بارسلونا نقل می‌کند:

«در این دوره آموزشی نیز این توفیق حاصل است که دانشجویان به حضور در کلاس دروس فارسی رغبت و علاقه و اهتمام خاصی از خود ابراز می‌دارند. تدریس در این دانشگاه‌ها این خاصیت را نیز دارد که گاهی دانشجویان پرسش‌هایی می‌کنند که مثل آهنی که بر سنگ خورد و شراره برافروزد، استاد متوجه دانسته‌هایی می‌شود که هیچ‌گاه از خزانه حافظه‌اش به بیرون راه نیافته است برای مثال، در روز پنج‌شنبه ۳۰ آبان (۲۰ نوامبر) یکی از دانشجویان با ادب و احترام ویژه‌ای پرسید: رباعی شماره ۱۰۹ خیام را می‌دانید چیست؟ می‌خواهم ترجمه اسپانیایی آن را بدانم. به او گفتم: رباعیات خیام تدوین‌های گوناگون و چاپ‌های مختلف دارد و نه من و نه هیچ کس دیگر هم نمی‌تواند به این پرسش، پاسخ دهد. گفت کلمه اولش را می‌دانم. گفتم چیست؟ گفت: شادی. بلافاصله پاسخ دادم این است:

شادی بطلب که حاصلِ عمرِ دمی است      هر ذره ز خاک، کیقبادی و جمی است

\*\*\*

احوالِ جهان و عمرِ فانی و وجود      خوابی و خیالی و فریبی و دمی است

و پس از ترجمه کامل آن... گفتم: ترجمه بیت دوم همان است که شما می‌گویید: *La vida es sueño* زندگی، رؤیا است. حضور استاد زبان و ادبیات فارسی در هر کجای جهان که باشد، در واقع حضور ایران است. به عبارت دیگر تنها استاد زبان و ادبیات فارسی است که می‌تواند به نوعی ایران را با خود به همراه ببرد و زبان فارسی را که معرف سیمای معنوی و عامل تفاهم و تعاون و مظهر دستاوردهای مترکم اندیشه پیشینیان و واسطه العقد بقا و سند هویت و مایه سرفرازی و مهمترین پشتوانه فرهنگی ایران اسلامی و دربردارنده زنده لیاقت و شایستگی ایرانیان در طی تاریخ درازدامن آنها بوده است و به راستی مظهر حیات ایران و ایرانیان است، در گوشه و کنار جهان زنده نگه دارد... چنین استادی باید زبان و بیانی آن چنان گرم و نرم و از معرفت سرشار داشته باشد که بتواند بر علاقه و اشتیاق دانش‌اندوزان و فارسی‌آموزان غیرایرانی بیفزاید و آنها را به یادگیری و معرفت‌آموزی هرچه بیشتر برانگیزاند... هر ملت هوشیار و دوستدار پیشرفت و ترقی هم در دنیای کنونی باید بکوشد که در بزرگداشت فرهنگ ملی و نکوداشت جلوه‌های اصیل آن و آگاهی بر مزایای راستین زبان و ادبیات و فرهنگ خود، اهتمامی در خور ستایش و کوششی بی‌وقفه و مداوم داشته باشد و تنها از این طریق و گام برداشتن در این راه است که می‌تواند از تهاجم فکر و فرهنگ دیگران مصونیت یافته، ایمن بماند.

از اینرو، آموزش زبان و ادب و فرهنگ ایران چنان‌که آموختن زبان و ادب و فرهنگ زبان‌های جهانی باید از عناصر کالبدی و اصول مسلم برنامه‌های آموزشی در کلیه مقاطع تحصیلی به شمار آید و تنها با تنظیم و اجرای برنامه‌ای دقیق و سنجیده از سوی کارشناسان خبیر و آزموده است که می‌توان موجبات آشنایی درست آموزندگان ایرانی را با زبان و ادب و فرهنگ و معرفت ایران و جهان فراهم ساخت تا ایرانیان نیز به نوبه خود بتوانند در عین پاسخ به نیاز زمان، راه‌گشای آینده‌ای روشن و صراطی مستقیم باشند.

کوتاه سخن آن که ما ایرانی زاده شده‌ایم و هر جا هم که باشیم، ایرانی هستیم و ایرانی هم از دنیا می‌رویم اما در هر کجای جهان که باشیم باید رفتاری داشته باشیم که شایسته یک ایرانی نمونه و سربلند باشد و به گونه‌ای که وقتی دیگران ما را می‌بینند فکر کنند همه ایرانی‌ها همین‌طورند. حالا چه بسا ممکن است عده‌ای هم علمی نداشته باشند، فضل و کمالی نداشته باشند ولی آن اصالت ایرانی، پدر و مادرداری ایرانی، آن حسن جوانمردی خاص ایرانی در میان کسانی که به این قبیل مراکز علمی دنیا اعزام می‌گردند باید طوری نباشد که اسباب سرشکستگی را فراهم کند بل که در هر جا که هستند و به هر طریقی که انجام وظیفه می‌کنند، آدمی نمونه باشند و به گونه‌ای که به آنها مثل بزنند. آرزویم تندرستی و شادکامی همه کسانی است که به منزلت گنجینه‌های زبان و ادب و فرهنگ ایران در گوشه و کنار جهان آگاه‌اند و مایه مباهات ایران اسلامی و ایرانیان در جهان‌اند و با آشنایی عمیقی که با خداوندگاران شعر و نثر فارسی و نیز با استیلا و اشرافی که بر زبان‌های خارجی دارند، می‌توانند بر فرهنگ دیرپا و زبان و ادبِ گران‌قدر و ارزنده ایرانیان آثاری ماندگار بیفزایند.



با این مایه از دلدادگی و سرسپردگی به مظهر جاویدان ایران - زبان فارسی است که می‌بینم از شما چه پنهان هنوز شور جوانی در شصت سالگی در وجودم زبانه می‌کشد و آرزو را هم بدین ترتیب بر جوانان عیب نمی‌بینم و نمی‌دانم و هر چند روزی چندبار هم شده که در برابر آئینه محض مثال بایستم و دگرگونی‌ها را نیز به چشم خود ببینم اما گذشت زمان و گذر عمر را در مورد خود لااقل نمی‌توانم باور کنم! ...

هرآه که بود در دل ما      برقی شد و سوخت حاصل ما  
راز دل ما، نمی‌شود فاش      تا لاله نروید از گل ما

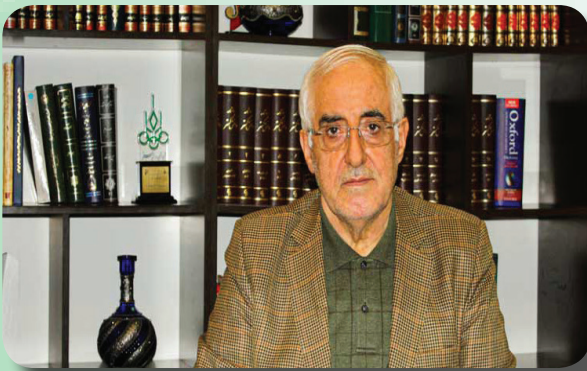
الباقی هو المُشتاقی و تَمَّه اگر مقدور شد عند التَّلَاقی!»

این جملات و پایان‌بندی گزارش استاد دامادی است که موجب می‌شود دوستان و همکاران او در مراسم یادبودش، او را نه تنها فردی مرگ‌آگاه بدانند که در شیوه زیستن خود مرگ‌آگاهانه زیست، بلکه بگویند گویی او بانگ بر بستن محمل را شنیده بوده است و گزارش مأموریت خود را همچون یک وصیتی علمی نگاشته است.

### یاد استاد دامادی از زبان همکاران و دوستان

#### دکتر خلیجی: گویا دکتر دامادی از رفتن خود آگاهی داشتند

دکتر خلیجی معاون پژوهشی وقت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مراسم بزرگداشت دکتر دامادی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، عمق معلومات



و اطلاعات، دقت در طرح مسائل و ذکر اصطلاحات را از صفات بارز و ویژگی‌های برجسته ایشان برشمرد. دکتر دامادی برای هر مسئله و هر موضوعی در زندگی، همیشه یک قطعه شعر، یک غزل، یک دوبیتی، یک بحث فلسفی، یک بحث عرفانی یا یک آیه قرآنی در چتبه داشتند. محال بود مسئله‌ای پیش بیاید و ایشان از بحر اطلاعات و معلوماتش چیزی مطرح نکنند. روحیه و احوال واپسین ماه‌ها و روزهای عمر مرحوم دکتر دامادی جلب توجه می‌کرد؛ به ویژه تغییراتی که در رفتار ایشان، طی یک سال گذشته رخ نموده بود، از جمله: عدم پیگیری کارهای عادی، پروژه‌ها و تألیفات و پرداختن بیش از پیش به مسائل عرفانی، اشعار، آیات قرآن و احادیث و تکریم استادان و دوستان گذشته.

دکتر خلیجی، رو به خدارفتن و نزدیک و نزدیک‌تر شدن به آن ذات مقدس را ویژگی بارز استاد در روزهای پایانی عمر توصیف کرد و در این زمینه، گزارش خودنوشت ایشان در مورد دوران مأموریت علمی دکتر دامادی در دانشگاه بارسلونای اسپانیا را شاهدهی بر ادعای خود ذکر کرد. آیا کسی می‌تواند وصیت‌نامه‌ای عارفانه‌تر، دقیق‌تر، توحیدی‌تر، و رساتر از این بنویسد. گویا دکتر دامادی از رفتن خود آگاهی داشتند.

#### دکتر کتابی: آثار علمی و پژوهشی برجای مانده از آن مرحوم بهترین باقیات صالحات است



دکتر کتابی رئیس وقت پژوهشگاه علوم اجتماعی نیز دکتر دامادی را برخوردار از فضایل و محاسن بسیار دانستند: «انسان به مصداق جائز الخطا بودن نمی‌تواند از هر جهت معصوم باشد. اگر ما هنگام قضاوت درباره اشخاص به جای کمال‌طلبی و مطلق‌گرایی، مجموع افعال، اعمال، دستاوردها و خلاصه کارنامه کلی زندگی آنان را در نظر بگیریم و به کارنامه زندگی و به خصوص حیات علمی شادروان دکتر دامادی بنگریم، کاملاً مثبت است.

رئیس وقت پژوهشگاه علوم اجتماعی، در ادامه، خصوصیات اخلاقی دکتر دامادی را ذیل سه برجستگی بارز توصیف کرد:

۱. سخت کوشی، استعداد علمی بالا و حافظه بسیار قوی.
  ۲. صراحت لهجه، رک گوئی و اجتناب از هر نوع ریاکاری و تظاهر.
  ۳. وفاداری و حق شناسی نسبت به استادان و دارندگان حق تعلیم برگردن او.
- بنده از همان دوران دبیرستان، شاهد تلاش‌های علمی و درخشش چشمگیر دکتر دامادی در زمینه تحصیلات قدیم و جدید بودم. وی صرف نظر از احراز رتبه اول در دبستان و دبیرستان، در اکثر سال‌ها به فراگیری دانش‌های قدیمی دلبستگی زیادی نشان می‌داد. عصرها پس از خاتمه کلاس‌های درس و در روزهای تعطیل، برای کسب علوم قدیمه و حوزوی نزد علمای برجسته اصفهان زانوی تلمذ بر زمین می‌نهاد.
- دکتر کتابی در تمجید از استعداد بی نظیر و شایان تحسین آن ادیب وارسته، از کتابی تحت عنوان گزارش زندگی در اسپانیای اسلامی (۲) سخن به میان آورد و گفت: «آن مرحوم در طول دوره دو ساله مأموریت تحصیلی و علمی در دانشگاه بارسلونای اسپانیا توانست زبان اسپانیولی را بدون هیچ گونه آشنایی قبلی، در این مدت قلیل بیاموزد، تا آنجا که توانست کتابی را از زبان اسپانیولی به فارسی برگرداند که در پژوهشگاه به چاپ رسید؛ و شگفت‌انگیزتر اینکه به عنوان طرح پژوهشی خود، ترجمه متون ادبی برجسته فارسی نظیر گلستان سعدی و امثال آنها را به زبان اسپانیولی به شورای پژوهشی پژوهشگاه پیشنهاد کرد که تصویب شد.
- بارها شاهد بودم که دکتر دامادی با چه احترام و تکریمی از استادان برجسته‌اش نظیر مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، مرحوم جلال‌الدین همایی، مرحوم دکتر عبدالحسین زرکوب، مرحوم ذبیح‌اله صفا و... و حتی از معلمان دوره ابتدایی و متوسطه‌اش با همه وجود تجلیل می‌کرد و به کرات دیده بودم که هنگام ذکر نام آنها، اشک در چشمانش حلقه می‌زد.
- دکتر کتابی، در خاتمه، آثار علمی و پژوهشی برجای مانده از آن مرحوم را بهترین باقیات صالحات خواند و بر تکریم عالمان، بزرگان و گنجینه‌های گرانقدر در قید حیات پژوهشگاه تأکید کرد.

### دکتر کلباسی: جزئی از نفس دکتر دامادی، فرهنگ و ادب این سرزمین بود

دکتر کلباسی قائم مقام وقت گروه علم و دین، زبان و طلاقیت زبان آن هم در قالب شعر را از نشانه‌های حکمت برشمردند و استاد مرحوم دکتر دامادی را تجلی پیوند ادب و عرفان و برخوردار از ادب نفسی و ادب درسی، هردو با هم، معرفی کردند: «ادب درسی، شدت حافظه و ذاکره ایشان بود که من در حقیقت در بعضی اوقات به شگفتی می‌افزادم که حافظه قوی انسانی در این سن و سال و در این شرایط آنقدر است که توان داشته باشد شاید بیش از یک ساعت به طور متصل اشعاری را آن هم با دقت و بدون کوچک‌ترین سکت و اشتباهی بر زبان براند؛ و اما ادب نفسی که فکر می‌کنم از آن هم مهم‌تر است... احترام به ذی حق و کسی که برگردن و پشت او حقی داشته است، به خصوص کسانی که حق تعلیم داشته‌اند، که من آن را از ایشان مکرر دیدم.

دکتر کلباسی با اشاره به صراحت لهجه دکتر دامادی، آن را معلول عشق و شیفتگی بسیار والای ایشان به فرهنگ و ادب ایران زمین دانست و ابراز کرد: «چیزی که برای انسان ملکه می‌شود، جزئی از نفس اوست؛ و جزئی از نفس دکتر دامادی، فرهنگ و ادب این سرزمین بود که در حکم حیات او و پاسداشت از آن در حکم پاسداشت از ناموس او تلقی می‌شد.»



## پیام تسلیت رئیس پژوهشگاه در پی درگذشت دکتر عماد افروغ

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی پیامی درگذشت دکتر عماد افروغ، دانشمند و استاد برجسته جامعه‌شناسی را تسلیت گفت. متن پیام بدین شرح است:

باسمه تعالی

اَنَا اللَّهُ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ



فقدان جناب آقای دکتر عماد افروغ، استاد فرزانه، دانشمند و عضو هیأت علمی برجسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضایعه‌ای اندوه‌بار بر پیکره جامعه علمی کشور است. درگذشت این استاد برجسته و عالم را به خانواده، دوستان، دانشجویان آن مرحوم و به‌ویژه همکاران ایشان در پژوهشگاه تسلیت عرض می‌کنم. از درگاه خداوند متعال برای روح آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر در این مصیبت را مسألت دارم.

موسی نجفی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یادآور می‌شود دکتر عماد افروغ، جامعه‌شناس، پژوهشگر و نویسنده برجسته کشور، متولد سال ۱۳۳۵ در شیراز بود. وی در سال ۱۳۶۵ مدرک کارشناسی خود را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه شیراز، و سپس در سال ۱۳۶۹ از همین دانشگاه مدرک کارشناسی ارشد خود را گرفت و سپس در سال ۱۳۷۶ دکتری جامعه‌شناسی را از دانشگاه تربیت مدرس دریافت کرد. او در سال ۱۳۷۳ به‌عنوان دانشجوی نمونه کشور در مقطع دکتری شناخته شد و از سال ۱۳۷۶ به مدت ۶ سال عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس بود. این استاد برجسته از سال ۱۳۸۲ به‌عنوان عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فعالیتش را آغاز کرد و تصدی مدیریت گروه علم و دین پژوهشگاه از جمله فعالیت‌های وی در این دوران بود. وی همچنین در مجلس هفتم شورای اسلامی، ریاست کمیسیون فرهنگی را نیز عهده‌دار بود.

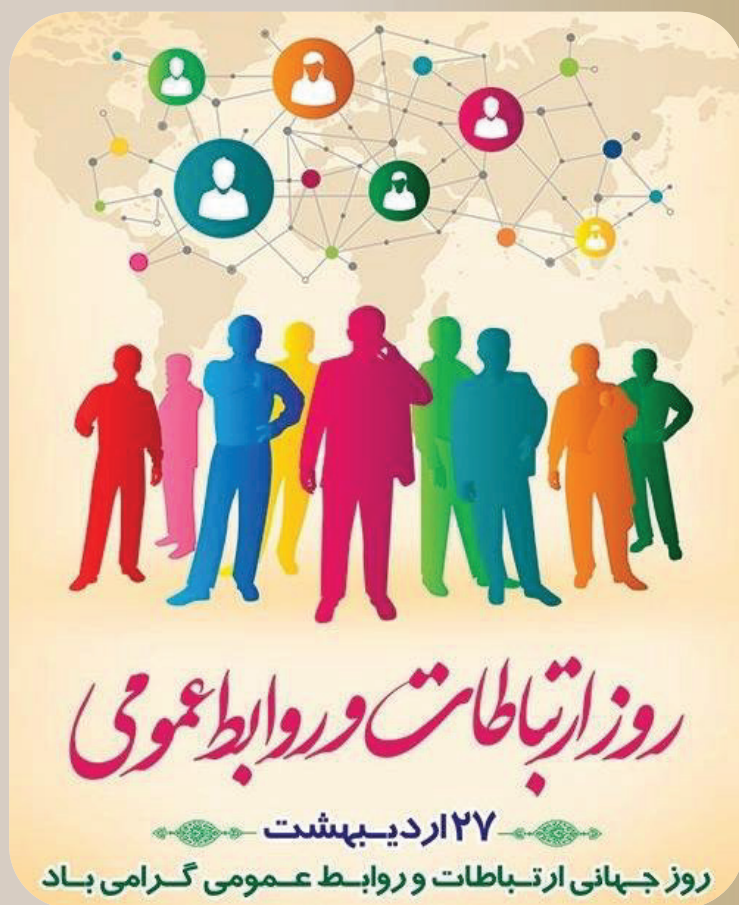
آثار و کتاب‌های متعددی به شکل تألیف و ترجمه از دکتر عماد افروغ به یادگار مانده است. فضا و نابرابری اجتماعی؛ هویت ایرانی؛ فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی؛ چشم‌اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه؛ چالش‌های کنونی ایران؛ اسلام و جهانی شدن؛ رنسانسی دیگر؛ حقوق شهروندی و عدالت؛ انقلاب اسلامی و مبانی بازتولید آن؛ هویت ایرانی و حقوق فرهنگی؛ روشن‌فکری و اصل‌گرایی فلسفی؛ ارزیابی انتقادی نهاد علم در ایران؛ ما قال و من قال؛ ترجمه کتاب «قدرت، نگرشی رادیکال، تألیف استیون لوکس»، ترجمه کتاب «روش در علوم اجتماعی، رویکردی رئالیستی» تألیف آندرو سائر و ... از جمله آثار ایشان هستند.



ثڤو، شكاھ علوم انسانى ومطالعات فرهنجى



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه



سردبیر: خوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah